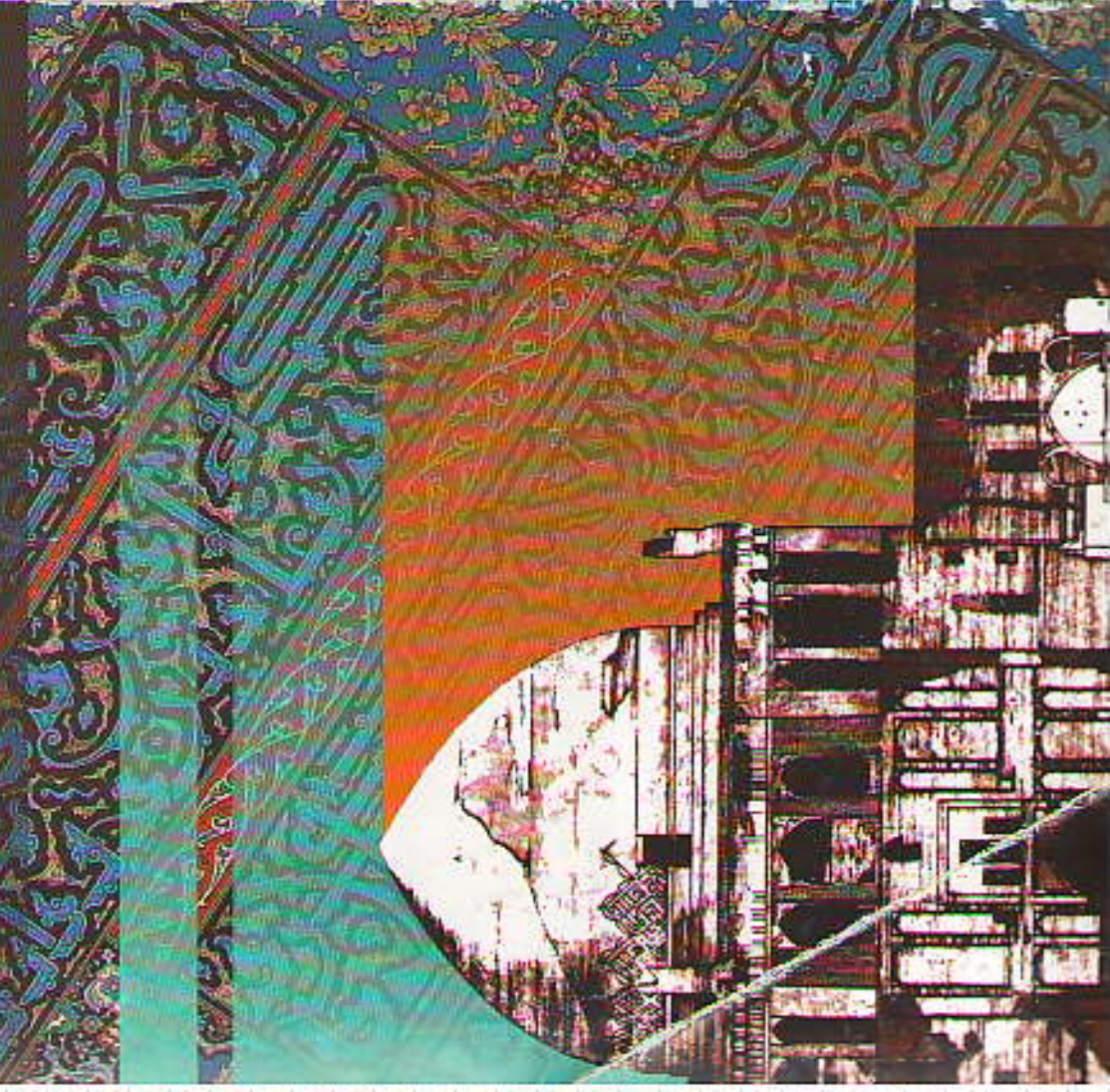


# فصلنامه فرهنگ زنجان

سال اول - شماره اول - بهار ۱۳۷۹  
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان



# فصلنامه فرهنگ زنجان

سال اول - شماره اول - بهار ۱۳۷۹  
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان







کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران  
معاونت فرهنگ و ارشاد اسلامی، استان زنجان

۱۳۷۴



## فرهنگ زنجان

فصلنامه‌ی فرهنگی - هنری - اجتماعی

صاحب امتیاز:

اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان

مدیر مسئول: علی سهنندی

سرمدیر: سعیدرضا بیات

مدیر داخلی: سعید رومی

طراح: جمال رحمتی

حرفچین: لیلا حیدری

صفحه آرایی و لیتوگرافی: سلیم

چاپ: امید

صحافی: دانشجو

□ نشانی فصلنامه:

زنجان، میدان استقلال، اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی،

کد پستی: ۳۵۱۷۴

تلفن: ۵۴۸۰۰۱ - ۵۴۸۰۰۲

دورنگار: ۵۴۳۳۰۳



الطبعه خورشید بنیسی از مرحوم استاد احمد نجفی زنجان



### یادداشت سردیدر

چریده‌ای که نخستین شماره‌ی آن پیش روی شماست به یاری حق از این پس هر سه ماه یکبار و در زمینه‌ی فرهنگی، هنری منتشر خواهد شد در حالیکه سزاوار بود، سالها پیش از این آغاز به کار می‌کرد. از نظر کارشناسان، وجود مجلات منظم ادواری و حتی میزان کاغذی که برای چاپ کتب و جراید مقید به کار می‌رود یکی از شاخصه‌های مهم رشد و توسعه اجتماعی تواند بود. استان ما، که در سراسر تاریخ، مهد نام‌آوران و پهنه‌ی



## فرهنگ زنجان

فصلنامه‌ی فرهنگی، هنری، اجتماعی

سال اول

شماره‌ی اول

بهار ۱۳۷۹

اهل اندیشه باشد. به رشد کمی و کیفی این فصلنامه در آینده امیدها بسته ایم.

امید هست که منشور عشق‌بازی من

از آن کمانچه‌ای ابرو رسد به طغرای

سر دبیر فصلنامه فرهنگ زنجان

سعید رضا بیات

علم و ادب و هنر بوده و مرکزیت خیزشهای عظیم فرهنگی، اجتماعی و تاریخی گردیده است و هم‌اکنون نیز از خطه‌های دانشگاهی و محقق‌پرور به شمار می‌رود. هنوز پلی مستحکم برای تعامل فرهنگی و هنری با سایر مناطق ایران پهناور ندارد.

پیدا است که میراث فرهنگی همچون حلقه‌های زنجیری است که گذشته را با آینده مرتبط می‌کند و با تغییر نسل، هویت فرهنگی را استمرار می‌بخشد. دیار کهنسال و ادب خیز زنجان دارای فرهنگی اصیل، عمیق و ریشه‌دار است و نیاکان ما در گذشته هزاران کتاب و رساله‌ی تراجیح را تألیف و تدوین کرده‌اند ولی رنج ایشان آنگاه میوه خواهد داد که اصناف آن اسلاف نیز به نوبت خویش دستی بالا زنند و کاری کنند.

اعتقاد داریم فرهنگ چیزی نیست که پرداختن به همه جوانب آن در فصلنامه‌ای چنین مقدور باشد ولی کوشش خواهد شد تا فرهنگ زنجان و سبله‌ای برای تبلور و بازتاب یافته‌های پژوهشگران و اندیشمندان باشد که سخنی تازه و بدیع برای عرضه دارند. پرداختن به شاخه‌های متنوع هنر نیز بویژه در عصر صنعت و ماشین و آهن از ضروریات است و با طلب باری از اصحاب فضیلت و معرفت قدم در این راه خواهیم گذاشت. می‌کوشیم تا فصلنامه دستاویز افراض شخصی یا ناشایست کس یا کسانی نشود و تنها هر صدای باشد برای برخورد اندیشه‌های سازنده.

همیشه قدم اول را برداشتن مهم است پس از گام نخست راه باز خواهد شد. فرهنگ زنجان به این شماره اعلام موجودیت می‌کند و امیدوار است که بتواند در شماره‌های آتی، موجودیت خود را به اثبات برساند. کاستی‌های شروع هر کار می‌تواند مورد عفو و گذشت





## نگاهی گذرا بر موقعیت استان زنجان

### □ بهروز محمدی یگانه

استان زنجان که می‌توان از آن به نام فلات زنجان نیز نام برد، در ناحیه مرکزی شمال غربی ایران واقع گردیده است. مساحت استان ۲۲۱۶۴ کیلومتر مربع می‌باشد. این استان از شمال با استانهای آذربایجان شرقی، اردبیل و گیلان؛ از شرق با استان قزوین؛ از جنوب با استان همدان و از غرب با استانهای کردستان و آذربایجان غربی همجوار است.

\* عضو هیئت علمی دانشگاه زنجان و دانشجوی دوره دکتری دانشگاه تهران.

## فهرست

### صفحه

### عنوان

۷	نگاهی گذرا بر موقعیت استان زنجان - بهروز محمدی یگانه.....
۱۵	ادبیه سخ - دکتر محمود درگامی.....
۳۱	زندگی حکیم عیدجی، از مجاز تا حقیقت - محمد کاظم مکملی.....
۵۱	زنجان به روایت مینورسکی - رامین سلطانی - پریسا فاتح.....
۵۹	تاریخ معاصر زنجان در جنگ بین الملل دوم - ذبیح الله شاه محمدی.....
۷۵	پیدایش خط و عوامل تزئینی آن در معماری اسلامی گنبد سلطانی - هوشنگ ثیونی.....
۹۵	هدیار و گلنگو با استاد دکتر یوسف ثیونی دانشمند پر چشمة فیزیک.....
۱۰۵	کشت سپهر به عنوان محصول دوم در زنجان - دکتر جعفر محمدی.....
۱۲۳	نگاهی به احوال، افکار و آثار حکیم ابوالدین ابهری - حسن نظمه ابهری.....
۱۴۵	امثال مشهور و سراینندگان گمنام - حمید رضا قلیچ خانی.....
۱۵۳	هوای تازه - اشعاری از مادی و جیدی - علیرضا سلطانی و عاصم اسدی.....
۱۶۵	لبم نگاهی به موضوعات شعر کوککان و نوجوانان پس از انقلاب اسلامی - مسعود آقایی.....
۱۸۷	هنر ملیله کاری در زنجان - کریم واحد پور - حسینعلی یوسفی.....
۱۹۷	مهرهای طرح ها و پایان نامه های حمایت شده در شورای پژوهشی ارشاد اسلامی زنجان.....



ویژگیهای طبیعی و اقلیمی: استان زنجان ناحیه‌ای کوهستانی است بطوری که محل

بالایی در رشته کوه البرز و زاگرس می‌باشد. از معروفترین ارتفاعات این استان می‌توان به کوههای دمبرلو، جهان داغ، قیدار، باکلور و سندان داغی اشاره کرد؛ در این منطقه سرزمینهای همواری چون دره ابهر، چمن سلطانیه و دشت زنجان نیز وجود دارد که مراکز تجمع جمعیت استان می‌باشد.

آب و هوای استان به دو منطقه معتدل کوهستانی در شمال قیدار، ابهر و زنجان و آب و هوای گرم و نیمه مرطوب در منطقه طارم علیا تقسیم می‌گردد.

میانگین درجه حرارت سالیانه در ایستگاه زنجان (مرکز استان)  $11/1$  درجه است که دبی ماه با میانگین  $2/5$  درجه سردترین و تیر ماه با  $23/5$  درجه گرمترین ماه سال می‌باشد. (۱)

حد اکثر مطلق درجه حرارت با  $40$  درجه در تیر ماه و حداقل مطلق با  $29/6 -$  درجه در دیماه به ثبت رسیده است. (۲)

مقدار بارندگی سالیانه برابر با  $320$  میلیمتر و معدل تعداد روزهای پخندان  $116$  روز در سال می‌باشد. (۳)

پادهای مهمی چون یاد سرد (مه) و گرم (شهره راز) آب و هوای استان را تحت تأثیر طوره قرار می‌دهند. (۴)

زودخانه‌های مهم استان قزل‌اوزن (شیران حیاتی استان) زنجانرود، ابهررود و سنجابرود و خرنود می‌باشد.

تقسیمات کشوری: زنجان در سال  $1329$  به صورت فرمانداری کل درآمد و از استان گیلان منتزع گردید و در سال  $1352$  با تصویب قانون فرمانداری کل از تقسیمات کشوری حذف و زنجان به درجه استانی ارتقاء یافت.

در سال  $1356$  شهرستان قزوین از استان مرکزی منتزع و به استان زنجان ملحق گردید. (۵) که در سال  $1373$  بار دیگر از استان زنجان جدا شد.

این استان براساس تقسیمات کشوری سال  $1377$  دارای ۷ شهرستان (زنجان، ابهر، خدابنده، ابهرود، خرمدره، طارم و ماهنشان) ۱۵ بخش و ۱۳ شهر (۶) و ۴۶ دهستان و ۹۷۶ آبادی دارای سکنه بوده است. (۷)



ویژگیهای تاریخی: بنای اولیه شهر زنجان را طبق نوشته حمدا... مستوفی به اردشیر



جاده‌های راجع و موهایی به رنگ بور می‌باشد. (۱۰)

زبان: قبل از هجوم اقوام مغول، زبان بومی اهالی منطقه فارسی بوده است. پس از استقرار اقوام ترک در منطقه و مهاجرت‌های ترک‌های از نژاد آذری مخلوطی از زبان‌های ترکی،

چغانی، ترکی آذری و زبان فارسی که کلمات کردی نیز در آن وجود دارد شکل یافته

است. (۱۱)

مذهبها: اکثر قریب به اتفاق اهالی منطقه پیرو مذهب اسلام و شیعه دوازده امامی

می‌باشند.

راهها: طول راه‌های استان بالغ بر ۳۷۴۶ کیلومتر می‌باشد. استان با توجه به نقش منحصر به فرد خود از نظر ارتباط بین منطقه‌ای و استقرار در محل تقای راه‌های ارتباطی کشور یعنی بعنوان گلوگاه متصل کننده مرکزی کشور به شمال غرب و غرب و نیز اتصال و دهانه شمال غرب و غرب کشور با شمال آن و به دلیل همسایگی با هفت استان پیرامون؛ استقرار بر روی محور ترانزیتی، تهران - ارومیه، نزدیکی با مراکز عمده اقتصادی کشور و مجاورت با بازارهای عمده مصرف در مرکز، شمال و شمال غرب کشور از جمله استان‌های مهمی به شمار می‌رود که نقش بسزایی در زمینه ارتباط منطقه‌ای ایفا می‌کند.

زبان دارای فرودگاه و بزرگراه تا قزوین و تهران است این بزرگراه در حال احداث به سمت میانه و تبریز می‌باشد. طول راه آهن ۲۳۶ کیلومتر است که از قلب اقتصادی منطقه عبور می‌کند.

جاده‌های گردشگری و مناطق دیدنی استان: بخش حاضر را به جاده‌های طبیعی

باستان از شاهان ساسانی نسبت می‌دهند. بنا به نوشته‌های متعدد نام اولیه آن شهرین

بوده که بعدها به رنگان تغییر می‌یابد. یا حمله اعراب احلاق کلمه زنجان که معرب رنگان است معمول می‌شود.

جمعیت: استان زنجان در سال ۱۳۷۷، دارای ۹۲۹۰۰۰ نفر جمعیت بوده که جمعیت شهری آن ۴۶۷۰۰۰ نفر (۵۰/۲۶ درصد کل جمعیت) و جمعیت روستائی آن ۴۶۲۰۰۰ نفر (۴۹/۷۳ درصد کل جمعیت) برآورد گردیده است.

درصد باسوادی جمعیت استان ۷۴/۵ درصد کل به ترتیب در نقاط شهری و روستائی ۸۲/۳ و ۶۷/۲ درصد می‌باشد.

نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت ۳۵/۱ درصد که به ترتیب در نقاط شهری و روستائی ۳۳/۷ و ۳۶/۵۳ درصد بوده که ۳۷/۹ درصد آن در بخش کشاورزی، ۲۹/۲ درصد در بخش صنعت و ۳۲/۹ درصد آن در بخش خدمات اشتغال داشته‌اند. نرخ بیکاری استان ۶/۳ درصد بوده است. (۹)

نژاد: از نظر نژادی مردم منطقه یکدست نبوده بلکه اختلافی از اقوام آریائی، اقوام ترک، اقوام گرجی، به همراه قبایل ایلات خمسه (شاهسون، اصلانو، مقدم، بیات، سدا بده‌لو) تپ مخصوص زنجان را بوجود آورده است.

از مشخصات این تپ، رنگ پوست گندمی و چشم‌های میخی، موهایی به رنگ سیاه است. تپ اصیل که در ارتفاعات و مناطق کوهستانی زندگی می‌کنند به علت عدم فعل و الماعات سانی، آریائی اصیل باقی مانده‌اند و از مشخصات این تپ رنگ پوست سفید،



مسجد جامع سجاس - مسجد جامع فروه - مسجد جامع قلاب.

جاذبه‌های اقتصادی: بازار زنجان - صنعت چاقوسازی زنجان - فرش بافی - پارچه‌دوزی - مایه کاری در یک جمعیتی کلی می‌توان گفت استان زنجان به علت داشتن موقعیت جغرافیایی و اقلیم مناسب و متنوع، منابع آب سطح الارضی و زیر الارضی کافی، پوشش گیاهی متنوع - جمعیت جوان و سخت‌کوش - زمینهای مساعد کشاورزی - معادن با ذخایر کافی و زیربنایی - جاذبه‌های گردشگری و تأسیسات زیربنایی همچون بزرگراه، راه آهن، جاده ترانزیت، موقعیت چهارراهی، فرودگاه جزء مناطق مساعد کشور محسوب و توانایی پیوستن به قطبهای عظیم اقتصادی و تولیدی کشور را داراست.

#### پهنه‌های طبیعی:

- ۱- سالنامه‌های اداره کل هواشناسی (۷۰-۱۳۳۴)
- ۲- واحد های درجه حرارت به سانتیگراد می‌باشد.
- ۳- همان جا
- ۴- رتبه و پهنه‌های استان زنجان، مؤلف گروه آموزشی جغرافیای استان زنجان، شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، ص ۳.
- ۵- رتبه، مشکینی، ابوالفضل، مسیر تکوین شهر و شهرنشینی در زنجان - پایان نامه کارشناسی ارشد
- ۶- در سال ۱۳۷۸ به ۱۲ شهر رسیده است.
- ۷- رتبه، وسمای اقتصادی و اجتماعی استان زنجان - سازمان برنامه و بودجه استان زنجان مرداد

جاذبه‌های پادمانی و تاریخی و جاذبه‌های اقتصادی تقسیم می‌کنیم که در داخل هر بخش موارد زیر قابل ذکر است.

جاذبه‌های طبیعی: منطقه حفاظت شده سرخ آباد - منطقه حفاظت شده و پناهگاه مهرات وحش انگوران - پارکهای جنگلی یک و دو شهر زنجان - غار کتله خور - غار غمرمنه سر - غار گلچیک - غارهای داش کسن - ارتفاعات بلقیس - شویند - صندوق سدران - قارقلان - پست اسکی و تفریحی پاپانی - ارتفاعات و تأسیسات گاوآزنگ - چشمه معجزات - چشمه پنه جوق - چشمه دره لیک - چشمه گیاهی - چشمه بنگجه - چشمه لیل آباد - چشمه معدنی و آبگرم ونق - چشمه معدنی ارکوبن - چشمه معدنی بنگجه سبار - چشمه معدنی گرماب - دریاچه شورگل - خندقلو - دریاچه آب بندان مهابون - دریاچه آب بندان سارمافلو - دریاچه آب بندان قره چریان و تالاب قمشلو. جاذبه‌های پادمانی و تاریخی: بقعه امامزاده سید ابراهیم (ع) - بقعه معجده - بقعه پیراحمد زهرنوش - امامزاده اسماعیل شناظ - بقعه شاهزاده زیدالکبیر - بقعه امامزاده یحیی (ع) - مقبره چلبی اوغلو - مقبره ملاحسن کاشی - بقعه قیدار نبی - گنبد تاریخی سلطانیه (سومین بنای عظیم تاریخی و اولین گنبد آجری) - عمارت ذوالفقاری - رخش‌پوشانه زنجان - کاروانسرای سنگی زنجان - پلهای سه گانه زنجان (پل حاج سید محمد - پل میربهاءالدین و پل سردار) - حمام قیصریه - حمام میربهاء - حمام حاجی داداش - قلعه سمیران طارم - قلعه انگوران - قلعه بهستان مامنهان - قلعه شهر سلطانیه - به ناریخی - صائین قلعه - تپه‌های سعید آباد - سدرار تپه - مسجد جامع زنجان -





### اندیشه سرخ

مروری بر اندیشه، آثار، و تأثیر شهاب الدین یحیی سهروردی در دنیای فلسفه

□ دکتر محمود درگامی \*

سراغاز: انتشار هر نشریه فرهنگی در این شهر اگر خالی از نام سهروردی باشد، در محبت نهاد فرهنگی خود را ادا نکرده است؛ زیرا سهروردی ها - بویژه شیخ اشراق -

\* عضو هیئت علمی دانشگاه زنجان و مؤلف کتب: در پشته اندیشه ها، مزاج دهر تبه شد و شعر و اندیشه ساخط در نگاهی به حافظ شناسی معاصره، گزیده اشعار سنائی، آیات مشنوی، نقد شعر در ایران، سرود رماهی و چند اثر زیر چاپ دیگر.

۱۳۷۸.

۸- رگ، وازنه القلوب، حمدا... مستوفی، یگوش سید محمد دبیر سیاقی، کتابخانه ظهوری -

تهران ۱۳۳۶ - ص ۶۷

۹- سیمای اقتصادی و اجتماعی استان زنجان.

۱۰- رگ، لهرنی، هوشنگ - تاریخ زنجان، انتشارات زنگان - زنجان ۱۳۷۷ - صص ۲۸-۲۶

۱۱- همان جا صص ۲۹-۲۸

۱۲- رگ، احمدی، کبری - هانکانشننجی توسعه گردشگری در استان زنجان - پایان نامه

کارشناسی ارشد - دانشگاه تهران - صص ۱۷۷-۸۴



ب: شهاب‌الدین سهروردی از مشایخ معروف تصوف که حتی برخی از مورخان مسلمان نیز او را همان شیخ اشراق دانسته‌اند.

ج: ابوحنض عمر سهروردی، عموی ضیاءالدین ابوالنجیب سهروردی (۵۳۹-۶۳۲) د: ضیاءالدین ابوالنجیب سهروردی (۲-۴۹۰-۵۶۳) که از این میان سه سهروردی اخیر در عرصه تصوف اشتهار یافته‌اند، و شیخ اشراق از آن دنیای فلسفه و تصوف است. شیخ اشراق سرآمد همه سهروردی‌های مذکور است و در این نوشته نیز منظور ما پرداختن به طرحی از شخصیت و اندیشه اوست.

**شهاب‌الدین یحیی سهروردی:** این سهروردی در سال ۵۴۹ در سهرورد به دنیا آمد. در آغاز جوانی در مراغه به تحصیل پرداخت و آنگاه به اصفهان رفت و آنجا با اندیشه و آراء ابن سینا که در نهایت اشتهار بود، آشنایی یافت. پس از آن مدت چند سال در جنوب شرقی آناتولی (ترکیه) گذرانده و در طی این مدت عددهای از شاهزادگان سلجوقی روم او را به گرمی پذیرفتند. سرانجام به سوره، یعنی سرزمینی رهسپار گردید که گویا بازگشتن از آنجا مقدر نبود. قتیان آنجا برضد او محکمه تشکیل دادند، و هیچ وسیله‌ای او را از دست شخصیت متعصبی چون صلاح‌الدین ابوبی (قهرمان جنگ‌های صلیبی) نجات نبخشد. حتی دوستی او با «الملک الظهیر» پسر صلاح‌الدین، فرماندار حلب، شیخ جوان به طرز مومیزی در قلعه حلب درگذشت.<sup>(۳۷)</sup>

سهروردی در آغاز مطابق رسم زمان به تحصیل علوم رایج پرداخت و در علوم یحیی از جمله در فلسفه از سرآمدان روزگار شد. این علوم همه مکتب‌های یونان کهن از فیثاغورس

لهاگاسی هستند که نام این مرز بوم را با خود از مرزهای ملی ما گذرانده و در افق‌های دور دست جهان رها ساخته‌اند! بنابراین نخستین برگ هر نشریه‌ای باید اختصاص به اندیشه و نام این مردان اندیشه داشته باشد، اما نه تنها مردم این شهر در طرح اندیشه و آراء سهروردی‌ها هیچ گونه کوششی تا امروز نشان نداده‌اند، بلکه حتی برخی از محافل معصب و جزم‌اندیش با در میان آوردن نام سهروردی نیز مخالفت ورزیده‌اند و از جمله این تعصب ورزی‌های تنگ نظرنه مخالفت با نام‌گذاری دانشگاه زنجان به «دانشگاه سهروردی» در چند سال پیش بود.<sup>(۱)</sup> در سال‌های اخیر نیز که هر شهر و روستایی همه چهارم‌های فکری ریز و درشت خود را به نمایش درآورده‌اند، در این شهر هیچ نشانی از سهروردی‌ها به چشم با گوش کسی نخورده است. نه تنها یک کنگره جهانی شایسته سهروردی برگزار نشده، بلکه یک میدان شهر نیز با تندیس او آرایش نیافته است، و حتی یک خیابان نیز به نام سهروردی نامگذاری نشده است! تنها جایی که نام سهروردی را با خود دارد، کتابخانه کوچک سهروردی است که آن هم مربوط است به سالهای پیش از انقلاب...

**سهروردی‌ها:** برخلاف تصور شایع در باب سهروردی‌ها، و نیز آنچه که از فرهنگ‌نامه‌ها برمی‌آید، سهروردی نام چهار تن - و نه سه تن - از مشایخ عرصه فلسفه و تصوف است که تاکنون شناخته شده‌اند. این چهار تن عبارتند از:

الهاب: شهاب‌الدین یحیی بن امیرک سهروردی مشهور به «شیخ مقتول» و «شیخ



جمله این سینا) که یکی از مسائل اساسی فلسفه اسلام نیز هست، تقدم وجود بر ماهیت بود. مشائیان، همانند صوفیان، وجود را اصل و ماهیت را چون غرضی نسبت به وجود می دانستند، سهروردی متعرض این رأی می شود، و می نویسد که وجود نمی تواند در خارج از ذهن تحقق داشته باشد، ذهنی که وجود را از اشیاء انتزاع می کند...<sup>(۵)</sup> اما این گونه اجتهاد و نوآوری ها که نمونه های بسیار در عرصه تأملات فلسفی سهروردی دارد، تنها و بُعد کوچکی از خلاقیت و نوآوری سهروردی را تشکیل می دهد! بعد اساسی تغییر که سهروردی در اندیشه های فلسفی ایجاد می کند این است که آن را به گونه مقدمه و تمهیدی برای دریافت حقیقی و دست یافتن به شهود و شناخت راستین درمی آورد و نه یک سیستم فکری جامع و یا نظام اندیشگی بی نقصی که می تواند انسان را بدون نیاز به سرمشق و رهنمودی دیگر، به حقیقت اتصال دهد! البته چنین تعبیری از حکمت مشاء، گویا در آثار این سینا نیز سابقه ای داشته است، اما به اعتقاد سهروردی، طرحی که این سینا در تلقین مکتب مشاء با اشراق ایرانی - اسلامی پیش آورده بود، طرحی ناملم بود؛ و سهروردی بنابه دلیل قاطع طرح او را با عدم توفیق مقارن می دید؛ و در نتیجه کسی را که بخواهد به حکمت اشراق آشنا گردد به مطالعه کتاب خویش (حکمت الاشراق) دعوت می کرد.<sup>(۶)</sup>

اصولاً، مفهوم تاریخ فلسفه برای سهروردی و آیین وی، خود، شایان توجه بسیار است، و این آیین، فلسفه را بیشتر به معنی دانایی (تأله) می گیرد تا به معنی نظام برداری عقلی (= بحث صرف)....<sup>(۷)</sup> اما، از سوی دیگر این دانایی مانند آنچه که مردان تصوف

و افلاطونی و ارسطونی تا مکتب هرمسی اسکندرانی را در کنار حکمت باستانی ایران و اندیشه های خسروانی آن شامل می شد. اما آشنایی و احاطه بر این مکاتب فکری و آموختن آن به شاگردان مدرسه، و حتی ابتکار و نوآوری در محدوده دانش فلسفی چیزی نبود که بتواند ذهن پویا و کارنده او را اقیانوس نماید! در نتیجه او به بازاندیشی و حتی تردید و ابتکار در برخی از مبانی مکتب های فلسفی - فکری روزگار خود روی می آورد، و حتی برای بازسازی و تغییر، در این مکتب ها دست می برد! رایج ترین مکتب های فلسفی عصر سهروردی، مکتب ابن سینا و نیز مکتب ارسطویی بودند، که با همه تفاوت هایی که در آنها دیده می شد، در بسیاری از شبهه ها و مبانی خود اشتراک و نزدیکی داشتند، و هر دو به مکتب مشاء شناخته می شدند. فلسفه مشائی ایران، با همه تفاوت هایی که با همبای یونانی خود داشت، در هر صورت نوعی فلسفه پیگانه و غیر بومی بود، و در نتیجه پیوسته نیاز به یک بازنگری و تغییر اساسی در آن احساس می شد تا صیغه بومی پیدا کند و به گونه مکتبی آشنا و مستقل درآید. سهروردی این تغییر را در آن ایجاد کرد، اما این تغییر به نفع و نادره گرفتن همه آنچه که در مکتب مشاء وجود داشت، منجر نمی شد. بلکه سهروردی در آغاز با کوشش بی گیر در آموختن مبانی حکمت مشاء، به گونه یکی از متفکران این مکتب درمی آید، و آنگاه به اجتهاد و تغییر و نوآوری در برخی از اصول و مبانی آن می پردازد، و در این کار هم به تغییر نکاتی چند از فلسفه ارسطویی، به منظور تحکیم اساس آیین اشراقی می پردازد.<sup>(۸)</sup> و هم به تکمیل آنچه که این سینا آورده بود! در باب ارسطو و یکی از نکات مهم مورد اختلاف اشراقیان (پروان سهروردی) و مسلمین پیرو ارسطو (مشائیان و از آن



«ساحت عرفانی اندیشه بوعلی تنگ‌تر از آن بود که بتواند این مشکل را که شناخت نظری و تجربه عرفانی مکمل یکدیگرند، آشکارا و بدون ابهام در آن، مطرح کند؛ در حالی که با سهروردی حتی خود فکر فلسفه معنای تازه‌ای یافت»<sup>(۱۱)</sup> و عرصه فراخی را در پیش روی چنین تجربه‌ای قرار داد؛ و به همین دلیل نیز بود که در تاریخ فلسفه، مکتب سینائی با همان نام «مکتب مشاء» باقی ماند، یعنی صیغه غلیظ فلسفی خود را حفظ کرد، اما آنچه که سهروردی در دنیای فلسفه و عرفان پیش آورده بود، به مکتب اشراق نبود گشت؛ مکتب شهود، و ذوق و دریافت مبتنی بر خود و آگاهی فلسفی؛ و از این رو سهروردی در حقیقت «خصیصین نظام بر از تاریخ فلسفه ایران بود که حقایق همه شیوه‌های فکری ایران را باز شناخت و با کاردانی درهم آمیخت»<sup>(۱۲)</sup> نوآوری و نظام‌پردازی سهروردی، حقیقت آشکاری بود که هیچ‌گاه از چشم فیلسوفان بزرگ بعد از وی پوشیده نماند، و حتی ملاصدرای شیرازی نیز از سهروردی به عنوان «رئیس مکتب مشرقیون» و «احیاء کننده اصول فلسفی عقاید ایران در مورد مشاء نور و ظلمت»<sup>(۱۳)</sup> یاد کرده است...

در سال ۵۹۵ هجری که این رشد درگذشت، مشتغلان به فلسفه و مباحث فلسفی، اما مدت‌ها چنین می‌پنداشتند که به خاک سپاری او، در حقیقت، به خاک‌سپاری فلسفه اسلامی هم بوده است، زیرا این رشد نماینده تکامل مرحله‌ای از فلسفه اسلامی بود که با عنوان «مکتب ارسطویی عرب» نامیده شده است، با این همه آنان که چنین فکر می‌کردند، به این امر مهم توجه نداشتند که مرگ این رشد با پیدایش چیز تازه‌ای همزمان بود که همان اشراق سهروردی و...<sup>(۱۴)</sup> است. البته با این تفاوت که این بار اندیشه‌های انزاعی و خوشک

می‌پنداشتند، یکسره ذوقی، خودستیز و بدون اساس فلسفی نیست! در واقع ابتکار عظیم سهروردی این است که اندیشه فلسفی را پیش درآمد ذوق و دریافت عرفانی قرار می‌دهد، و از این طریق بسیاری از توهّمات بی‌اساس اهل تصوف را پوشالی و بی‌اعتبار نشان می‌دهد، و با متکی ساختن آن بر عقلانیت و خود فلسفی، نه تنها هم ذوق و عرفانی و هم اُهره فلسفی را از استحکامی خطل ناپذیر برخوردار می‌سازد، بلکه ماجرای دیرینه قهر و سبزه‌اِهل دل را با اهل دماغ نیز به پایان می‌آورد؛ در نتیجه، این تحول هم در دنیای عرفان و تصوف و هم در عرصه اندیشه‌های انزاعی فلسفی حادثه‌ای مغفتم و میمون است، و اقتران فلسفه و تصوف را که بعدها تفکیک ناشدنی گردید، این چنین به منصب ظهور درمی‌آورد.<sup>(۱۵)</sup>

به عقیده سهروردی، سلوک صوفیانه، بدون تربیت فلسفی قبلی، شخص را به خطر بزرگ گمراهی گرفتار می‌سازد. او را در دنیای توهّمات و اوهام بی‌اساس فرو می‌برد، و از سوری دیگر فلسفه‌ای که به سوری تحقق روحانی گرایشی نداشته باشد، و به آن منتهی نشود، بی‌حاصلی محض است.<sup>(۱۶)</sup> و گرفتار شدن در بحث و جدل‌های فرساینده خشک و انزاعی و به دور از واقعیت‌ها از این رو ضروری است که «حکمت الهی واقعی را از کلیه مباحث بی‌فایده که مشائیان و مدرسیان اسلام یعنی متکلمان، راه را با آن با مباحث بی‌حاصل مسدود کرده‌اند، به دقت بپیراییم»<sup>(۱۷)</sup>

چنین حادثه‌ای - چنان که گفتیم - پیش از سهروردی تا حدودی در مکتب ابن‌سینا نیز اتفاق افتاده بود، اما به گمان سهروردی و نیز به تصدیق بسیاری از اندیشمندان معاصر



یکسره در رکود و فقر فرو برد و آن هجوم اندیشه‌های صوفیانه و بویژه ضربه‌های ویران کننده غزالی برپیکر فلسفه بود که خرد فلسفی را برای همیشه در این مرز بوم زمین گیر ساخت! و در نتیجه آن فلسفه سرگذشت و سرنوشتی بی تکان و بی حادثه پیدا کرد، اما در این سرگذشت بی تکان و یک نواخت، گهگاه حادثه‌هایی پدید آمده و در مسیر عقلائیت ایرانی تحولاتی را ایجاد کرده است. از این لحاظ، فلسفه ایرانی دو حادثه بزرگ را تجربه کرده است که اگر یک حادثه را پیدایی مکتب ملاصدرا بدانیم، حادثه دیگر آن که حدود چهار قرن پیش از مکتب صدرایی پدید آمده بود، مربوط است به سهروردی و مکتب اشراق او. از این رو، کمتر فیلسوفی در تاریخ فلسفه ایران اهمیت و جایگاه سهروردی را داشته است، گذشته از آن، اگر قله‌های فلسفی ایران را نیز از مدنظر بگذرانیم، سهروردی را در کنار ابن سینا و صدرالدین شیرازی یکی از سه قله بلند آن خواهیم یافت! هر چند که برخی از ویژگی‌های زندگی و روزگار او موجب شد که توجه مترجمان غربی فلسفه به سوی او معطوف نباشد، و در نتیجه راه یافتن او به دنیای غرب ممکن نشد و حتی هنوز هم تقریباً در خارج ایران ناشناخته مانده است، و این مطلب از آنجا معلوم می‌شود که در بیشتر کتاب‌های تاریخ فلسفه اسلامی، ابن رشد، یا با تحقیق بیشتری ابن خلدون را نقطه نهایی تاریخ عقلی اسلام می‌شمارند.<sup>(۱۶)</sup> اما گمانی سهروردی در غرب، سرانجام با پیدا شدن شرق شناسان بزرگی چون «دیمی ماسپیون» و بویژه «هانری کربن» پایان یافت، و به اهتمام این دو اندیشمند بلند پایه، و بویژه «هانری کربن»، سهروردی در دنیای غرب نیز جایگاهی را که شایسته او بود به دست آورد، و بی تردید با اعتباری که «هانری کربن» و

فیلسوفان ارسطوئی با ذوق و شهود عرفانی شرق و حکمت خسروانی ایران تلطیف و جامعیت پیدا کرده است. این «چیز تازه» آنگاه به درستی شناخته خواهد شد که به یک حقیقت در تاریخ فلسفه ایران توجه کنیم، و آن حقیقت این است که: تاریخ فلسفه در ایران بعد از اسلام تاریخی بی ماجرا و نوام با تقلید و یک نواختی بوده است. این تاریخ در ابتدا با اقتباس و ترجمه آغاز می‌شود، و با رکود و یک نواختی استمرار می‌یابد و رکود و نازائی اندیشه‌های فلسفی در این سرزمین تا آنجا محسوس و آشکار بوده است که برخی از شارحان تاریخ فلسفه، چیزی به نام اندیشه با مکتب فلسفی را در شرق به رسمیت نمی‌شناسند، و معتقدند که «فلسفه بدان مفهوم که در یونان به کار می‌رفته، در هند و چین و مصر و دیگر تمدن‌های قدیم شرق وجود نداشته است، در مشرق اگر فلسفه‌ای به آن معنی وجود داشته، اقتباسی از یونانیان بوده است».<sup>(۱۷)</sup> بدین گونه، بسیاری از کشورهای شرق، و از جمله ایران، از نخستین روزهای توجه به آراء فلسفی، شیوه‌های فلسفی یونان را تقلید کردند، و آن را - البته با تغییر و تفسیرهای اندک و نامرتبی - فلسفه بومی، و حتی فلسفه دینی خود تلقی نمودند و قرن‌ها اندیشه شرقی را پیرو آراء و نظریه‌های فلسفی یونان ساختند، و در نتیجه از هرگونه ابداع و نوآوری، و کشف نواحی تازه در عرصه اندیشه‌های فلسفی بازماندند! با این همه، اشتغال به آراء فلاسفه یونان نیز به هر حال می‌توانست تعقل و خردورزی شرق را در راه‌هایی نوبه حرکت درآورد، و آن را سرانجام به شکوفایی و استقلال، و در نهایت با خلاقیت فلسفی راه اندازد، اما سادگی مهمی در دنیای فلسفه این امید و احتمال را نیز از میان برد و فلسفه را



ماسینیون در محافل علمی مغرب‌زمین دادند، از این پس روی‌آوری به سهروردی و فلسفه اشراق او فزونی خواهد گرفت. بویژه که در این میان هاتری کریمن توجه عمیقی به اندیشه سهروردی دارد و حتی از ارادتمندان سرسپرده است، و در روایت‌های فلسفی - اعتقادی خود، سخن از عبور خویش «از هایدگر به سهروردی» می‌گوید و اهمیت این سخن را کسانی می‌توانند دریابند که اعتبار هایدگر را در فلسفه غرب شناخته باشند!...

**آثار سهروردی:** سهروردی با مرگ زودرس و بی‌هنگام خود، در واقع جوان‌ترین چهره فلسفی مشرق‌زمین بوده است. از این رو، او فرصتی بسیار اندک برای تدوین و تکمیل آراء فلسفی خود داشته است. اما، با این وصف، آثار متعددی از خود به جا گذاشته است و از این لحاظ کم‌تر کسی از فیلسوفان ایرانی با او برابری کرده است! تعدادی از آثار سهروردی منقول شده، و تعدادی نیز به چاپ رسیده است، و شاید تعدادی از آنها نیز هنوز به صورت ناشناخته و در میان نسخه‌های خطی کتاب‌خانه‌های هند و ترکیه باقی مانده باشند! اما بر روی هم در حدود پنجاه نوشته از سهروردی در تواریخ و تذکره‌های مختلف ذکر شده است. این نوشته‌ها به لحاظ ادبی نیز، سبک جذابی دارد و از شاهکارهای نثر فارسی است که بعدها سرمشق نثرنویسی داستانی و فلسفی شده است.<sup>(۱۷)</sup> این آثار را عموماً در پنج دسته زیر تقسیم‌بندی می‌کند:

- ۱- نوشته‌های اصلی و بزرگ که برای تعلیم حکمت اشراقی و نیز فلسفه منشائی - ارسطو نوشته شده و تمامی آنها به زبان عربی است، و شامل «طوایح»، «مقاولات»، «مطارحات» و «حکمت الاشراق» است.

- ۲- آثار تعلیمی کوتاه به فارسی و عربی مانند «میاکل النور»، «الالواح العمادیه» و «لونهامه»، «اعتقاد الحکماء»، «اللمحات»، «یزدان شناخت» و «بستان القلوب».
- ۳- حکایت‌های ساده‌ای که به زبان رمزی است و سفر و سلوک نفس را از مرحله آغازین تا وصول به اشراق و مشهورگزارش می‌دهد. «در این داستان‌ها، سالک واقعۀ دیدار از خود با فرشته - که همان من آسمانی او یا عقل فعال است و نیز معراج‌های روحانی خود را بیان می‌کند. دیده‌ها و شنیده‌های سالک در طی این واقعه‌ها حاوی حقایق و معارفی است که به عالمی ماورای این عالم تعلق دارد و به همین سبب در زبان رمز شکفته و بیان می‌شود».<sup>(۱۸)</sup> این آثار عبارتند از: «عقل سرخ»، «آواز پر جبرئیل»، «الغریبه الغریبه»، «لغت موران»، «رساله فی حالات الطلوقیه»، «روی با جماعت صوفیان»، «رساله فی المعراج»، و «صغیر سیمرغ».
- ۴- تفسیرها و گزارش‌ها و ترجمه‌های متون قدیمی فلسفه و قرآن، مانند ترجمه «رساله الطیر» این سینا به فارسی و تفسیر «اشارات و تنبهاات»، او، و رساله «فی حقیقه العشق» براساس «رساله فی العشق» ابن سینا، و چند تفسیر برسوره‌هایی از قرآن کریم و نیز برخی احادیث.
- ۵- نیایش‌ها و دعا‌هایی به زبان عربی که آنها را «الواردت و التقدسات» نامیده است.<sup>(۱۹)</sup>

**تأثیر سهروردی:** آثار سهروردی پس از درگذشت او در میان برخی محافل فلسفی گسترش و قبول چشمگیری یافت، و روند اندیشه‌های فلسفی را تحت تأثیر قرارداد. این که



مختصات موجود آن - ناممکن می‌شود این است که سهروردی در کنار فارابی و ملاصدرا نیز، سومین فیلسوف نظام‌ساز و پدید آورندهٔ مکتب فلسفی می‌شود.

سهروردی دراز‌نزیست ولی همان‌سی‌وهشت سال برای او کافی بود تا بتواند دومین چشم‌انداز فلسفی اسلام را طرح‌ریزی کند، و مکتب اشراق را که بالا رقیب مکتب مشاء بود و سپس حتی توانست بر آن سایه بیندکند، بنیان نهاده. مهمترین کتاب سهروردی حکمة الاشراق است که «از زمان تألیف تاکنون بر صحنهٔ عقلانی ایران تسلط داشته

است»<sup>(۳۲)</sup>

از سوی دیگر، آیین سهروردی در محافل بسنهٔ قشری و سنتی مخالف او نیز تأثیری دگرگون‌داشته است. یعنی نوآوری‌های سهروردی، این‌گونه محافل جزئی و خشک‌اندیش را نیز به جنب و جوش و مقاومت درآورده است. زیرا «عرضه کردن ای‌بروای معتقدات باطنی، و بخصوص اعتقادی وی به تمثیلات مستخرج از منابع (رودشمنی، و نیز خرده‌گیری‌های تلخ و آشکارای وی از فقیهان، واکش سخنی را برای وی به بار آورده»<sup>(۳۳)</sup> که در دنیای فلسفه بسیار بی‌سابقه بود. تبلیغ هرگونه اندیشهٔ نو، در محیط بسته و منجمد آن روزگار، کاری شاق و دشوار بود، اما سهروردی «با شجاعت تمام عقاید خود را ابراز می‌داشت، و بدون هیچ هراسی از تکثیر عالم نمایان دروغین، جان خود را نیز بر سر این سودا گذاشت»<sup>(۳۴)</sup> و اندیشه‌ای را که در یک تعبیر بلند و بی‌سابقه، اندیشهٔ سرخ (عقل سرخ) نام داده بود، با سرخی خون خویش نیز رنگین‌تر کرد، و در نتیجه آن را با شایستگی مضاعفی، در خور چنین تعبیری درآورد این اندیشه، چون رنگ شیمی داشت،

چند تن از بزرگان اندیشهٔ فلسفی مانند قطب‌الدین شیرازی و شمس‌الدین محمد سهروردی بر توشنه‌های سهروردی شرح و تفسیر نوشته‌اند، و این که اندیشمندان بزرگی مانند خواجه نصیر طوسی و ملاصدرای شیرازی، از اهمیت فلسفهٔ اشراق سخن گفته‌اند، خود، بزرگترین دلیل اهمیت سهروردی در جهان فلسفه و تأثیر او بر روزگاران بعد از خود است. اما مهم‌تر از همه این که حتی کسانی مانند خواجه نصیر طوسی را نیز تحت تأثیر فلسفهٔ سهروردی دانسته‌اند: «با آنکه شهاب‌الدین سهروردی نزدیک یک قرن پیش از نصیرالدین طوسی می‌زیسته است، از لحاظ تأثیری که مکتب وی داشته است، به قرن‌های پس از این فیلسوف و ریاضی‌دان تعلق دارد، و البته سهروردی تا حدی در طوسی نیز تأثیر کرده بوده است»<sup>(۳۵)</sup>

پس از سهروردی، در حقیقت، سرنوشت فلسفه در ایران تغییر یافت، و اندیشمندان سده‌های بعد از او از مشرب اشراق تغذیه کردند. ملاصدرای شیرازی، از سهروردی به عنوان «رئیس مکتب مشرقیون» و «احیاء‌کنندهٔ اصول فلسفی عقاید حکیمان ایران در مورد منشأ نور و ظلمت، یاد کرده است»؛ و ابوالقاسم کازرونی گفته است که: «همان‌طور که فارابی فلسفهٔ مشائیان را تازه گردانید، و به این علت شباهت آن است که معلم ثانی خوانده شود، سهروردی نیز فلسفهٔ اشراقیین را طی چندین کتاب و رساله، احیاء و تجدید کرد»<sup>(۳۶)</sup> از این رو بی‌هیچ گمانی می‌توان گفت که پیدایی مکتب صدرا در چهار قرن پس از سهروردی، در حقیقت ریشه در تحولات و نوآوری‌های فلسفی شیخ اشراق داشته است، و اگر چنان تعبیری در فلسفهٔ پیش از صدرا پدید نیامده بود، پیدا شدن مکتب او نیز - با

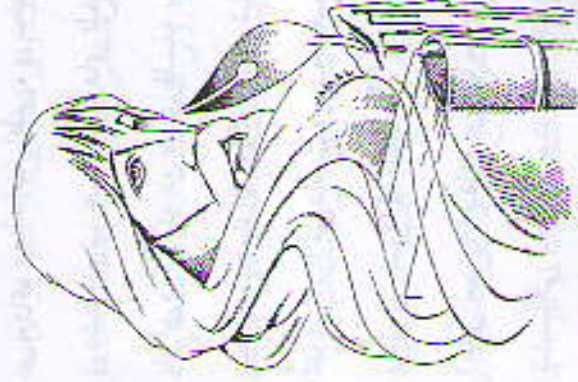


## پی نوشت ها:

- ۱- گویا دست‌آویز این محافل در مخالفت‌های سطحی و بی‌منطق با سهروردی، مذهب او بوده است که به غلط آن را مذهب سنی پنداشته‌اند، در حالی که برخلاف این تصورات بی‌اساس، فلسفه و آیین شهاب‌الدین سهروردی، در همه ادوار، به فلسفه و آیین شیعی اشتباه داشت! برای نمونه رک: مه حکیم مسلمان، آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی.
- ۲- در مورد چهار سهروردی معروف رجوع شود به سیدحسین نصر، مه حکیم مسلمان (۱۷۹).
- ۳- هانری کورین: تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه اسدا... میثری (۲۷۳).
- ۴- میان محمدشریف: تاریخ فلسفه در اسلام، جلد اول (۵۴۰).
- ۵- همان جا.
- ۶- هانری کورین، همان (۲۷۵).
- ۷- میان محمدشریف، همان (۵۳۲).
- ۸- هانری کورین، همان (۲۷۹).
- ۹- همان (۲۸۶).
- ۱۰- همان (۲۷۶).
- ۱۱- داریوش شایگان: آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، ترجمه باقر - پرغام (۲۱۳).
- ۱۲- محمد اقبال لاهوری: سیر فلسفه در ایران، ترجمه ا- ح. آریان‌پور (۱۱۲).
- ۱۳- هانری کورین، همان (۲۷۵).
- ۱۴- شایگان، همان (۳۷۷).
- ۱۵- حنا الفاخوری و خلیل الجیز: تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه عبد الحمید آیتی (۱۱).
- ۱۶- سیدحسین نصر: مه حکیم مسلمان (۶۵).
- ۱۷- همان (۶۸).
- ۱۸- تقی پورنامداریان: رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی / شانزده مقدمه.
- ۱۹- در این باب رک: مه حکیم مسلمان و تاریخ فلسفه در اسلام، جلد اول.
- ۲۰- سید حسین نصر: علم و تمدن در اسلام (۳۱۶).
- ۲۱- هانری کورین، همان (۲۷۵).
- ۲۲- علم و تمدن در اسلام (۳۱۶).
- ۲۳- همان جا.
- ۲۴- علی‌اصغر حلبی، تاریخ فلاسفه ایرانی (۳۷۱).

در میان محافل سخت‌کیش آن روزگار، آتش خصومت برمی‌انگیخت، و شگفت که در آن روز او را به گناه شیعه بودن تکفیر و طرد می‌کرده‌اند، و امروز نیز به گناه سنی بودن، اما این هر دو ماجرا، در نهایت، گویای این حقیقت است که برای ارتجاع و خشک‌اندیشی، شیعه یا سنی بودن نیز بیش از یکا دستاویز دروغین نبوده است!

در هر حال، سهروردی با همه آوازه و تأثیری که در سیر تفکر ایرانی - اسلامی برجا نهاد، به دلیل دشمنی و سکوت همین محافل رسمی در حق او، از راه یافتن به مجامع فکری بیرون از ایران بازمانده و این است که پیش از آنکه اندیشمندانی چون «ماسینیون» و «هانری کورین» او را کشف کرده باشند، در مشهورترین آثار فلسفی غیر ایرانی، غیبت او مشهود است، و حتی برخی از مشهورترین کتاب‌های فلسفه و علوم عقلی نام او را از یاد برده‌اند!









آن پس در دارالخلافه طهران از بهشتی روان جناب آقای میرزا حسین سبزواری که سرآمد شاگردان دانشور یگانه و آموزگار فرزانه حاج ملاهادی سبزواری بین علیهما و رحمة الباری بود، بهری از علوم کلامیه و رسوم ریاضیه استفاده نموده در محضر حکیم بارع و متاله شایخ آقا میرزا ابوالحسن متخلص به جلوه قدس سوه اخذ معارف حقه و تحصیل فنون حکیمه کرده سایر علوم را از فقه و اصول و حدیث از هر کدام به لیاقت و مناسبت استعداد مظان خود استفاده نموده مدت بیست و پنج سال است در مدرسه منبریه واقع در جنب معصوم زاده ناصرالدین به عنوان تدریس معقول به درس و بحث با طلاب مشغولیم و التفتی با مردم و کلتفتی با کس نداریم»<sup>(۶)</sup>

در دوران کهنوت از هر چیز بریده و به کتاب و مطالعه و شناخت و حکمت و عشق حقیقی پرداخته است.<sup>(۷)</sup>

من مسوسنی گزیده ام از بهر خود مرا یک لحظه در مفارقت صبر و تاب نیست خوش رو و نغزگو، ادب آموز نکته ددان هرگز نیارود سخنی کان صواب نیست گوینده بسی زان، سراینده بسی صدا رایش به قیل و قال و مشوال و جواب نیست بسی هیچ کلافنی نبود الفتی ولی زین دوست زحمتی به من از هیچ باب نیست قلیان نمی کشد تخرود چایی و حاجتش بر فروش و مسکا و طعام و شراب نیست پیوهده خواهاشی نکند خشم ناورد چون دید بر مراد خودش کسامای نیست این همدل عزیز که شد وصف از بیان هر کس شنید گفت که این جز کتاب نیست جز حج بیت الله الحرام زیارت مشاهد مشرفه ائمه امام علیهم السلام به جای مسافرت

دامان خود پرورده است.

از جمله این ستارگان درخشان ادب و حکمت، حکیم بنام و عارف معروف مرحوم حاج ملا محمد علی فرزند معصوم علی متخلص به هیدجی است.

حکیم هیدجی در حدود سال ۱۲۷۰ ه ق ۱ (یا ۱۲۷۲ ه ق) ۲، در روستای هیدج واقع در شصت کیلومتری شرق زنجان چشم به جهان گشود. تحصیلات مقدماتی را در سنین نوجوانی در هیدج فرا گرفته و در سال ۱۲۹۷ ه ق برای ادامه تحصیل عازم قزوین شده، در مدرسه حسن خان و حسین خان قزوین به سختی امرار معاش می کرده است. وی بعد از چهار یا پنج سال اقامت در این شهر به تهران عزیمت کرده و به تحصیل پرداخته است. در سی و پنج سالگی سفری از تهران به عبات مقدسه کرده و سپس به تهران مراجعت کرده است.

حکیم در سال ۱۳۴۶ ه ق ۳ (یا ۱۳۳۹ ه ق) ۲ در سن ۷۶ سالگی به جهان باقی شتافته و بنابه وصیت آن مرحوم جنازه اش به شهر قم حمل شده و در سمت شمال شرقی بارگاه حضرت معصومه به خاک سپرده شده است.

هیدجی در شرح حالی از خود که در جواب فرزانه دانش پژوه شت بهمن شهیدانی در فورم داشته که در آخر تعلیقیه بر منظومه حاج ملاهادی سبزواری در رمضان سال ۱۳۴۶ ه ق چاپ شده است چنین می نویسد: «... باری من بنده حاجی ملا محمد پسر حاجی معصوم علی هیدجی آغاز شباب در مدرسه واقع در قریه منبره چند گاهای در دارالسلطنه قزوین به آموزش علوم رسمیه مانند نحو و صرف و منطق و معانی و بیان اشتغال داشته از



گلور خوشی منه بیو پاره‌نین بودور جهنی که باغلام اوزمه هیچوقت پیرایه<sup>(۱۱)</sup> ترجمه: عده‌یی از این جهت از من خوششان می‌آید که من هیچوقت به خودم پیرایه‌یی نمی‌بندم.

غزلیات حکیم به دو زبان فارسی و ترکی سروده شده و تعداد غزلیات ترکی او خیلی بیش از غزلیات فارسی است و از نظر فصاحت و بلاغت و صنایع شعری و مضمون آفرینی، غزلیات ترکی بسیار محکم‌تر و شیواتر است و قابل قیاس با غزلیات فارسی حکیم نیست.

از محتوای دیوان و مضامین اشعارش چنین برمی‌آید که حکیم هرگز ازدواج نکرده و تا آخر عمر مجرد مانده است، همین امر موجب شد که در این زمینه از اشعار خود حکیم مطالبی استنتاج شود.

دوستی داشتیم خدایش بیامرزاد، مردی دنیا دیده و اهل انس و الفت و معاشرت بود و کتابخانه‌ای غنی و پرمایه داشت و به مطالعه و اغلب در اواخر عمر تا حدی گوشه‌گیر، مردی بود و زازدار و اهل درد که به درد همه کس می‌رسید، اکثر مردم برای حل اختلافات خود حتی اختلافات خانوادگی به وی رجوع می‌کردند و درد دل می‌نمودند و او اسرار همه را در دل نگه می‌داشت و به نحوی رفع اختلاف می‌نمود، و همه از وی حریف‌شنوی داشتند.

این مرد شریف و نیک‌نفس و پاکدل در عتفران جوانی دل به عشق دختری از خویشان خود بسته بود، گویا مخالفت نزدیکان و زنان خانواده‌اش موجب ناکامیش شد و به آرزوی خود و وصال دلدارش نرسید. آن دختر با دیگری ازدواج کرد و این عزیز تا آخر عمر دیگر

نگرده بعد از فوت والد مرحوم علائق خود را از ارث پدری از ملک و مویشی و اثاث البیت به برادران بخشیده خود را به کنار کشیدم و هیرسای<sup>(۱۲)</sup> گزیدم نه از روی علنی که در خلقت داشته باشم بلکه از راهی که بیرون از دستور شرع نبوی صلی الله علیه و آله نبوده و الله شمت همی بالقول و صددت عن التوبه فوالله ما جهلت طیب‌العلی و لكنها نؤثر العالیه.

### نقطه

همانا من از این جهان فزاح قناعت نمودم به این تنگ کناخ به خود خانمانی نیاراستم تن آسانی خویش را خوراستم پسدم زیبوند خویش و تبار نه بگزیدم از بهر خود جفت و یار زیبگانگان روی بر داشتم به دل آرزوی دگر داشتم<sup>(۱۳)</sup>

... هیدجی بالذات شخصی قانع و عابد و ورع بوده، نفس قدیس آن رادمرد آسمانی، چنانکه از مضامین دانشنامه‌اش برمی‌آید، جز شیوه پاکان و پارسایان راه نرفته و اگر غمی بر سینه شرحه شرحه‌اش سنگینی می‌کرده، غیور از غم بینوایان و دردمندان فقیر و بی‌مضاعت نبوده است.<sup>(۱۴)</sup>

... حکیم هیدجی در مدت حیات خود با کمال قناعت و مناعت زندگی کرد و به حطام دنیوی ارزشی قابل نشد و برای کسب آن زبان به مدح کسی نگشود و در زندگی پیرایه‌یی به خود نبست و ظاهراً مجربیت و محترم بودن خود را مرمون همین سادگی و بی‌پیرایگی می‌داند، چنانکه گوید:



می دادند، هیدجی بدتر از ازدوها تصور می کند.

از اینس دیوساران بسا کیش راه به یزدان همی پرد باید پناه

که او خورد کند چاره این گروه چنین گوید آن مرد دانش پژوه

هزن و ازدهها هر دو در خاک به جهان پاک ازین هر دو ناپاک به

به جان خودم این سخن راست گفت نشاید همی راستی را نهفت

مپندار این یکی چو آن دیگر است گمانم زن از ازدهها بدتر است

رهایی توان چنین از ازدهها ز دست زنان نی توان شد رها<sup>(۱۷)</sup>

از این سبب هر چه اطرافیان، او را سفارش به ازدواج و اختیار عیال کردند زیرا بارت رفت

گفت ترجیح می دهم وقت خواب دست خود را زیر گردنم بگذارم ولی زن اختیار نکند

قوی ایسته گوزدن بسو... ابربرسته مهر و وفا سبزلاری

گر کیشی بن عورته و برمه گوجل عورتی سوماق کیشی لبتان دگل

ایشلری لاپ خلقه سمندور جفا عاقلن آخارما بولاردان وفا

گیت بولارین آن انگیدن داشین گول بیمه شیطان بولادور قوشون

واراولولوبدور که گر کمز کیشی عورت این مشورت ایسون ایشین

جان سنه مولی اولاقریان سنه سوزوخی فرمایشه کیمنه

پاخشیلاریندان ایلبنده حنذر پیلرینین صحبتته کییم دورز

اوسمادی بو طایفه هیدجی ایسته مدی یوخ اونا خالقون گوجی

ایستدیلر اصرار قبول ایلمدی گیتمدی اوزگه سوزنه بیتمدی

هرس ازدواج نکرد. بارها به وی پیشنهاد ازدواج شد ولی نپذیرفت. در چندین جلسه که

من نیز حضور داشتم از سوی ریش سفیدان قوم بحث و مذاکره شد، در جلسه ای که آخرین

آن بود و تقریباً در چهل یا چهل و پنج سالگیش بود با عصبانیت برآشفتم و گفتم که اگر

(اسم مرحوم پدرش را آورد) فلا می هم از گور برخیزد و تکلیف کند نمی پذیرم و این آخرین

باری بود که او را نصیحت می کردند و دیگر تکرار نشد. وی نه تنها تن به ازدواج نداد بلکه

از زنان دوری می نمود.

در مورد اینکه حکیم هیدجی با زنان مصاحبت نداشت و تا آخر عمر هم ازدواج نکرد

به دوائش رجوع کردم، و مقاله ای در این زمینه به کنگره بزرگداشت اثربالدین ابهری و

حکیم هیدجی ارائه کردم که این تحقیق، مختصری از متن آن سفرنامی است.

به نظر می آید حدسی که می زدم درست بود و اینک با اشاره به برخی از سروده های

حکیم که بیشتر به زبان ترکی سروده است و ترجمه سروده ها به این موضوع خواهیم

پرداخت.

در مورد کناره گیری حکیم از زنان، که بدان اشاره شد می گوید:

بسه مهر زنان بر میندید دل که بد مهر باشند و پیمان گسل

آن است آنکه شد مرد را پای بند جوانمرد این بسند از پای کند

ایسان را فسون و فریب است کار از ایسان بیایست بودن کنار<sup>(۱۸)</sup>

در جای دیگر می گوید از دست بعضی زنان باید به خدا پناه برد تا خدا خود چاره آنان

را بکند و مردان را از شرشان حفظ کند، که اگر فردوسی برخی از زنان را معادل ازدها



گذرانده شکی نیست وقتی که رسول اکرم (ص) می فرمایند:

انا بشر مثلكم... تکلیف افراد عادی روشن است. بلی حکیم نیز پس از طی دوران کودکی و تحصیل مقدماتی در زادگاهش هیدج در نوجوانی به قزوین آمده و در جوانی به تهران عزیمت کرده است. در جوانی گویا دلپسته کسی می شود و گرفتار عشق مجازی می شود که بعدها به علت ناکامی در این راه قید همه چیز را زده و به عشق حقیقی رو کرده است. این نیز از سروده هایش پیداست.

فته دور عشق مجازی، فتنه دن قورخماق گرگ عشق نفسانی خطادور، بو خطادن ال گورتور  
ترجمه: عشق مجازی فتنه است و از این فتنه باید ترسید، عشق نفسانی خطاست، از این خطا باید دست برداشت.

ارخساندون گل یوزاری، اوگدون بوقاره گوزلری حاصلی نولدی، هوس سلور، هوان ال گورتور<sup>(۱۵)</sup>  
ترجمه: این گلرخسارها را ناز و نوازش کردی و این چشم سیاهها را ستودی، حاصلش چه شد، دیگر هوس بس است و دست از هوا بردار.

یا در جای دیگر می فرماید:

شکر خدا اولدوم عجب سرفراز اولدی حقیقت منه، عشق مجاز<sup>(۱۶)</sup>

ترجمه: خدا را شکر که عجب سرفراز شدم و عشق مجاز برای من تبدیل به حقیقت شد.  
من دگلم شیفنه رنگ و بو گور یوسان ثوزدن آبارور رنگی سور  
قالمادی قلبیمده منیم وسوسه گورم اونی گور باخام ثوزگه کسه  
چک گلن ای دوست صفا سرمه سین گوزلریمه، توزگه سینی گورم سین<sup>(۱۷)</sup>

ایمدهی که عمری یتوب اوتوروشه آلمادی یوندان صوراکلمز ایشه

فسردهی یاناندا الین اوز قوزینیا قویمادی بو طوق گیچه یونونا<sup>(۱۲)</sup>

ترجمه: بگذار این .... از جلو چشم دور شوند، ایانی که به شوهرانشان بیوفایند، اگر مردی به زن دل میند، دوست داشتن زن نشان مردی نیست، کارشان ستم و جفا به خلق است، اگر عافلی از اینان وفا انتظار نداشته باش، برو سنگ اینان را بوسینه مزین، گول نخور که اینان قشون شیطانند، در خبر آمده است که مرد نباید در کارها با زن مشورت کند، جان به قربان تو مولا که هیچ کس به فرمایشت حرفی ندارد، وقتی از خوبهایش باید حذر کرد چه کسی قادر به تحمل صحبت بدهایش خواهد بود، هیدجی دل به طایفه زنان نیست و هیچ کس نمی تواند ازدواج را به او تحصیل کند، به اصرارشان اعتنا نکرد و زیر بار این حرف نرفت، اکنون که عمرش به سی و پنج رسیده و زن نگرفته، بعد از این هم دیگر همسر به کار او نماند، وقت خواب دست خود را در گریبان خود کرد و نگذاشت این طوق لعنتی به گردنش بپیچد.

حال باید دید که این انزجار از اول در وجود حکیم بوده یا بعد از عدم توفیق در وصال بهش آمده است، اگر دیوان قبلی حکیم که در سفر به عتبات توسط راهزنان به سرقت رفته در دست بود نتیجه گیری بهتری می شد کرد، با وجود این و با توجه به ابیات و سروده هایی که بعداً دیگران از آثاری که دست این و آن بوده جمع آوری و تبدیل به دیوانش کرده اند به ناهنجاری می توان رسید.

در این که حکیم هیدجی مثل هراسانی دوران کودکی، جوانی، میانسالی و پیری را



نمی گذارد. در این غزل روشن است که مخاطبش مخلوق خداست.

در ابیات زیر تمناي بوسه از غنچه لیان یار می کند و دواي دردش را از او می خاهد.

گل گل بیله ای مازال بالاسی گلسین منه گوزلرین قیاداسی

بیر غصه لرین، سنن علاجی بیر درد و غمین سنن دواسی

اول غنچه کییمی دوداقلاریندان قوی، بیرجه توپوم خدا رضاسی (۱۶)

ترجمه: بیا بیا ای آهو بچه که درد و بالای چشمانت به جانم بیاید، علاج این غصه ها

تویی، دواي این درد و غم توئی، بگذار از آن لیان غنچه وشت محض رضای خدا بوسه ای

بگیرم.

در سرودهی دیگر با تخلص «معنی» که گویا تخلص دوره جوانیش بوده و (در سنین بالا

«هیدجی» تخلص می کند) می گویند:

قبیلدی منی تازه دن بیوگوزی شهلا دلی بیلین شیدا کیمی، بیر گل حمرا دلی

مذهبی آلدوم خدا اولدوم عجب بت پرست ایلدی من کافری، بیر بت رسیا دلی

قیس، صت اولمادی چوللرین آزارسی قبیلدی او بیچاره می مشوره لیلادلی

کیمنه یو عالمین اولمادی دیوالتسی بیپوره، بیجا مگر اولدی رسیا دلی

امیر قضا دورگورگ، چارسی بوخ ایلسون خسروی شیرین دلی، وامسی عسارادلی

ستاه مگر بی سبب عالمه باز اولموشام آخ منیده ایستی بیر زلسی چلیها دلی (۱۷)

ترجمه: مرا مثل بلبل شیدا که گل حمرا دیوانه اش کرده، بار دیگر یک شهلا چشم

دیوانه کرده است، از مذهب دست کشیدم و عجب بت پرستی شدم که یک بت رسیا مرا

ترجمه: من شیفنه رنگ و بو نیستم، که اگر صورت را بشویی آب، رنگ را می زدايد، در

قلبم دیگر وسوسه باقی نمانده و به هر کس نگاه کنم، او را می بینم ای دوست به چشمان

من سر مه صفا بکش تا غیر از او کسی را نبیند.

در سنین بالاست که دیگر وسوسه ای او را نمی فریبد و شاید اشاره به فرمایش

مولی الموحیدین علی (ع) که می فرماید: «ما رأیت شیئاً إلا رأیت الله قبله و بعده و معه» چنین

سروده که فقط او را می بینم به هر کس که نگاه کنم.

گروهی معتقدند که همه غزلیات حکیم عرفانی است ولی روشن است که در جوانی با

عشق مجازی از گلرخان وصفها کرده تا جایی که اکثر غزلیات او مشحون از تعاریف

سوزناک زیبا و بیان است به چند مورد اشاره می شود.

ای گوزل حق نه خوش یاراندی منی سالماقا محنت و بیلايه منی

منی هجرین اوتسیله باندیرما نتیجه اوت باندورور قوری گونی

اول بوخاق و بویون گوروب نیجه من اوخشایوم بیرده سرور یاسمنی

گل اونور باخما خلقه قوی دیبلر خوشلیویدور فرشته امر منی

بالله ای نازنین صتم، قمویماز بر طراوتنده روزگار منی (۱۸)

ترجمه: ای زیبا خدا تو را چه خوش خلق کرده تا مرا گرفتار محنت و بلا کنی، آتش

هجرت آنسان که آتش گون خشک را می سوزاند مرا می سوزاند، آن گردن و بالایت را که

می بینم چگونه می توان تعریف سرو و سمن را بکنم، بیا بنشین بگذار خلق بگویند که

فرشته ای به امر منی رو کرده است، به خدا ای نازنین صتم روزگار تو را بیا این طراوت



در غزلی بلند و سروده‌ای قصیده‌گونه می‌گوید:

ایندی یلیدی سنی گورموش، اوگون اولن کس که دیدی      نازار قداگنه بیر نیری گولوب ایرلی (۲۲)  
ترجمه: نازه می‌فهم آن کس که تو را آن روز دیده بود گفته بود که نازکیها یک ترک  
(زیباروی) به ایران آمده است.

و جایی دیگر می‌گوید:

سنت بتر ایده سن نازی عرب بالاسی      سوگون مسلم اولوسور سنه عراق و حجاز  
ملنی بو شهوره بیر آلاگون شکار ایندی      نیچه گوگر چینی گوید، شکار ایدر شهباز  
دوگون دوگون نلی هر بان یوزینه کسمه‌لری      ابدیب ولایت طهرانی خطه اهواز (۲۳)

ترجمه: تو را می‌رسد ای نازنین عربی نژاد که ناز کنی، امروز عراق و حجاز مسلم تو  
شده، مرا در این شهر شهباز چشمی آسان که شهباز، کبوتر را در هوا شهباز شکار می‌کند  
شکار کرد، چنین در چنینش را بر رخسار ریخته و ولایت طهران را چون خطه اهواز  
کرده است.

گویا از خطه اهواز عرب زاده‌ای به تهران آمده بوده که اشاره به آن کس می‌گوید که در  
اولین نگاه گفته به نازکی یک ترک به ایران آمده است.  
و حکیم از دست این دیگری شکوه خاصی دارد و می‌گوید:

بناقریم لی دوست دونوب آیرلیقدان قسانه      پس عاجاج آیرلیق ایلمی بتر پاهاله  
اوزون قساص ویر لی دوست اگر اوزکله      من ایدم شکوره البندن بیری وار دور پانه؟  
نیچه سن ایندی دیوم اوزکله گبولین سوزوم      ایدرم شوم گنه، امنت حق شیطانه

کافر را دیوانه کرده، فیس به عبث آواره بیابان نشد آن بیچاره را عشوه لیلا دیوانه کرد؛  
مهیچکس نبوده در این عالم دیوانه نمی‌شود، زلیخا مگر بی‌خود و بی‌جهت دیوانه شد،  
امر قضااست و چاره نیست که خسرو دیوانه شیرین و وامق دیوانه عذرا باشد، من هم مگر  
بی‌سبب در این دام افتاده‌ام، آنج که مرا هم یک زلف چلیپایی دیوانه کرده است.

در این منزل می‌گوید من دوباره به شهباز چشمی دلباخته و دیوانه شده‌ام: در نقل قولی که از  
طیور حکیم شده و گفته که به زنی زیبا از سامان خویش دلبسته بوده، احتمالاً در این غزل  
که می‌گوید «بار دیگر و دیگری و شاید از ولایات دیگر ایران بوده که به تهران آمده بوده به  
طوری بعداً ذکر خواهد شد، آقای غلامحسین رضائزاد در مقدمه دیوان حکیم که تصحیح  
و به چاپ رساله است می‌نویسد:

«شادروان دانشمند گرانمایه فقیه اصولی و حکمت‌آموز مکتب محمدی آیه‌الله  
امام‌محمد سنگلجی که بیشتر جوانی خویش را در محضر او بودم، و او یکی از شاگردان  
حکیم بود شنیدم که می‌گفت:

ساج آورده میدی، برایم نقل کرد که: در نیمه نخستین عمر، زنی از اهالی سامان خویش  
گردد و چون آن زن بسیار زیبا بود و من مردی گوشه‌گیر و زاهد و از دنیا گذشته، در غم  
بودم که آن زن عمر و جوانی خود را سرکار زندگی سراسر قناعت و زهد من که از هرگونه  
دنیایی و تحصیل نام و ثروت به دور بود، نیه کند و با فقر و خرسندی من بسازد و به  
دور دایم از عاف مهر به او را بدو دادم و با رضایت وی رهایش کردم و از وصله آن  
دور گزیدم به لباس کرباسین خود جلوگیری و خودداری کردم...» (۲۴)



خاطر تو جلای وطن کرده‌ام، بی مروت چه می‌شود که به این آواره رحم کنی؟، مرا تو خوار کردی که سخن را بی برده می‌گویم، تو به من مستم کردی قسم می‌خورم به قرآن، عشق چه کسی مرا به جیل حمرین کشاند، چه کسی دین مرا مثل زندگیم تاراج کرد، ای بی رحم به تو کم انصاف کردم و آنروز گریه نکردم، نگفتم بیا و مرا به تهران بفرست، مرا یک تبر منزه، ابرو کمان، بلندگسو، چشم جادو، سنخش فتنه دیوانه کرده، و این پرچم را سرم می‌گویند آدمی زان، من که هرچه نگاه می‌کنم شباهتی به انسان ندارد، حالا می‌فهمم آن کس که آنروز، تا تو را دید گفتم تازگیها یک ترک به ایران آمده است، شب و روز چشم به راحت دوخته‌ام و آرام ندارم، گه به اتفاق می‌روم و گاه می‌آیم به ایران، کسی نیست که به هیدج برود و به دوستان و آشنایان بنویسم که دیگر چشم به راه من نباشید که قصد آمدن به آن سامان را ندارم.

در این سروده خود گوید که نمی‌دانم مستم به سی و پنج رسیده یا نه و از این به بعد به سفر عتبات مقدسه رفته و برگشته و عشق مجازی را بدل به عشق حقیقی کرده و غزلیهای نفوذ و شیرین و محکم عرفانی را بی افکنده است.

در سروده‌ای دیگر می‌گوید مگر خدا تو را برای جفای به هیدجی خلق کرده است، خطاب به انسانی است که مخلوق خدا است.

صنم ستین یوزوی او خسادم اگر آیه جفا اولورسته، یوخ آی ایچون بیله پایه

جفا چوخ ایشمه؛ مگر سالها با بلایه منی سنی دوزخودور آسان پرورش دریب دایه

لوگون که بیر گوروشه دینیمی سنه سالدرم بوگونه بیر اوپوشه جانی قومیشام مایه (۲۵)

من مستون یازده چکدیم، تو گمچه پیمان  
من مستون گیل، اون قدر تو نشان تو جلا  
منه طهرلا یو صفاسیله دوزخودور قفسه  
بی مروت نولار رحیمین گله یو ویلان  
من منه ظلم اسلدون آندایم فرجه  
و دیردی دینیم کیچی ساهیمی کسیم تالان  
دیمه دیم گیل منی قیایا زانگنه نیتونه  
گوزی جاده، مسوزی فتنه دینیش دیوانه  
من که هر نه باخورام و خشاری یوخ آسان  
تار، لوقدا گنه بیر ترک گلوب ایران  
که لطافه گیدرم، گه چرخام ایرانه  
نکسیون گوز یولا، یوخ گلمگیم، اون سالانه (۲۶)  
تو چمعه! دلم ای دوست از جدائیت خون شده؛ پس کی این ایام فراق به پایان  
می‌رسد؟، خودت انصاف بده اگر من از دست تو به دیگران شکوه کنم حق دارم یا نه؟  
مطلوری که به دیگران اسرار دلی را فاش کنم، باز شرم می‌کنم لعنت حق بر شیطان، من به  
نام تو آن روز پیمان بستم، من به یاد تو آن شب پیمانه زدم، من که مستم آن قدر نیست که  
انسان ببر شود، نمیدانم که سی و پنج شده یا نه شک دارم، ایران یا این قضایش برای من  
مثل فلس شده و طهران یا تمام صفایش برای من زندان شده است، بین از چه زمانی من به



وقتی مرا ملامت کن که او را ببینی و ایمان را به باد ندهی.

اگر او یار منه سیرگیجه اولور مهمان سوچانی مننه ایاقینده ایلم قریران

نه چوخ بلالو، دوزدوم دیدیم یوزکده مگر وصالوه یترم درجه اولور درسمان

مناع صیریمی قیلدی گول نوزلور تاراج بساط دینمی سو قاره گوزلور نالان

مننه دیسور نوزکدن گول نوزلور مهرین چبخار یو اولیه جان حق بیلور یوخی امکان

ایسین دلینمیه زاهد منی اوچاغ دانلا گورن بوساده لری سازه ویرمین ایمان<sup>(۲۷)</sup>

ترجمه: اگر شمی آن یار مهمان من باشد در پیش پایش جانم را قربان می‌کنم، به پلاهای

زیادی صبر کردم و در قلب خود (در دل خود) گفتم شاید به وصلت برسم و دردم درمان

شود، مناع صبر مرا گلرخان تاراج کردند و بساط دینم را این چشم سیاهان بر باد کردند، به

من می‌گویند مهر این گلچهره‌ها را از دل بیرون کن، خدا می‌داند که این امر امکان ندارد،

خانه‌ات ویران شود زاهد وقتی مرا ملامت کن که این ساده‌ها را ببینی و ایمان بیاد نرود.

در غزلی که شاهکاری از تشبیهات و صنایع شعری است انگار به چشم خود حرکات یار را

زیر نظر داشته است و گویا عزم سفر داشته که با این دیدار از آن منصرف شده است.

چندی جانیبه طاقان جسمان جانیم کیمی گیندی حیرتم لیمندن دیر و ایمانیم کیمی

گیندی نیل نک، من را خاروم، نیل دافندی چگینه عینر انسدان کاکلین حال بریشتم کیمی

سسلمیم همان ای محبت سیزیت نساهاویان گفته، گل سندوما عهدی قلب ویرتم کیمی

دوندی اریخ نک ضریمسین نده آندی نوکون قانیمی فرسوز ایسندی عارض گلاریمس قانیم کیمی

تلبلیشام چوخ باغ و بستانی نالانلا گوردمیم یونوزی گل، آفری منجه، الیس رحانیم کیمی

ترجمه: صنم اگر تو را به ماه تشبیه کنم، بتو چنانکه دهام که ماه این پایه را ندارد، چنانکه کمن مگر برای به پلا انداختن من مادرت ترا زاییده و دایه‌ات پرورش داده است، آن روز به یک دیدار دینم را فروختم امروز به یک پوسه از جان مایه می‌گذارم.

بعد از این که از وصال یار مایوس می‌شود در غزلی دیگر پس از شکوه و شکایت همیشگی می‌گوید هیدجی از این مرحله هیدج و پوج گذشت و چشم پوشی کرد و عروسی با تو را به روز قیامت گذاشت.

ای دوست من بویورده وقوه قویوشنام بویون گسر ایسترن یوکونگی مندن بویور سوویون

گسر نیولوقا قبول ابدن اول حلقه، بوقولاق وراسلرن اسیر، او زنجیر سو سوویون

الفسوس آیرلین اودینه یا خدی جانیمی گیندی او نازنین یوزنی گوردموم دویون

بسر گوزلری آلا، بالا حیران ایچون گوگل ناله چکر، نیچه بالاسیچون ملر قویون

بسر هیدج و پوج مرحله‌دن گیندی هیدجی بومدی گوزون، قیامت قوندی قالا طویون<sup>(۲۸)</sup>

ترجمه: ای دوست، من بفرمایش تو گردن نهاده‌ام، اگر می‌خواهی این ببرهن را بگو از تن

درآورم، اگر برای خدمت قبولم داری آن حلقه را گوش من و اگر می‌خواهی اسیرم کنی آن

زنجیر و این گردن من، الفسوس که جانم را به آتش هجران سوخت و آن نازنین رقت و

نگذاشت او را سیر ببینم برای یک آهویچه شهلا چشم این دل زار من ناله می‌کند، آنسان که

در دوری بزم، میش فریاد می‌کند، هیدجی از این مرحله هیدج و پوج گذشت و چشمش را

بسته و عروسمیت را به روز قیامت انداخت.

در غزلی دیگر بعد از توصیف یار و شکوه از بیوفایی وی می‌گوید: ای زاهد نصیحت‌گر



بوظریف و شيوخ و شیدا، ایلدی خیال گویا  
 آیلودور باشدا بوزگی، اوزنین لېاسی بوخودور  
 دونی قالمیوردی پیلان، شالی بیش قارش غزیلدن  
 ایاغندا کشش صاغری، الین حناسی بوخودور (۲۹)  
 ترجمه: غم و بلای فلک مگر انتها ندارد، شرم نمی کند و عار نمی داند چه بگویم که حیا  
 ندارد، موا نیز لیلی دیگر درین بیابان رسوا کرد، این روزگار بلاخبر با من وفا ندارد، کسی  
 نیست او را نصیحت و ملامت کند و بگوید که ای عزیز من مگر امروز فردا ندارد، عجب  
 نافهم هستی، سبیلست سفید شده و نمی دانی که این شوخ و شنگ به چه دلیل به تو اعتنا  
 ندارد؟ این ظریف و شوخ و شیدا خیال کرده گویا، کلاه از سرش بریده و خودش لباس  
 ندارد، لپاده اش از کمر به پایین نمانده، شالی دارد از موی بزیه اندازه پنج و جیب، در پایش  
 کفش صاغری و در دستانش حنا ندارد.  
 بهر حال معلوم نیست به همان کسی که خود نقل کرده و از سامان خویش بوده دلپسته  
 بوده یا کس دیگری که از نژاد عرب. چون مورد بی مهری قرار می گیرد و امکان و شرایط  
 لازم روی نمی دهد تا ازدواج کند، از زنان بریده و حتی نسبت به آنان نفرت پیدا می کند و با  
 تجرد و عرفان می سازد و سروده هایش در نیمه دوم عمر رنگ عشق حقیقی بخود می گیرد،  
 شک نیست که در جوانی گرفتار عشق مجازی بوده و به هر دلیل که باشد قید ازدواج رازده  
 و پیرانه سر به عشق حقیقی رو کرده است.

جمع لېاسېده خیالی من الدم عزم وطن  
 اول خیالی بویوری سوز بوزوی سادیم کیملی  
 جویو ولایتار گزوب هر قسم گوردوم نازنین  
 گوردیم ناهیران اوز یار و جانتیم کیملی (۳۰)  
 ترجمه: جانانم از اتاق درآمد همچو جانم از بدن، آهویم از دست رفت مثل دین و  
 اسام، مثل باد گذشت من نگاه می کردم یاد زلف عیبرافشانش را به دوشش پریشان کرد  
 مثل حال پریشانم، بانگ زدم حان ای پش ناهیران و بی محبت، نرو بیا مشکن عهد را مثل  
 قلب و پرانم، برگشت مثل تیور، غمزه اش را تند کرد تا خونم بریزد، عارض خود را سرخ کرد  
 مثل رنگ خونم، باغ و بستان زیادی را مسیر کرده، مثل این گلچهره، غنچه دهن و زلف  
 ریحان ندیده ام، خیالم را جمع کرده بودم که عزم وطن کنم، آن پرچهره خیالم را مثل  
 سر و سامانم به هم ریخت، ولایات زیادی را گشته ام و هرگونه نازنین دیده ام ولی ناهیرانی  
 مثل یار و جانان خودم ندیده ام.  
 اما باید دید که اگر حکیم دل به کسی داده و گرفتار عشق مجازی شده و ناکام مانده،  
 دلیل ناکامیش چه بوده است؟ و به چه دلیل یار از او دوری گزیده آیا خلصیت همه دلداران  
 به تعبیر شاعران این است یا دلیلی دیگری داشته، حکیم خود در غزلی بدان اشاره می کند  
 و آن دنگدستی است.  
 اساکین طم و سلاسی مگر التماسی بوخودور  
 بیر اونا نماز عاز بیلیمز نه دیوم حبیبی بوخودور  
 سینه سیر ارکه لیلی ایلدی بوچولده رسرا  
 بو سلاکی روزگارین من ایلده وفاسی بوخودور  
 سیر اوردی سوری تمبخت، ایلسین اونا مدمت  
 مگر ای منیم عزیزم، بوگونون صیاسی بوخودور  
 سیر اوردی سوری تمبخت، ایلسین اونا مدمت  
 نه جهت پوشوخ و نشکین منه اعتناسی بوخودور



## زنجان به روایت مینورسکی

ترجمه و تحقیق:  
رامین سلطانی \* - پریسا فاتح

مقاله‌ی حاضر حاصل کار پروفیسور ولادیمیر مینورسکی (۱۹۶۶-۱۸۷۷م) خاورشناس نامدار روس است که در دایرة‌المعارف اسلام ویرایش اول به چاپ رسیده است. مینورسکی به دلیل اطلاعات وسیع و گسترده در مورد تاریخ سیاسی و تمدن اسلامی بخصوص جغرافیای تاریخی سرزمین‌های اسلامی و تسلط به زبانهای روسی، فرانسه، انگلیسی، فارسی، ترکی، آلمانی، ارمنی و گرجی در بین

\* کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی از دانشگاه تهران، کارشناس اداره کل کشاورزی استان زنجان.

بی نوشت‌ها:

- ۱- دیوان هیدجی با مقدمه و تصحیح علی هشتروندی ص ۳
- ۲- دیوان هیدجی با مقدمه و تصحیح غلامحسین رضانزاد ص ۱۰
- ۳- هشتروندی ص ۵
- ۴- رضانزاد ص ۱۵
- ۵- گرم نیرومند، سختران و خطاطان زنجان ص ۳۶۲
- ۶ و ۷- همان ص ۳۶۳
- ۸- هیرسانی = بی جفتی و تنهاخوانی
- ۹- همان ۳۶۳
- ۱۰- رضانزاد ص ۱۷
- ۱۱- هشتروندی ص ۶
- ۱۲- هشتروندی ص ۷
- ۱۳- همان ص ۷
- ۱۴- همان ص ۲۶۵
- ۱۵- همان ص ۱۹۳
- ۱۶- همان ص ۲۵۸
- ۱۷- همان ص ۲۶۰
- ۱۸- همان ص ۲۸۷
- ۱۹- همان ص ۲۷۳
- ۲۰- همان ص ۲۵۰
- ۲۱- رضانزاد ص ۱۲
- ۲۲- هشتروندی ص ۲۳۱
- ۲۳- همان ص ۲۰۱
- ۲۴- همان صص ۲۲۸ تا ۲۳۳
- ۲۵- همان ص ۲۲۵
- ۲۶- همان ص ۲۲۲
- ۲۷- همان صص ۲۱۶ و ۲۱۷
- ۲۸- همان ص ۲۲۶
- ۲۹- همان صص ۱۹۲ تا ۱۹۶



چنانکه خواننده انتظار دارد بسیاری از نام‌ها و تقسیمات جغرافیایی در آن مطابق وضع کنونی نبوده و نام بسیاری از مواضع تغییر کرده و بسیاری از تقسیم‌بندیها به هم خورده است.

۳- به این ترتیب باید در انتظار ماند تا ویرایش جدید مجلدات باقیماندهی دایرةالمعارف اسلام به چاپ برسد تا مشخص گردد مقالهی مربوط به زنجان که این بار به قلم نویسنده و محقق دیگر خواهد بود، چه مقدار در مورد زنجان و تاریخ آن دارای نکات تازه خواهد بود. زیرا مقالات و ویرایش دوم دایرةالمعارف بسیاری از نواقص و ایرادات و کاستی‌های ویرایش اول را نداشته و اصولاً فلسفه‌ی پدید آمدن ویرایش دوم رفع ایرادات و کاستی‌های مقالات ویرایش اول بوده است.

### زنجان

شهری است در شمال ایران، مرکز ولایت خمسه که بین قزوین، همدان، آذربایجان و گیلان واقع است.

**موقعیت جغرافیایی:** شهر زنجان برکنار رودخانهی زنجانرود واقع است (به گفته‌ی مؤلف نزّه القلوب ص ۲۲۱ نام قدیم این رود ماجرود بوده) که از شرق به غرب جاری بوده است و در منتهی الیه غربی زنجان به سپیدرود می‌پیوندد. زنجان موضع مهمی بر جاده‌های بزرگ آذربایجان به قزوین و از آنجا به تهران و خراسان است. همچنین زنجان محل تلاقی چند جاده‌ی دیگر می‌باشد: به طرف شمال بر سر راه اردبیل و گیلان (از طریق ماسوله)، به طرف شمال غربی بر سر راه مراغه و سنندج، به طرف جنوب بر سر راه همدان. این جاده‌ی اخیر کراماً توسط زواری که از شمال آمده و می‌خواستند از نزدیک شدن به

سلام شناسان و شرق شناسان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. حاصل کار طاقت‌فرسای چندین ساله‌ی بیش از ۲۰۰ مقاله و کتاب می‌باشد که برخی از آنها عبارتند از:

۱- تصحیح کتاب حدودالعالم من المشرق الی المغرب، این کتاب توسط شخصی به نام میرحسین آقا به فارسی ترجمه شده و در سالهای اخیر با توضیحات و حواشی دکتر مریم میراحمدی و دکتر لایم رضا ورمه‌ام به چاپ رسیده است.

۲- تحقیق و چاپ کتاب سفرنامه‌ی ابودلف.

۳- تاریخچه‌ی نادرشاه، ترجمه‌ی مرحوم رشید یاسمی.

۴- سازمان‌داری حکومت صفوی با حواشی تعلیقات و تحقیقات بر تذکرهالملوک، ترجمه‌ی

محمود رحیب‌نیا.

۵- کتابی در باری اهل حق به زبان فرانسه.

در دایرةالمعارف اسلام کار نگارش و ویرایش مقالات مربوط به جغرافیای تاریخی بخصوص راههای تاریخی ایران برعهده‌ی وی بود.

مقاله‌ی حاضر که عنوان زنجان را دارد از چاپ اول دایرةالمعارف اسلام به فارسی برگردانده نشده و در مورد این مقاله نکات چندی وجود دارد که به نظر می‌رسد شایان توجه باشند.

۱- با وجود اطلاعات فراوان می‌توانستیم در مورد جغرافیای تاریخی، این مقاله بسیار موجز و مختصر نوشته شده که احتمالاً یکی از دلایل آن همانگونه که خود می‌نویسد یکی در متن اشاره کرده، کمبود

مجموع بوده است.

۲- این مقاله در ابتدای سده‌ی بیستم میلادی - دهه‌ی دوم و سوم - به رشته‌ی تحریر درآمده و آن





مباحثه تخصصی شورای پژوهشی

مجلس کار و مذاکره در مشهد مقدس، استان خراسان

۶۲۵م، بلاذری ص ۳۲۲، یاقوت ج ۲، ص ۹۴۸)

این خردادیه در کتاب معروف خود: المسالك و الممالك ص ۵۷ زنجان را جزو دیار پهلوی به شمار می آورد (بلاد الپهلویین) و بجای توجه آنکه به گفته ی مؤلف نزهةالقلوب مردم زنجان به زبان پهلوی خالص تکلم می نمایند که یک لهجه ی ایرانیان شمالی است. موقعیت بینابینی زنجان در آثار جغرافیاداران عرب منعکس است و گاهی آن را جزو ایالت جبال تلقی می کنند (اصطخری ص ۱۹۸). گاهی اوقات جزو بلاد دیلم (همو، ص ۱۹۵)، گاهی جزو ایالت بزرگ آذربایجان (مقدسی، ص ۳۸۶) و گاهی جزوری (همو، ص ۳۸۶). زنجان در سده ی دهم میلادی / چهارم هجری جزو قلمرو دیلمیان (مسافریان) درآمد. (۵) غالباً از دژ سرجهان در شمال شرقی زنجان یاد شده است. (۶) (در شمال قیو، نزهةالقلوب، ص ۶۴) در زمان مغول زنجان ویران گردیده و ناحیه ی بین زنجان و تبریز پذیرای قبایل فاتح شد. نام بخش اورباد هنوز یادآور خاطره ی قوم ایرات است. (۷) ارغون ایلخان مغول در بخش سجاس به خاک سپرده شد. (فرق ارغون = مرقدارغون، همو، ص ۶۴ در ترجمه شده ی آن ص ۶۹) در ابتدای سده ی چهاردهم میلادی زنجان در جوار پاینخت جدید یعنی سلطانیه واقع بود. کتاب نزهةالقلوب که در سال ۱۳۴۰م / ۷۴۱ق تألیف شده، حاوی جزئیات زیادی در مورد ناحیه ی زنجان است (صفحات ۵۶، ۶۱، ۱۰۶، ۱۸۲، ۲۱۷ و ۲۲۱). در این زمان عایدات دولت از شهر ۱۲۰۰۰ دینار و از ناحیه ۸۰۰۰ دینار بوده است. در زمان صفویه مناقشه ی ترک - فارس بیش از پیش به زنجان کشیده شد در سده ی نوزدهم میلادی، زنجان به واسطه ی این که یکی از مراکز بابیان بود و در سال ۱۸۵۰م / ۱۲۶۶ق لشکر آنان در مقابل حکومت ایستادگی کرد، بیشتر شناخته شد.

دستان اجتناب نمایند، مورد استفاده قرار می گرفته است.

مناطق واقع در جنوب شهر زنجان به ندرت مورد بازدید جهانگردان و سیاحان قرار گرفته ولی در نقشه های ماسا و وضوح و روشنی معرفی گردیده است. در سال ۱۳۸۸/۱۲۹۸ ق چند مهندس از طرف دولت ایران در آنجا کارهایی کرده و بهی بودند که

آن محل معادن طلا وجود دارد. (۱)

همده بخش ایالت خمسه به عنوان حوزه های آبریز سپیدرود نامگذاری شده اند: ابهر (در گویش فارسی از اوهر یا ابهر تحت عنوان آب آسیاب یاد شده است، آب این رود ملنگه ی قزوین سرانبر می شود)، دودانگه، خداپنده لو، سجاسرود، سهرورد، ایجروود، طرف جنوب در جاده ی زنجان - تخت سلیمان)، قزل گچی رود، انگوران، اورباد، رود، برنده رود، غنی بیگلر، ارموغان، طارم، خورین چای، گرماب و زنجانرود.

زنجان که کاملاً در شرق آذربایجان واقع است به ناحیه ی ترکی زبان تعلق دارد و در آن مختلف این ایالت اکثراً ایل افشار ساکن می باشند که امرای ایشان همواره در امور می کشور قدرت تأثیرگذاری داشته اند. در کنار ایل افشار، قبیله ی دیگر دویران است مورد را شاهسون به حساب می آورند.

اریخ: آندریاس پائولی (وینو را در کتاب: Real Enayki جلد اول صفحه ی ۷۳۱) به طرز (۸) ای زنجان را با آگاتزانا در تقسیم بندی بطلمیوسی مطابق دانسته است. (۹) توماس و ویلی آن را زنگان می نامد. بنابر گفته ی حمدالله مستوفی در کتاب نزهةالقلوب ص ۶۱ توسط اردشیر بابکان تحت عنوان شهرین بنا گردید. (۱۰) از زنجان به ندرت در تاریخ یاد است. مسلمانانی که از ری می آمدند در سال ۲۴ ق آنجا را فتح کردند (سال ۲۵ ق /



به محاذات سرزمین طارم در پنج فرسنگی سلطانیه و مشرف بر جلگه‌ی زنجان و اهر قرار داشته است و کمابیش ۵۰ پارچه روستا جزو توابع آن بوده است و مرکز این جلگه قریه‌ای بوده که مغول آن را قهود می‌نامیده‌اند.<sup>(۱)</sup> و اکنون صابین قلعه نام دارد. باقوت حموری در کتاب معجم البلدان و حمدالله مستوفی در نزهة القلوب از آن یاد کرده‌اند.<sup>(۲)</sup> این قلعه که گویا یکی از قلاع اسماعیلیه بوده، به دست سربازان هلاکو خان مغول ویران شده و تاکنون نشانی از آن به دست نیامده است. دکتر منوچهر ستوده نیز در کتاب قلاع اسماعیلیه در رشته کوه‌های البرز از این قلعه نامی نبرده است. غیر از این دو قلعه (قلعه‌ی سمیران و قلعه‌ی سرجهان) در منطقه‌ی زنجان از قلعه‌ی دیگری به نام قلعه‌ی قلاط در سرزمین طارم نیز یاد شده که استرنج می‌گوید مکان و موضع آن معلوم نیست. قلات یکی از روستاهای شهرستان طارم است ولی به گمان ما قلعه‌ی مزبور در روستای سانسبز فعلی قرار داشته که به احتمال زیاد در قدیم به همان نام قلات یا قلاط موسوم بوده و فاصله‌ی مکانی مابین دو روستای فوق‌الذکر بسیار اندک و به اندازه‌ی یک رودخانه‌ی فصلی است. در روستای سانسبز نه‌ای وجود دارد که به کرات مورد حفاری غیرمجاز قرار گرفته و گویا از آن وسایل و اشیایی نیز به دست آمده است.

۷- بنابر گفته‌ی خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی در کتاب جامع التواریخ، اویرات نام یکی از قبایل مغول بود که تحت فرمان چنگیزخان مغول درآمد و به همراه وی به

۱- جونی، ج ۲، ص ۱۱۵

۲- استرنج، ص ۲۲۰

۳- همو، پیشین، ص ۱۲۲-۵

## توضیحات مترجمان:

- ۱- منظور از این ناحیه شهرستان ماهنشان فعلی می‌باشد.
- ۲- این گفته را مرحوم دکتر محمدجواد مشکور نیز در کتاب جغرافیای تاریخی ایران قدیم صفحه‌ی ۴۲۹ ناکید کرده است.
- ۳- این گفته‌ی حمدالله مستوفی بسیار محل تردید است زیرا هیچ منبع دیگری این خبر را ناپید نمی‌کند و بنابراین دلیلی بر قبول آن وجود ندارد.
- ۴- به دست سردار عرب برابن عازب در زمان خلافت عثمان بن عفان (مقتول در سال ۳۵ق) احمد بن یحیی بلاذری در کتاب فتوح البلدان می‌گوید: «براه یا دیلمیان چندان جنگید نا غنیمت و باج پرداختند، سپس به گیلان و بیز و طلیسان (طالش) لشکر کشید و (ایمان را به جنگ فتح کرد.<sup>(۱)</sup>
- ۵- برای آگاهی بیشتر در مورد آل سافرجوئع شود به کتاب ارزشمند شهریاران گمنام تألیف سید احمد کسروی تبریزی، مرکز حکومت آل مسافو دژ سمیران یا شمیران بود که دارای بوده مستحکم در سرزمین طارم برکناره‌ی رود قزل‌اوزن و به دست اسماعیلیه تخریب شده است. بنابای این دژ هم اکنون در طارم در ساحل شمالی رود قزل‌اوزن در کنار آبادان و فاسم قابل مشاهده است.

۶- این دژ سرجهان یا سرجهان که موضع کنونی آن ناشناخته است بنابر گفته‌ی عطا

الله جونی در کتاب تاریخ جهانگشای جونی قلعه‌ی مستحکمی بوده که بروی کوهی





### تاریخ معاصر

زنجان در جنگ بین‌المللی دوم

۱۳۱۸ - ۱۳۲۴ / ۱۹۳۹ - ۱۹۴۵ م

ذبیح‌الله شاه‌محمدی \*

در باره‌ی حوادث و وقایع زنجان، پژوهی در دوره‌های بحرانی قاجاریه، مشروطیت و جنگ جهانی دوم، متأسفانه منابع و مآخذ مستند و مستدل چنان اندک و ناچیز است که بررسی همان مدارک، جوینده را نه تنها به هدف خویش رهنمون نمی‌شود چه بسا با ارائه گزارشهای ضد و نقیض و اسنادهای بدون سند، وی را در تجزیه و تحلیل‌های نادرست و

\* دبیر بازنشسته‌ی آموزش و پرورش و پژوهشگر ادبیات عامیانه منطقه زنجان

(۱)

سمت ایران سرازیر شدند.

همی نوشت‌ها:

۱- بلادی، احمد بن یحیی، فتح‌الملکان، ترجمه‌ی آذرنوش، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۰ خ.

۲- جوینی، عطا ملک، تاریخ جهانگشای جوینی، تصحیح محمدقزوینی، تهران، انتشارات معارف (انست شده از چاپ بریل لیدن، سال ۱۹۱۱م) ۳ جلد، ۱۳۶۱ خ.

۳- فضل‌الله همدانی، رشیدالدین، جامع التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، تهران، انتشارات اقبال، ۲ جلد، ۱۳۶۸ خ.

۴- لسترنج، گای، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه‌ی محمود عرفان، تهران، نشر علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۷۳ خ.

۵- مستوفی، حمدالله، نزهة القلوب، به کوشش گای لسترنج، تهران، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۶۲ خ.

۶- مشکور، محمد جواد، جغرافیای تاریخی ایران قدیم.

۷- بالقوت حموی، معجم البلدان، بیروت، ۱۹۷۹ م.



دوره قاجاریه و اوایل مشروطیت ناکام قریب به یقین اهل تحقیق و قلم این خطه معدود و محدود به چند نفر بوده و تعدادی از همین عده معدود نیز رغبتی به ثبت وقایع نداشته‌اند و آن عده هم که چنین همی داشته‌اند تنها به ذکر خاطرات و حال و احوال خود و اطرافیان پرداخته‌اند و این یادداشت‌ها نیز نصیب وارثانی محتاط و محافظه کار گشته است و آنان به ملاحظات اجتماعی و خانوادگی و روابط دور و نزدیک با حکومت و برتر از همه مصلحت خویش را در نهفتن و نگفتن دیده‌اند و به طبع و نشر آن خاطرات اقدام نکرده‌اند.

ما از شهریور ۱۳۲۰ تا آذر ماه ۱۳۲۵ رقص های ترکی و قزاقی سالدانیهای روسی و همگامان آنان را در خیابانهای زنجان تماشا کرده‌ایم، یکی دو سال کاروان‌های تسلیحاتی متفقین را در جاده‌ها و راههای آهن این استان نظاره نموده‌ایم. یک سال هم جنگ و گریز و اقت و خیز و شوی و پرهیز گریزهای متخاصم فدائیان دموکرات و پانزانیهای محلی تمام زندگی فکری و اجتماعی و سیاسی ما را در حیرت و انتظار و ترس و دلهره فرو برده است. اما امروز پس از نیم قرن شرح این وقایع را به قلم کسانی می‌خوانیم که در آن بحرانها در تهران غرق ناز و تنعم بودند و مانند ما شاهد آنها نبوده‌اند و وقتی که به مجله‌ها و کتابها و روزنامه‌ها روی می‌آوریم می‌بینیم که مخبران و مدیران و نویسندگان وقتی دورین به دست و قلم در جیب به زنجان آمده‌اند که طوفانها فرو نشسته و آنها از آسیابها افتاده است. حال تصور فرمایید: چنین نوشته‌هایی که محصول شنیده‌ها و اظهار نظرهای متفاوت و احیاناً زائیده اغراض و منافع گروهها و جناحهای مختلف سیاسی آن روزگار بوده است تا چه حد می‌تواند ارزش تحقیقی و مطالعاتی داشته باشد؟<sup>(۳۲)</sup>

باورهای غیر منطقی سردرگم کند و یا از فصد و ثبت خود منصرف گرداند.

در وقایع نامل انگیز و حیرت‌آوری چون فتنه باب در زمان ناصرالدین شاه، حوادث ثبت شدنی و قابل تعمق انقلاب مشروطیت و کیفیت برخورد مردم این سامان با آن، اشغال همسایه متفقین در جنگ جهانی دوم و تسلط سیاسی و نظامی و اجتماعی روسها بر این استان همسو با استیلائی یاران آن روزشان بر سراسر ایران - تشکیل و تکوین قوه دموکرات زنجان و سرانجام بحث انگیز آن و بی‌آمدهای همه‌ی این وقایع بزرگ و ماجراهای تاریخی، هر چند مآخذ و منبع مکتوب ناقص و غیر قابل اعتماد مرجع و مرکز اطلاعات و اسناد دیگری در دسترس نیست، متأسفانه همین چند مآخذ نیز برروال ذکر وقایع زمانهای مربوط به آن عاری از پژوهش‌های علمی و تحقیق‌های اصولی و متعارف امروزی است و تماماً چنین نوشته‌ها و آثار نیز روشنگر حقایق و بیانگر تحلیل‌های درست نخواهد بود و به نتیجه‌گیری حقیقی نیز محال می‌باشد فی‌المثل؛ در باره فتنه بابیه در زنجان چیز یکی و نوشته تاریخی مانند «ناسخ التواریخ» مآخذ قابل اعتماد نداریم<sup>(۳۱)</sup> و نیز در باره وقایع مشروطیت و حال و هوای مردم این خطه در بحران حمله مشروطه خواهان و «یترم‌خان» و اجرای اسارت «مرحوم آخوند ملا قربانعلی زنجان» مشهور به حجت الاسلام و جز چند مورد ناقص و غیر قابل اعتماد اسناد و مدارک معتبری نمی‌بینیم<sup>(۳۲)</sup> همچنین در ماجرای «طاعه موکرات» ها بر زنجان در سال ۱۳۲۴ نوشته و اثر مکتوبی که به قلم محققان و ناظران نویسندگان از مردم زنجان باشد وجود ندارد.<sup>(۳۳)</sup> یعنی محقق و نویسنده‌ای که خود اهل ماجرا بوده باشد. دلیل و علت این فقر اسناد نیز جز این حقیقت مسلم نیست که در



نگارنده بارها شاهد بوده‌ام که اغلب دانشجویان علوم انسانی برای یافتن مأخذ معتبر جهت تهیه و تنظیم پایان‌نامه تحصیلی یا یک مقاله تحقیقی در این خصوص، روزها و هفته‌ها به کتابخانه‌ها و اهل فن مراجعه کرده و ناامید برگشته‌اند و با حاصل جستجوی آنان جز آشنائی با چند سیاحتنامه جهانگردان خارجی مثلاً سه سال در میان ایرانستان به با خطاطات و احتشام السلطنه، چیز دیگری نشده است.

از آنجا که براهل قلم فرض است تا مشاهدات و مطالعات و خطاطات خود را آنچنان که جانب حق گوئی ملحوظ باشد و عواطف و مبتنی بر احساسات شخصی نباشد و از صداقت و صراحت عاری نگردد بنویسند.

مانیز یادداشت‌های مترکم و متعدد خویش را از دهه‌ها کتاب و مرجع مختلف با عنایت به تطابق این وقایع با مشاهدات خویش می‌آوریم تا آنکه به رغم وجود نقص و کاستی‌هایی که دارد، قابل بررسی و مطالعه محققان محترم باشد.

\*\*\*

اوایل شهریور ماه ۱۳۲۰، تابستان متعدل زنجان، اندک اندک کوله بار گسترده خود را از دشتهای سبز و دامنه‌های باصفای زنجان برمی‌چید. باغهای سرسبز و خرم زنجانرود همچنان در پیرایه‌های بهاری خویش رنگ و نکستی دلپذیر داشت و کشتزارهای رنگارنگ بهرامون شهر کوچک زنجان چون عروسان به خانه بخت رفته جلوه‌های فریبده خود را همچنان در چشم و دل عاشقان طبیعت فرو می‌ریخت.

آن روز قسمتهای شمالی شهر، بالاتر از میدان ارثش و مجتمع اداری، مسکونی نبود و

شمال غربی و قسمت غرب به زمینهای امجدیه «استادیوم ۱۵ خرداد» باغ حسین آباد و پسر بنزین ابتدای جاده تبریز محدود می‌شد و جنوب شهر را گستره باغهای تربه‌بار و میوه و سبزی کاریه‌های پرعطری و بو چون مخملین کمربندی پوشانده بود در حالیکه راه آهن تهران- تبریز یکی دو سال بود این فرش زمردین را دو تکه کرده و تلیق و تلوفا حرکت چرخهای واگن‌ها با سوت و تمدن آوازه لکوموتیوها براین کناره‌های زنجانرود حال و هوای دیگری می‌بخشید. (۵)

سحرگاه چهارم شهریور درست در لحظاتی که دامن زریخت خورشیدگرد طلایی خود را بر قلل کوهها و سرشاخه‌های چنارها و مازنده‌های مساجد می‌تکاند و بر آنها رنگ و جلای دلفریبی می‌بخشید غرش چند هواپیما در آسمان غرب زنجان چشم و گوش زنجانیان را به خود معطوف گردانید و چند لحظه بعد یک هواپیمای دوباله در زمینهای امجدیه درست در میدان فعلی استادیوم ۱۵ خرداد امروز بر زمین نشست و چند دقیقه دیگر دو هواپیمای همانند در کنار آن جای گرفتند و خلبانهای خسته و نگران در میان بهت و انتظار مردم از آنها پیاده شدند و با استقبال گرم مردمی که از آن محلات خود را به آنجا رسانده بودند روبرو گشتند. مشعل‌های ویرانگر جنگ جهانی دوم دامنه خود را به کشورمان کشانده بود:

به یک سند توجه کنیم:

«ساعت ۳ بامداد ۲۶ اوت ۱۹۴۱ چهارم شهریور ۱۳۲۰ سیزده فروند هواپیمای دورباله هنگ دوم هوایی ایران در تاریکی موزرهای خود را برای پرواز از فرودگاه تبریز، به کار انداختند. هواپیماها، یکی پس از دیگری، غرش کنان از بلند فرودگاه به سوی آسمان



آگاه گرداند.

نیروی مسلح زنجان محدود می‌شد به چند افسر شهرستانی و تعدادی پاسبان (آجان) که در «نظمیه» خدمت می‌کردند و تعدادی «امتیه» که در پاسگاههای روستاها انجام وظیفه می‌نمودند (ژاندارمری)<sup>(۷)</sup>.

اکثریت مردم شهر در باره علت حمله شوروی اطلاعی نداشتند و پیش‌بینی‌های فرضی در باره روزهای آینده هم از حدس و گمان و توهم فراتر نمی‌رفت. دلیل این امر آن بود که رسانه‌های گروهی به آن صورت که امروز می‌شناسیم در اختیار همگان نبود اگر چه پخش برنامه‌های رادیویی از سال ۱۳۱۹ (یک سال قبل) آغاز شده بود متأسفانه به همین جغیه خبرگیر و خبررسان جز چند خانواده مرفه و متمکن، دیگر خانواده‌ها دسترسی نداشتند بدیهی است نداشتن رادیو معلول فقر مادی یا فرهنگی نبود یکی از علل آن، نبود جریان برق در شهر بود که ۸۵٪ جز چند خانواده به آن «عالم تکنیک و تجدد» گام نهاده بودند و علت دیگر هم دید منفی بعضی از سرپرستان خانواده‌ها بود که تا حدی به «رادیو» با نظر حرمت، اکراه و تله شیطان می‌نگریستند، تنها وسیله خبررسانی که در زنجان مشاهده می‌شد توزیع چند شماره از روزنامه «اطلاعات» بود که با همت «مرحوم حاج علی اکبر شیشه‌چیان» مدیر مؤسسه مطبوعاتی و چاپخانه توانا در خیابان فردوسی توزیع می‌شد و این روزنامه هم اطلاعاتی لازم و ضروری به خوانندگان نمی‌رساند و با آنکه «رضا شاه» و دوست «منصور السلطنه» هفته‌ها بود که در برابر اولنیماتوم‌های مکرر شوروی و انگلیس مبنی بر اخراج آلمانها از ایران در اضطراب و تشویش قرار و آرامی نداشتند یکی، دو

حرکت کردند «سرهنگ شیبانی» نخستین هواپیمای هدایت می‌کرد. هر یک از خلبانان سرعت موتورنش را طوری میزان کرد که ارتفاع بگیرد و از برخورد با کوههای پیرامون تبریز اجتناب کند. اندکی پس از طلوع آفتاب هواپیمای سرهنگ شیبانی به سلامت در فرودگاه «شهبان» ۲۲ کیلومتری شرقی تبریز به زمین نشست، چند دقیقه دیگر دو هواپیمای دیگر در آنها فرود آمدند شیبانی در جستجوی دو هواپیمای دیگر، با دقت، به آسمان می‌نگریست ولی آنها هیچگاه پیدا نشدند چون خلبانهای آن دو، هواپیماهای خود را به کوههای جنوب تبریز زده و سرنگون شده بودند ولی خودشان به طوری معجزه آسا نجات یافته بودند و مدتها به تهران رسیدند.

شیبانی که مطمئن بود شورویها به عزیمت آنها پی خواهند برد و تا زنجان تعقیبشان خواهند کرد با شتاب هواپیمایش را پراز سوخت کرده و بسوی تهران پرواز نمود چند حلقه بعد یک هواپیمای شوروی پیدا شد و فرودگاه زنجان را بمباران کرد و در عین حال، زده یک تیرین شهر به تهران، یعنی شهری دفاع قزوین را نیز بمباران کرد،<sup>(۸)</sup> پس از پرواز هواپیمای سرهنگ شیبانی به سوی تهران مردم و حشمت زده زنجان شاهد حملات ساعت به ساعت هواپیماهای روسی بودند که بعضی با انداختن بمب و بعضی با پخش اعلامیه‌هایی به زبان ترکی، فارسی آغاز یک دوره پر تلاطم تاریخی را به مردم قلیورمان اعلام داشتند.

آن روزها، شهر ما نه پادگانی داشت نه پناهگاهی، نه نیروی مدافعی در شهر بود و نه



ملت‌ها از جمله شماس، جاسوسان هیتلر در سراسر ایران توطئه‌های وحشت‌انگیزی برای مردم ایران چیده‌اند که سربازان ظفرمند شوروی براین توطئه‌ها با گلوله‌های آتشین پاسخ خواهد داد و قیل....

خوشبختانه اکثر بمب‌های روسی در اطراف شهر منفجر می‌شد و تلفات جانی جز یکی دو نفر نبود و خرابیها نیز به چند مغازه و خانه محدود می‌شد و شهر شبانه روز آرام و ساکنی را می‌گذرانید با توجه به هجرت اکثریت مردم به روستاها و تعطیلی تمام مراکز اجتماعی و اقتصادی و اداری البته پس از استقرار متفقین در ایران و آغاز مذاکرات رسمی و غیررسمی با دولت شوروی مشخص گردید هدف عمده شورویها از حملات هوایی پشورها در واقع سرعت بخشیدن به روند عبور پیاده نظام و قوای موتوریزه از شهرها و مسجل ساختن تسلیم بدون قید و شرط رضاشاه و سرانجام برقراری ارتباط مستقیم با یاران متفق در آن سوی اقیانوسها بوده که امید معقولی برای درهم شکستن حملات سهمگین آلمانیها به شرق شوروی و احتمال حمله به قفقاز از سوی آلمان به نظر می‌رسید.

### تزلزل ارکان دیکتاتوری :

روز پنجم شهریور دولت منصور استعفا می‌دهد و بلافاصله محمدعلی فروغی مأمور تشکیل کابینه می‌گردد و شامگاه همان روز هیأت دولت را به رضاشاه معرفی می‌نماید. روز ششم شهریور فروغی تصمیم دولت را مبنی بر ترک مقاومت در برابر نیروهای مهاجم متفقین اعلام می‌کند و در همان روز امریه ستاد جنگی مبنی بر برخورداری از هر نوع مقاومتی به کلیه واحدهای ارتشی ابلاغ می‌شود در حالیکه قبل از صدور و ابلاغ این

ساعت برنامه‌های خبری رادیو و عنوان خبرهای اطلاعات تنها به «تشریف فرمائیها» و التماسات و مجالس و تشریفات گردانندگان نظام حاکم محدود می‌شد و خفقان ۱۶ ساله نظام مانع از آن بود که مردم ایران از سرنوشت تلخی که در راه بود آگاهی یابند.

ساعتی از پرواز هواپیماهای ایرانی نگذشته بود که غرش هواپیماهای ارتش سرخ در آسمان زنجان ترس و وحشت اضطراب مردم را دوچندان کرد. مغازه‌ها، بازارها ادارات دولتی، سازمانهای ملی و اجتماعی برای در امان ماندن از حملات هوایی تعطیل شد و کارکنان و مغازه‌داران، بازاریان با شتاب خود را به خانه‌های خویش رساندند و با خرید لنگ توشه راهی از نان و پنیر و میوه، قند و چای و سیگار خانه و سامان خود را به خدا سپردند و راهی روستاها و باغهای پیرامون شهر گشتند.

در آن روزگار خودروهایی سواری دو سه دستگاه بیشتر نبود که آنها هم به یکی دو خانواده تعلق داشت و کامیونهای باری از ینگاههای «بحرینی» و «انگورانی» برای حمل بار تهران و تبریز و رشت در تردد بودند بنابر این هجرت خانواده‌ها جز با پای پیاده و مهاربان امکان‌پذیر نبود. روستائیان خانواده‌ها را با آغوش باز می‌پذیرفتند.

از همان روز اول حمله نیروی هوایی ارتش سرخ بخش اعلامیه‌های تبلیغاتی روسها به زبانهای ترکی و پارسی و روسی آغاز شده بود اعلامیه‌هاییکه تهدید و تحیب، وعده و وعده، پیشم و محبت در آنها آشکار بود و خلاصه همه این نوشتارها و اعلامیه‌های پرنده در این مورد که: ایرانیان، برادران، اتحاد جماهیر شوروی بهترین دوست شماست، ما فقط استقلال و موجودیت ایران خواهیم بود، آلمان فاشیستی درصدد نابودی همه



تبدیل گشته بود در حالیکه شبانه روز تانکها، نفربرهای روسی از مرزهای غربی بسوی تهران در حرکت بودند و به ناچار از زنجان می‌گذشتند و فرماندهان نیروی زمینی ارتش سرخ برای استقرار و جایه جاتی نفرات خویش و سامان دادن آنان می‌کوشیدند و زنجانیان همچنان حیرت زده تماشاگر این صحنه‌ها بودند.

آن روزها، هنوز آثار دردناک این اشغال خصمانه در زندگی مردم مشاهده نمی‌شد - اثرات شوم و تفرقه‌افکنی چون فحطی، احتکار دسته‌بندیهای سیاسی که معلول نیت بعضی از پرورش یافتگان آن سوی مرز و حوص و آزمندی فرصت‌طلبان داخلی می‌بود چهره نموده بود و در حالیکه طلبه جان‌بخش آزادی و رفاه اجتماعی در دل‌های مردمی که بیست سال در اختناق و سلطه دیکتاتوری بسر برده بودند سو می‌زد نوید روزگاری خوش توأم با آزادی و حریت و عزت و سرفرازی مایه نسلی و تشفی دل‌های وحشت‌زده و پریشان مردم بود و به قول سعدی «صورت برد آرمیده و اوان دولت و رد رسیده بود» در شهر از آن قدرت و سطوت مأموران و حاکمان چکمه به پا و تنگ به دوش خبری نبود. عزاداران حسینی از خرد و بزرگ، پیر و جوان زن و مرد، در هرکوی و برزن به تعمیر و تزئین و تنظیف مسجدها و تکیه‌ها و سقاخانه‌ها با شوق و ذوق بهجت خیزی مبادرت ورزیدند، دیگر، نه سواره نظامی بود که جوانان سیاه‌پوش را به صحرا بپراکند و نه پیاده شلاق بدستی که شمع را برپای علمی بکشد.

آن همه ناز و تنعم که خزان می‌فرمود عاقبت در قدم باد بهار آخر شد.

امریه درهای بسیاری از پادگانها بروی سربازان و نیروهای آماده و مسلح گشوده شده بود و اکثر سربازان پادگانها را ترک کرده و در جاده‌ها و بیابانها با وضع رفت‌باری بسوی شهرهای خود روانه شده بودند.<sup>(۸)</sup>

دولای زمینی شورویها روز هفتم شهریور ماه، سه روز پس از سربازان به زنجان رسیدند همان شب دولتهای انگلیس و شوروی توافق کردند که نیروهایشان در قزوین ۱۴۰ کیلومتری شمال غربی تهران بهمیدگر ملحق شوند.

صبح روز بعد ۲۹ اوت (۷ شهریور ستون موتوریزه ژنرال «نویکوف» از میانه بسمت جنوب شرقی به راه افتاد و به شهر زنجان که هدف آن روزش بود رسید. بر فراز این ستون، یک دسته هواپیمای بمب‌افکن شوروی گذشتند و ساعت ۱/۵ باامداد شهر بی دفاع قزوین را بمباران کردند.

بمب به یک مخزن نفت متعلق به شرکت نفت ایران و انگلیس اصابت کرد ۵۰۰۰ گالن نفت را که می‌توانست مورد استفاده ارتش سرخ قرار گیرد آتش زد انفجار بمب و آتش سواری، اهالی شهر را دچار وحشت کرد و موجب شد که بسیاری از آنان به روستاهای اطراف بگریزند.<sup>(۹)</sup>

وقتی مردم زنجان پس از آن آوارگی و درگیری ناخواسته به شهر و دیار خویش بازگشتند زنجان حال و هوایی دیگر داشت. روسها، مراکز عمده نظامی و اجتماعی و آموزشی را به تصرف خود آورده و ادارات دولتی، استگاههای راه آهن و دبیرستانها، پادگانها، کاروانسراهای بزرگ و حتی چند مهمانخانه محقر آن روزی به قرارگاه سربازان روسی



بود که بربری‌های نامأکول، شبانه در قسمت جنوبی اداره دارائی امروز خیابان طالقانی پخته و انبار می‌شد و سحرگاه با گاریها و چهارچرخ‌ها به مساجد محلات حمل و توزیع می‌گردید و اوراق کوبین‌ها نیز با سنجگویی این مضایق نبود. فقر و گرسنگی، به ویژه اگر معمول تجاوز بیگانگان و خودبهای ستم‌پیشه باشد همواره انگیزه قیام و طغیان جوامع است بی‌مورد نبود که جمعیت آشفته و پریشان و عصی چندین بار به انبارهای محن‌گران و تاجار بی‌انصاف یورش بردند و آرد و گندم و جو و ... آنان را به باد یغما و تاراج سپردند.

۳- حزب توده بلافاصله پس از تبعید رضاشاه و آزادی زندانیان سیاسی (نه چندان خطر ناک) ظهور کرد بیست و هفت تن از اعضای جوان‌تر، پنهان و سه نفر که در سال ۱۳۱۶ زندانی شده بودند در ۷ مهرماه سیزده روز پس از تبعید رضاشاه در تهران گردهم آمدند و تشکیل سازمانی سیاسی با عنوان بلند پروازانه حزب توده ایران را اعلام داشتند (ایران بین دو انقلاب پروانده آبراهامیان) اگر چه از همان سال ۱۳۲۰ فعالیت تعدادی از مهاجران طرفدار شوروی معطوف تشکیل حزب توده در زنجان بود لیکن به نظر می‌رسد این فعالیت محدود به یک زمینه‌چینی ناموفق بود و در سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ جز اجاره یک ساختمان محقر و نصب یک تابلو کوچک اثری از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی این گروه در زنجان مشاهده نمی‌شود و تقریباً از سال ۱۳۲۳ که کنگره حزب توده در تهران گشایش یافت نمایندگان از زنجان شرکت کردند و فعالیت چشمگیر اعضای توده‌یی در شهر مشاهده می‌گردد که چندبار به زد و خورد و درگیری با افراد وابسته خاندان ذوالفقاری منجر می‌شود.

زنجان پس از اشغال متفقین:

از شهریور ۱۳۲۰ الی پایان سال ۱۳۲۵ در مدت پنج سال و نیم شهر ما و کل منطقه زنجان و آذربایجان و کردستان شاهد وقایع و حوادث قابل‌بحثی بود که در فرصت‌های دیگر به بررسی آنها خواهیم پرداخت در اینجا به ناچار فهرست‌وار به این رویدادها اشاره‌ای مختصر نمید خواهیم بود.

۱- پس از کنفرانس تهران با حضور سران متفقین (استالین - روزولت - چرچیل) ۱۳۲۰ که به عقد قرارداد سه‌جانبه دول متفق انجامید و استقلال و تمامیت ارضی ایران به رسمیت شناخته شد و ایران به عنوان پل پیروزی کلید امکانات جغرافیائی و هوائی و زمینی و دریائی خود را در اختیار متفقین قرارداد زنجانیان همه روز شاهد عبور کامیونها و لمرهای آنان بودند که سربازان هندی و انگلیسی و آمریکائی را از خلیج فارس به شوروی منتقل می‌نمودند و چون راه‌آهن زنجان به تبریز متصل نشده بود همه این نقل و انتقال‌ها از هماده‌ها و خیابانهای زنجان انجام می‌گرفت. یک روز نظاره‌گر اتوبوسهائی بودیم که اتباع آلمانی را که از زن و مرد و کودک از تهران به موز شوروی می‌بردند (و این بزرگترین بهانه روسها برای حمله به ایران بیان شده بود)

۲- قطعی و کمبود مواد غذایی از گندم و جو و قند و شکر و ... موجب گردید که مسئولانه برای اولین بار در روزگار، پدیده‌های ناگواری چون احتکار - گرانفروشی، تعدی به حقوق شهروندی، در جامعه رواج یابد و اولیای امور برای تأمین معاش اکثریت مردم اظهار بودند با جیره‌بندی نان، قند، شکر از این فشار درآورد بکامند نویسنده خود شاهد



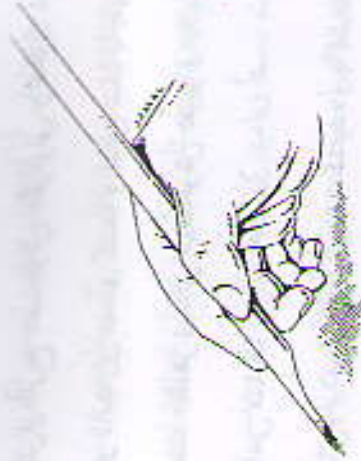
### پیش‌نوشتها:

- ۱- تاریخ قاجاریه، از مجلات ناسخ التواریخ تألیف میرزا محمد تقی سپهر کاشانی ملقب به لسان‌الملك.
- ۲- خط سوم در انقلاب مشروطیت ایران، پژوهشی گسترده در زندگی‌نامه علمی و سیاسی آخوند ملا قزیم زنجانی از دهریان نهضت مشروطه‌خواهی از ابوالفضل شکوری ناشر اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی زنجان چاپ اول ۱۳۷۱، چاپخانه مهر قم، که متأسفانه نویسنده محترم به جهت عدم دسترسی به منابع موثق در تدوین و تنظیم این کتاب از خطا و لغزش مصون نمانده است.
- ۳- چند نین از خبرنگاران و نویسندگان که وقایع مربوط به تشکیل و فروپاشی فرقه دموکرات زنجان را نوشته‌اند مانند، گذشته، چراغ راه آینده است، نشر جامی و «مرگ بود بازگشت هم بوده نجفعلی پسیان، خطرات انور خامه و ...
- اهل زنجان نبوده‌اند و از دوردستی برآتش داشته‌اند و متأسفانه یادداشت‌های آقای دکتر نصرالله جهان‌شاهلو که فعلاً در آلمان هستند و آن سال در متن ماجرا بودند بدست ما نرسیده است و فقط قسمتهایی از این خاطرات را در مجله کیهانستان دیده‌ایم.
- ۴- از آذر ماه ۱۳۲۴ تا ۲۱ آذر ماه ۱۳۲۵ دو گروه از همشهریان ما رو در روی هم از قیدار تا بچاره از زنجان تا کردستان، از میانه تا خلخال به جنگ و گریز و تاخت و قلع و قمع همدیگر مشغول بودند صرف‌نظر از آرمان و انگیزه‌های هر دو طرف و بدون ایراد حب به گروهی و اظهار بغض به گروهی دیگر هر دو گروه زنجانی بودند هر دو گروه بازسنگین آن وقایع تاریخی را بردوش کشیده‌اند اما چه کسی از این دو گروه به تقریر کلیات و جزئیات آن حوادث اقدام کرده و چه گزارش مستندی برای نسلهای بعد برای محققان فعلی به جای گذاشته‌اند؟
- ۵- راه آهن تهران - زنجان در همان سال ۱۳۲۰ به بهروری رسیده بود.
- ۶- آخرین روزهای رضاشاه - تهاجم روس و انگلیس در شهریور ماه ۱۳۲۰ ریحارد - استوارت ترجمه عبدالرضا هوشنگ نهاوندی انتشارات معین ۱۳۷۰ ص ۲۳۹ - ۲۴۰
- ۷- واژه‌های بلدیه - عدلیه - مالیه - نظمیه - طرق و شوارع - فرهنگ و اوقات و صنایع مستظرفه

۴- سرانجام در سال ۱۳۲۴ فرقه دموکرات آذربایجان در تبریز اعلام موجودیت و ایجاد و حزب توده زنجان نیز در همان هنگام وابستگی خود را به آن اعلام می‌کند. و از لحاظ زنجان در چهارم آذر ماه همان سال تا انحلال فرقه دموکرات آذربایجان در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ یک سال تمام استان زنجان شاهد کشمش و جدال مسلحانه فدائیان دمکرات و مرگ‌های وابسته به هسته‌های مقاومت بود که به وسیله ارتش ایران - خوانواده‌های و الدمار - اسلحه‌دارباشی - محمد حسن خان افشار یعنی .... سامان داده شده بودند. برسی این وقایع نیازمند به تحقیق و اسناد قابل توجهی است.

۵- خوشبختانه تعدادی از همشهریان عزیز، که در آن سالها (۱۳۲۰-۱۳۲۵) در متن تاریخ بوده‌اند صرف‌نظر از منش و مرامشان به نحوی حوادث و رویدادهای تلخ و شیرین آن رگزار را ناظر و شاهد بوده‌اند هنوز در قید حیاتند و بر محققان فرض است که به خاطر حقایق و روشن گرداندن زوایای تاریک تاریخ شهرمان از خاطرات و مشاهدات آنان بهره گیرند و پیش از آنکه خاکستر فراموشی و نسیان جمال حقایق را تیره گرداند یادگاری بسین و مدون برآثار فرهنگی این موزیوم به ارمغان آرند.





## پیدایش خط و عوامل تزئینی آن در معماری اسلامی (گنبد سلطانیه)

□ هوشنگ ثبوتی

خط و کتابت در ردیف پدیده‌های ارزشمند و یکی از ابداعات بنیادین در تکوین و تکامل تمدن‌های نژاد انسانی قرار دارد. پدیده‌ای که می‌توان آن را به مثابه گنبد گنبدینه‌های معارف بشری و به اعتباری، عمیق‌ترین نقطه عطف در تاریخ تمدن جهان دانست. با تغییر و تحول تمدن‌های عصر پارینه‌سنگی<sup>(۱)</sup> به تمدن دوران نوسنگی<sup>(۲)</sup> محیط

با آغاز فعالیت فرهنگستان اول در ایران متداول بود و فرهنگستان اول واژه‌های شهریاری - دادگستری - دارایی - شهربانی - راه و ترابری - آموزش و پرورش - هنرهای زیبا را به جای آنها پیشنهاد کرد. همچنانکه واژه‌های راستا - پهنه - کنج - گش - ... و صدعا کلمه دیگری را در کتابهای درسی گنجانده بود. ۸- کارخانه کوچک برق در پروژه ارک، ساختمان فعلی بانک ملی قرار داشت و سالها طول کشید که با خرید چند موتور و تجهیزات دیگر توانستند به دو خیابان شهر روشنائی برسانند. ۹- آخرین روزهای رضاشاه - تهاجم روس و انگلیس در شهریور ۱۳۲۰ انتشارات معین. ۱۰- محمدعلی فروغی ملقب به «ذکاء الملک» از رجال مشهور دوره قاجاریه و پهلوی است که در ۶ سال خانه‌نشین بود و رضاشاه به گمان اینکه منافقین به وی نظر مساعدی خواهند داشت روز پنجم شهریور از وی خواست که سمت نخست‌وزیری را بپذیرد فروغی ۶۷ ساله همان شب هیأت وزیران را معرفی کرد به یاد داشته باشیم استعفای رضاشاه را او نوشت. همین خانه‌نشینی که مسیر حکمت در اروپا را نوشته بود و پیمان منافقین با ایران را در کفترانس تهران به مجلس برد و به تصویب رساند، از تألیفات عمده وی و آداب مشروطیت و حکمت سقراطیه و آئین سخنوری و تاریخ ملل شرق را می‌توان نام برد.



تمایزهای مستقر در هلال حاصلخیز<sup>(۱)</sup> اتفاق افتاده است. اگر پدیده خط را به یک اعتبار مجموعه‌ای از علایم قراردادی جهت انتقال و بیان مفاهیم ذهنی تعبیر کنیم، نگرش بر مظهرهای استوانه‌ای تا حدودی مسئله را حل و فصل خواهد نمود.

یکی از ابزار و ادوات نسبتاً زیادی که ضمن کاوشهای علمی از محوطه‌های باستانی کشف شده مظهرهای استوانه‌ای است. این مهرها از اواخر هزاره پنجم قبل از میلاد، همزمان در محوطه‌های باستانی جنوب ایران و بین النهرین و شمال مصر و جنوب هند ظاهر شده‌اند.

طول آنها عموماً ۳ الی ۴ سانتی متر و قطر آنها ۱ الی ۲ سانتی متر و از جنس گل پخته (سفال)، انواع سنگ‌های تزئینی و کاربردی است. بر روی این مهرها علایمی از خطوط هندسی، حیوانات، انسان و نقوش اساطیری نقر (Negative) و یا حک (Positive) شده‌اند. که در اثر غلط‌آیدن آنها بر روی الواح گلی نقوش پدیدار می‌شوند. علایم، نقوش و موضوعات این مهرها بشدت متفاوت و بسیار پیچیده است. نقوش حیوانات بویژه بز، مار و تصویر خورشید، ماه، خطوط هندسی مثلثها، خطوط شطرنجی، موجودات و نقوش جنگ حیوانات با انسان و نقوش سمبلیکی از آن جمله‌اند. اما آنچه که مسلم است خطوط و نقوش مزبور تصادفی و یا تنها برحکم زیبایی بر روی آنها حک نشده، بلکه در برخی شرایط

۱- هلال حاصلخیز منطقه‌ای است که ابتدای قوس آن از دژه رود نیل در مصر آغاز شده و با عبور از بین النهرین، شمال خوزستان، منطقه فارس به دژه رود سند منتهی می‌شود. تمدنهای مستقر بر روی این هلال، به جهت وجود شرایط اقلیمی، جغرافیایی و زیستی مناسب، تمدنهای پیشرفته دوران پیش از تاریخ را خلق نموده‌اند.

مادی و معنوی بشر پیش از تاریخ دستخوش دگرگونی و تحول شده و با رام گردانیدن طبیعت، امر کشاورزی و دامداری محقق گشته و بدین سان با ظهور این انقلاب نه تنها محوری زندگی، بلکه همه مظاهر زیستی دستخوش تغییر و تبدیل و گروه‌های مجزای انسانی به صورت اجتماعی متشکل درآمده است.

انسان از استفاده طفیلی و ارتعصات الهی دست کشیده و با کشت، تولید و ذخیره‌سازی مواد غذایی تا حدودی خود را از سرگردانی‌های حاصل از تقدیرها و زندگی پرمخاطره همچنان را به زندگی مبتنی بر برنامه کشاورزی تبدیل نموده است. لزوم یکجانشینی و ایجاد معماری با زندگی به روش کشاورزی از یک سو و هم‌چنین وضعیت ایجاد شده، دوران انزوای اجتماعی را به دوران تعاون و همفکری سوق داده و آئین پرستی جای سحر و جادو را گرفته و با مطرح شدن مالکیت، ایجاد قوانین و قراردادهای اجتماعی، ثبت و ضبط آنها، ابداع کتابت را تبیین و توجیه می‌نماید.

در مخیل پیدایش اولیه خط و امر کتابت به مفهوم اصلی کلمه، اطلاعات متفن و قابل دفاع در دست نیست، بعضی از محققین ابداع این پدیده را متعلق به دژه رودسند - که مهم‌ترین تمدن در آن استقرار «مونهنجودارو»<sup>(۳)</sup> است - دانسته و برخی دیگر ظهور خط را بین النهرین و مصر اعلام نموده‌اند. اما مطالعات علمی در تمدنهای گذشته و اشیاء مکشوفه در کاوشهای باستان‌شناسی گویای این حقیقت است که ابداع و اختراع خط همزمان در

## 2- Neotitique

## 3-Mohenjo Daroo



پیشرفته‌تر از مرحله نخست بود در بیان مفاهیم بجای ترسیم کلی حالت، به نمایش قسمتی از تصویر اکتفا می‌شود. در این نوع خط مثلاً نقش خورشید به مفهوم روز، خط موج به معنای آب و شاخه نخل نمایانگر سال، انسان مسلح نشان دهنده جنگ، مار به مفهوم دشمن می‌باشد (تصویر شماره ۲). این خط توسط سومری‌ها و آکادی‌ها پیشرفت شایانی کرده و علایم اختصاری‌تر شده است.



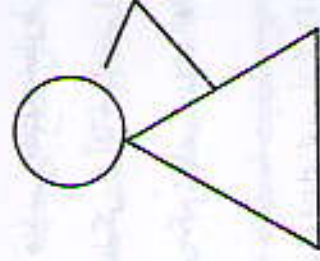
حاجت به نوکار است که این نوع خط در جوامع کنونی هم به شدت رایج و در سطح بین‌المللی دارای مفهوم واحد می‌باشد. برای مثال علایم راهنمایی و رانندگی و بعضی از مقررات جهانی را می‌توان عنوان نمود.

- مرحله سوم، خط هجایی است. در این نوع خط حروف مصور و سمبلیک به سیلاب و هجاها و اصوات تبدیل شده است. بنابراین، در این نوع خط هر علامت معروف و مبین یک هجای صوتی است. نظیر خط عیلامی. بدون شک این خط از اواخر هزاره دوم قبل از میلاد در خاور نزدیک شناخته شده است. از این نوع خط در کاوشهای باستان‌شناسی متعلق به تمدن عیلامی و بین‌النهرین به وفور بدست آمده است. قانون حمورابی یکی از مهمترین اسناد باقی مانده از این مرحله خط است.

علامات و معرفت کنونی انسانی قادر به تشخیص و درک پیام آنها نیست. بنابر آنچه که لاکور افناد می‌توان ادعا نمود که عامل خط در حد فاصل اواخر هزاره پنجم و اوایل هزاره چهارم قبل از میلاد در تمدن بشری ابداع شده است.

در توسعه جوامع پیش از تاریخ، مبادلات کالاهای تولیدی، روابط مادی و معنوی مابین اشخاص، ثبت قوانین تکامل خطوط را تضمین نموده است. گذشته از وجود بعضی از لازم اولیه در مهرهای استوانه‌ای، نتایج جستار و یافته‌ها در تکوین و تطور خطوط، فکر را این نکته اساسی رهنمون می‌سازد که حداقل چهار دوره در تکامل خطوط قابل تمییز است.

- مرحله نخست، خطوط تصویری است. در این نوع خط، مفاهیم و مضامین تنها در صورت و اشکال مورد عمل و نظر بوده و در مفاهیم محسوس، هر صورت و شکل بر یک بسته دلالت داشته است. مثلاً حیوان تیر خورده به مفهوم شکار و دست بر دهان بودن به نای غذا خوردن بوده است. (تصویر شماره ۱)



در مرحله دوم، خط مفهوم نگاری و رمزی (هیرو گلیف) است. در این نوع خط که



پهلوی از خط فنیقی تقلید و اقتباس شده و دارای ۲۵ حرف بی صدا و از راست به چپ نوشته می شود. یکی از اشکالات این خط مورد استفاده قرار دادن یک حرف در صداها و مختلف است. حاجت به تذکار است که خطوط آرامی، عبری، یونانی، سریانی، عبری و سانسکریت هم از خط فنیقی اقتباس شده اند.

نظر براین که پس از ظهور اسلام، خط و زبان قرآن کریم در ممالک مفتوحه رایج شده است. خطوط و کتابت در هنر معماری ایران هم لاجرم خط عربی و فارسی انتخاب شده، بنابراین، بیان مقدمه کوتاهی از پیشینه تاریخی خط و زبان عربی ضرورت خواهد داشت. ساکنان شبه جزیره عربستان قبل از ظهور اسلام به طایفه قحطانیه (بمنی) و عدنانیه (حجازی) تقسیم و در نهایت بدویت روزگار می گذرانیده و فاقد هرگونه سواد و کتابت بوده اند. بنابر اقوال محققین، تجارت عرب که در حیره (نزدیک کوفه) با سریانی ها در ارتباط بوده اند خط سریانی را فرا گرفته و بصورت بسیار محدود در جزیره العرب معمول ساختند. این همان خطی است که در دوران بعثت حضرت رسول اکرم (ص) مورد استفاده قرار گرفته است. مورخین عرب در کتابت خط عربی مطالب متناقضی بیان نموده اند. صاحب صبح الاحسن روایتی از ابن العباس نقل نموده و نخستین واضع خط عربی اسماعیل بن ابراهیم و به الهام از وحی خداوند تعالی اعلام نموده و ابن ندیم نیز در سیره ابن هشام نوشتن کلام عربی را به اسماعیل و اولاد او نسبت داده که در خواب به او آموخته اند. در هر حال این گفته ها اوهام و تحت تأثیر عوامل مذهبی بیان شده است و حقیقت علمی و تاریخی ندارد. بهر تقدیر آنچه که مسلم است، خط عربی ابتدایی از صدر

مرحله چهارم، خط الفبایی است. این خط ابتدا در حدود ۱۸۰۰ قبل از میلاد در تمدن فنیقی ها (لبنان کنونی) و سپس در ایران (عیلام)، مصر و یونان رایج شده است. به هر تقدیر وجود اختلاف در خطوط موجود در تمدنهای جهانی نمایانگر این واقعیت است که پدیده خط تنها در یک محل خاص و توسط یک قوم خاص ابداع نشده، بلکه انتشار پیدایش آن، متعلق به اقوام نژاد انسانی است.

قدیمی ترین خط الفبایی که مشخصاً در ایران امروزی مورد استفاده قرار گرفته خط میخی و متعلق به اواخر هزاره دوم قبل از میلاد است. این خط در منطقه خوزستان در کتیبه های سنگی، اشیاء فلزی، تابوت های مکشوفه، الواح گلی و بالاخره در عناصر و اداامهای معماری عظیم معبد چغازنبیل دیده می شود. یکی از کتیبه های نفیس عیلامی کتیبه ای است سنگی با داشتن ۱۰۷ سانی متر طول و ۷۰ سانی متر عرض و با فاصله خطوط ۱۳ میلی متر و با خط میخی و به زبان عیلامی فهرست هدایا، محافظان معبد، آداب مراسم عید مذهبی، چگونگی ذبح قربانی توضیح داده شده است. خط میخی پس از تمدن عیلامی در دوران مادها و هخامنشیان مورد استفاده واقع شده و علامات متعدد آن همسنگ کامل به ۴۲ حرف و ۳ علامت برای جداسازی کلمات تبدیل شده و این خط یکی از خطوط ساده قدیمی بوده و از چپ به راست نوشته می شود. کتیبه های متعددی در اقصای نقاط تاریخی کشور و به زبانهای فارسی باستان و عیلامی بدست آمده است.

دومین خط رایج در حوزه سیاسی ایران کنونی، خط پهلوی می باشد. این خط در حدود ۶۰۰ قبل از میلاد در سوزه های غربی امپراتوری هخامنشی مورد استفاده بوده است. خط



آخر (قرن چهارم تا قرن هشتم هجری قمری) و کاشی (از اوایل قرن هشتم هجری قمری) در بناها به خدمت گرفته شده و قدرت ابتکار و خلاقیت خطاطان و اجراکنندگان آنها به حدی است که نفیس ترین تزیینات را خلق نموده و کمتر پندیده‌ای را همچنان زده نمی‌نماید. آنچه که از این مقوله واجد کمال اهمیت است، این است که از نظر خطاط هنرمند زیبا نوشتن یک آیه از کلام... مجید علاوه برارضای حس زیبایی شناختی خویش، موجب رضایت خدای سبحان شده و نهایتاً نوعی عبادت و عبودیت در پیشگاه ملکوت اعلی می‌تواند باشد. بنابراین خطوطی که در بناهای ایرانی - اسلامی به مثابه یک پدیده هنری جلوه و جمالی یافته، فکر را به این نکته اصلی و اساسی رهنمون می‌سازد که صاحبان دست‌های خلاق و ظریفی که در ایجاد چنین خطوط توفیق یافته‌اند از نوعی اخلاص و ایمان درونی مداد چسته‌اند. بنابراین نظر است که کاربرد هنر خطاطی به عنوان یک پدیده برای هنری مطرح می‌شود.

از آنجایی که عناصر و اندامهای معماری، با دارا بودن سطوح مناسب، بویژه بناهایی با عملکرد مذهبی همانند مساجد، بناهای اماكن متبرکه، که از نظر هنری نهجگاه هنرهای تزیینی در فرهنگ و تمدن اسلامی است و در این جایگاه الهی است که هنر از سرگردانی و پراکنده‌گی رهایی چسته است هدف، جهت و وحدت یافته و زوایای آن ذوق، سلیقه و اندیشه اندیشمندان و هنرمندان خداجوی را به معرض قضاوت همگانی گذاشته است. یکی از باشکوه‌ترین پدیده‌های تزیینی این خدای خانه‌ها را کتیبه‌نویسی تشکیل می‌دهد. از آنجایی که طرح جملات و کلمات الهی، نغز و موزون بوده، نحوه ارائه و طرح نغز و

اسلام تا قرن سوم هجری قمری در تطور و تکامل بوده است و این عمل به دست اندیشمندان و خطاطان دوران اسلامی همانند نصر بن عاصم، ابوعلی محمد بن مقله وزیر ابوالحسن علی بن بلال مشهور به ابن بواب و بالاخره خطاط برجسته، یاقوت مستعصمی، جامه عمل پوشیده است. خطاط اخیر اقلام شش گانه ثلث، نسخ، ریحان، محقق، توقیع و رفیع را بسیار زیبا نوشته است.

حال پس از مقدمه کوتاهی که مذکور افتاد، انواع خطوط رایج و عوامل تزیینی آن در هنر معماری ایرانی - اسلامی مورد بحث و مذاقه قرار می‌گیرد.

خطوط منقوش در عناصر و اندامهای معماری که کتیبه نامیده می‌شود، از نظر فیزیکی، محتوایی و هنری، مفاهیم وسیعی داشته و به شدت قابل تعمق است. در این خطوط ممکن است نام بانی، سازنده یا واقف بنا نوشته شده و یا کتیبه حامل پیام و القای اندیشه‌ای بوده و یا آیات قرآنی، اسماء جلاله، فرازهایی از بزرگان مذهب باشد. اثاثیه از نظر محتوایی هر چه که باشد از نظر فیزیکی، در بنا با قدم زیبایی ارائه خواهد گردید، زیرا خط ارائه شده دارای جهت، هدف و حرکت است. و هر کدام از آنها در حالت‌های افقی (آرام بخش)، عمودی (تثقل) و مؤرب (محرك) احساسات متفاوتی را در بیننده ایجاد می‌سازد. بویژه استفاده از این پدیده در بناهای مذهبی که دارای اولوهیت و اصالت بوده و عاملی سوق دادن تفکر انسانی به جبروت اعلی و ایجاد تعقل عمیق در فلسفه عالم و اساس زندگی است، موجب کاربرد آن در بناها شده است. این عامل تزیینی در شیوه‌های مدور و روشهای گوناگون و با استفاده از گچ (از قرن چهارم تا قرن پنجم هجری قمری) و



کوفه ثقفی و ثعلبی یافت و به خط کوفی معروف گردید.<sup>(۱)</sup> هم چنین دکتر صفاء معتقد است: «از وقتی که زبان عربی با سپاهیان عرب به ایران نفوذ کرد خط عربی نیز با آن همراه بود. خط عربی به نحوی که در دوره اسلامی معمول بود در زمان قریب به اسلام از دو قوم اخذ شده، نخست از قوم نبطی در جانب حوران دوم از سریانیان از طریق حیره (نزدیک کوفه) این دو خط از خطوط سامی و برای عرب کاملاً قابل تقلید بود.

خط نخستین، منشاء، خط نسخ و خط دوم مبداء کوفی شد این خط بعدها در تزئین مساجد و سکه ها نیز مورد استفاده قرار گرفت.<sup>(۲)</sup> اما خط کوفی دارای انواع مختلف است و رایج ترین آنها به کوفی ساده، مشجر، مؤرق، مزهر، معقل تقسیم می شود.

#### - کوفی ساده:

این نوع خط از نخستین خطوطی است که در بناهای تاریخی علی الخصوص مقبره مورد استفاده قرار گرفته و سادگی خطوط، تزئینی بودن آن را تضمین نموده است. (طرح

شماره ۳).



۱- مقدمه ابن خلدون - صفحه ۸۳۹.

۲- دکتر فیض... صفاء، تاریخ ادبیات در ایران سال ۱۳۳۸ - صفحه ۱۵۴ و ۱۵۵.

موزونی را می طلبید، هنرمندان خطاط به جهت ارج نهادن به کلام قرآنی مبنی بر اصالت و اعتبار قلم و کتابت و نمایش دادن عبادت و عبودیت خود به پیشگاه احدیت، سطوح عناصر و اندامهای معماری مقدس را انتخاب نموده، اسماء...، کلمات مقدس، آیات قرآن را با خط خوش و شکوه تمام منعکس شده است. استفاده از این پدیده در معماری اسلامی به خدای است که گوئی شناسنامه ای بر آن شده است.

کتیبه نویسی در بناها در شیوه های متفاوت و مصالح گوناگون به خدمت گرفته شده، از جمله چهارم تا قرن ششم و هفتم بناها شاهد کتیبه های زیبا و پرکاری است که با استفاده از حج و تزئین یافته اند. در همین دوره و همزمان با آن، خطاطان هنرمند با عنصر آجر، آهک، پیام، انکار و عقاید سازندگان بناها را در تاریخ ثبت و ضبط نموده اند. هنر نمایی در عناصر تزئینی به خدای است که بعضاً تزئینات آن از مرز هنر برای هنر گذشته و هنر ای خدا و عقیده مطرح شده و لذا ایجاد هیجان می نماید.

بهر تقدیر و در کلیات مطالعه در عناصر و اندامهای خطاطی شده در معماری مذهبی اندام گویای این حقیقت است که خطوط رایج در این بناها کوفی، نسخ و ثلث می باشد.

#### خط کوفی:

از قدیمی ترین خطوطی است که در شیوه های گوناگون در بناهای اسلامی بویژه مقبره ساخته شده، در باب وجه تسمیه خط کوفی ابن خلدون می نویسد: «این نوع خط در شهر



است. این کتیبه در سمت چپ ایوان شرقی با استفاده از عنصر آجر طراخی و نوشته شده است. این کتیبه بی‌بدیل به نحوی طراخی شده که حروف (م - ح) محمد (ی) علی و حروف (د) محمد حروف (ع) علی است. (طرح شماره ۵).



کتیبه با متن «الله و محمد» خط موشح دیگری است که در سقف طاق مرکزی ایوان طبقه دوم ضلع جنوبی گنبد سلطانیه را مزین نموده است. در این کتیبه کلمه «الله» به خط نسخ در وسط و کلمه «محمد» به سبک کوفی مؤرق پنج بار تکرار شده و کل کتیبه در داخل مدالی است که از خطوط اسلیمی تشکیل یافته است. (طرح شماره ۶ و ۷).



- کوفی مؤرق:

یکی از زیباترین خطوط کوفی تزیینی است. عامل تزیینی این خط، قرار گرفتن حروف و کلمات در داخل گل و برگ و شاخه‌هاست. در بعضی از موارد انتهای حروف و کلمات من شده و در این صورت خط، مشجر مؤرق نامیده می‌شود. (طرح شماره ۴).



- کوفی موشح:

خط کوفی موشح خطی است که حروف و کلمات در آن طراخی و خطاطی شده و به تزیینی آن بروجوه خطاطی غلبه نموده است. این نوع کتیبه‌ها معمولاً در داخل مساجد، پلاک‌ها و مدال‌های گوناگون طراخی و با استفاده از عناصر و مصالح گوناگون شده است.

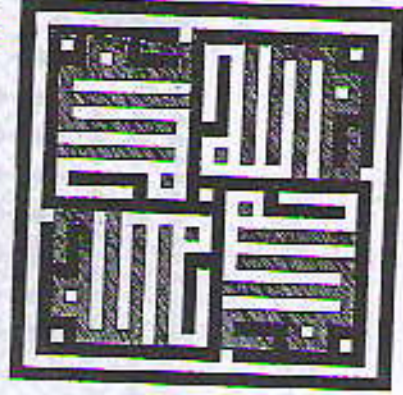
کتیبه‌های موشح گنبد سلطانی یکی از نادرترین بناهایی است که انواع خطوط رایج در معماری مذهبی مورد استفاده قرار گرفته است.

کتیبه با متن «محمد - علی» یکی از زیباترین کتیبه‌های این نوع خط در گنبد سلطانیه



تیموری اعلام نموده‌اند.

اما تحقیقات دقیق در بناها نشان می‌دهد که این پدیده همزمان با خدمت گرفته شدن عنصر کاشی در بناها، ابداع شده است. اصولاً کوفی بنایی زیبا با ترکیب و تلفیق عنصر کاشی با آجر می‌تواند پدیدار شود. از آنجایی که استفاده از کاشی در مقیاس وسیع در بناهای مذهبی از اوایل دوران ایلخانی قابل رویت است، بنابراین انتساب ابداع این پدیده هنری به دوران ایلخانی صحیح خواهد بود. مضافاً براین که مطالعه در کتیبه‌های معقل در بناهای مذهبی هم نظریه مزبور را مورد تأیید قرار می‌دهد. بهر تقدیر کوفی معقلی با بنایی، خطی است که حروف و کلمات با زوایای تند به همدیگر متصل شده و شکل کلی کتیبه‌ها هندسی است. با عنایت به محدودیت سطح کتیبه و لزوم نوشته شدن کل متن در یک سطح محدود، نوشتار این نوع خط را دشوارتر می‌نماید. فلذا هم نوشتن و هم خواندن آن مستلزم دقت مضاعف خواهد بود. بویژه این که، کوفی معقل از نوع دشوار، در ردیف زیباترین و در عین حال مشکل‌ترین کتیبه‌های موجود در عناصر و اندامهای معماری مذهبی قرار دارد. (کتیبه شماره ۸)



کتیبه با متن (الله لا اله الا هو الخی القیوم...) آیه ۲۵۵ و ۲۵۶ سوره بقره) این کتیبه در سطح قوس فوقانی ایوان شرقی با استفاده از عنصر آجر و به خط کوفی قفل نوشته شده است. عامل تزئینی این خطوط را گره خوردن انتهای حروف در یکدیگر نامین می‌تواند. نوع خطوط در آثار اسلامی کشورهای عربی، بویژه کشور مصر در وسعت نسبتاً زیاد خدمات گرفته شده است.

### کوفی معقل:

کوفی معقل که خط بنایی هم نامیده می‌شود، یکی از زیباترین خطوط رایج در بناهای اسلامی - ایرانی است. در باب وجه تسمیه این خط نقل و قول‌های متعددی بیان شده. صاحب کتاب تفایس الفنون فی عرایس العیون<sup>(۱)</sup> که در نیمه اول قرن هشتم هجری قمری شته شده در بعضی از نسخ کلمه «معقلی» را کلمه «عملیقی» نوشته است، که یقیناً جای سکال دارد. در کتاب المنجد در ذیل کلمه «معقل» حصن و پناهگاه در کوه بلند آمده است. بر این که در این نوع خط، کلمات و حروف در داخل یک محدوده معین و مشخص مانند حصن قرار میگیرند، می‌تواند تا حدودی قابل تعمق باشد. اما میرعلی حسری نوایی به سال ۹۵۱ هجری قمری در کتاب (مدادالخطوط) می‌نویسد: «... معقلی بر آن گویند که مثل معقل است...» یعنی خواندن آن مثل معقل و تفکر می‌طلبد. در مورد ابداع این خط و استفاده از آن در معماری، نظریات مختلفی ارائه شده و عده‌ای از پژوهشگران ابداع این نوع کوفی را به قبل از اسلام و بعضی دیگر استفاده از این نوع خط در بناها را از عصر

محمود آملی - تفایس الفنون فی عرایس العیون...



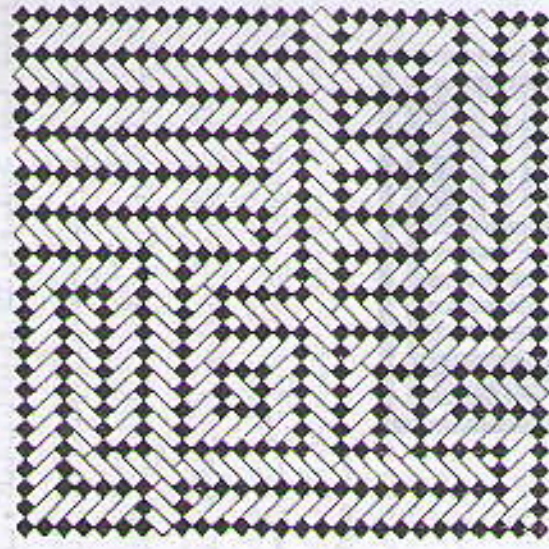
ترکیب بدیعی را فراهم آورده است. (تصویر شماره ۱۰)



کتیبه با متن «السلطان اولجایتو ظل الله - غمد الله ملکه و سلطانه» این کتیبه به خط کوفی بنایی در طوقین ایوان جنوب شرقی در طبقه هم کف ضمن تلفیق آجر با کاشی، نوشته شده و حروف و کلمات را کاشی فیروزه‌ای تشکیل داده است. (کتیبه شماره ۱۱ و ۱۲)



گنبد سلطانی یکی از بناهای مهمی است که کتیبه‌های متعددی به خط کوفی بنایی در آن نوشته شده است. کتیبه با متن «سبحان الله» این کتیبه در سطح ایوان شرقی طبقه هم کف با استفاده از تلفیق آجر با کاشی نوشته و ۵ بار تکرار شده است. این متن به نثانه یکی از شعارهای اسلامی در بناهای متعددی همانند مسجد میر چخماق یزد، مورخ به سال ۸۴۱ هجری قمری و مسجد امام اصفهان مورخ به سال ۱۱۰۰ هجری قمری نوشته شده و لیکن کتیبه‌های گنبد سلطانی بسیار زیاده و پرکارتر از بقیه است. (کتیبه شماره ۹)



کتیبه با متن (محمد و علی). این کتیبه در پشت بغل قوس ایوان شرقی، مشرف به صحن شرقی نوشته شده است. کلمه علی با سه بار تکرار، با پرسپکتیو بسیار و به فرم مکعب در وسط قرار گرفته و کلمه محمد با سه بار تکرار، آن را دربر گرفته و تکرار این فرم،



انبیاء (۳۱) نوشته شده، ارتفاع کتیبه تقریباً ۳ متر و با دو خط به رنگ آبی تیره در متن سفید نوشته شده است.

هم چنین کتیبه‌های متعددی با متن احادیث، اسماء جلاله، آیات قرآنی به خط ثلث زیست، بخش آنها گردیده که هر کدام از آنها مستلزم بحث مستقل و مطول است. (۱)

#### بسی نوشته‌ها:

- ۱- دکتر ذبیح‌الله صفا - تاریخ ادبیات در ایران
- ۲- حبیب‌الله فضایی - اطلس خط - انتشارات مشعل اصفهان
- ۳- ابن خلدون - مقدمه ابن خلدون
- ۴- محموداملی - تفایس الفنون فی عرایس العیون
- ۵- ابن الندیم - الفهرست
- ۶- هوشنگ نبوتی - بررسی آثار تاریخی سلطانیه
- ۷- هوشنگ نبوتی - آرامگاه اولجا تو

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: بررسی آثار تاریخی سلطانیه - هوشنگ نبوتی

کتیبه با خط کوفی مغنل در بناهای مذهبی متعددی همانند بناهای اصفهان، مشهد، بروجرد، کرمان، سمنان و بناهای متعدد دیگر در اقصی نقاط کشور به خدمت گرفته شده است.

#### خط ثلث:

یکی دیگر از خطوطی است که در تزئین اندامهای معماری مذهبی از اهمیت و ارزش بسیار بالایی برخوردار است. محققین گذشته، ابداع این قلم را به شخصی موسوم به (قطبه‌مکرم بزرگ عهد بنی امیه نسبت داده‌اند. ابن ندیم می‌نویسد:

«أول خطاط عهد بنی امیه قطبه بود و وی چهار خط از اقلام موجود را از کوفی استخراج کرد و بعضی دیگر را از بعض دیگر مشتق ساخت و او یگانه نویسنده خط عربی در روی همین بشمار میرفت. (۱) در مورد وجه تسمیه این خط در متون کهن از جمله صبح الاعشی آمده است: «از جمله به اعتبار این که قلم ثلث بر  $\frac{1}{3}$  مساحت طوماری نوشته می‌شد، ثلث امیده شده است. اثنا عوامل تزئینی این خط در معماری، مبسوط بودن حروف و قرار گرفتن آنها در داخل یکدیگر بطوری که خواندن آن مشکل شود. همچنین قوس گرفتن خطوط، وجود اعراب، تجزیه حروف، بسته شدن کلمات و حروف موجبات زیب و زینت این قلم را فراهم آورده است. قسمتی از عناصر و اندامهای کتب سلطانی به قلم زیبای ثلث از نوع جلی تزئین یافته است. بزرگترین کتیبه به خط ثلث در بناهای عالم، کتیبه فوقانی گنبد است. در با طاق گنبد در قسمت زیرین ترمیم‌ها آیات ۱۵۵ الی ۱۱۲ سوره مبارکه

ابن الندیم - الفهرست - صفحه ۱۶





دیدار و گفتگو با استاد دکتر یوسف ثبوتی

دانشمند برجسته فیزیک و رئیس مرکز تحصیلات تکمیلی

در علوم پایه زنجان

\* آشنایی اجمالی با حیات علمی استاد :

آقای دکتر یوسف ثبوتی به سال ۱۳۱۱ در شهر زنجان دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدائی را در دبستان توفیق زنجان در سال ۱۳۲۳ به پایان رساند و برای گذراندن دوره متوسطه به دبیرستان توفیق و سپس پهلوی (سابق) زنجان رفت و در سال ۱۳۲۹ از دبیرستان مذکور دیپلم متوسطه را اخذ کرد. وی پس از فراغت از تحصیلات متوسطه در رشته فیزیک، دانشگاه تهران پذیرفته شد و دانشنامه کارشناسی فیزیک را در سال ۱۳۳۲ از دانشگاه تهران کسب کرد. در فاصله سالهای ۱۳۳۵-۱۳۳۲ به دبیری د



دروس مکانیک کوانتومی در سال ۱۳۲۵ و نسبت عام در سال ۱۳۵۱ برای اولین بار در تاریخ دانشگاههای ایران از پیش آهنگی های دکتر نبوتی است. پیشنهاد تأسیس کتابخانه منطقه ای علوم و تکنولوژی در شیراز (۱۳۷۰) به وزیر وقت فرهنگ و آموزش عالی با همکاری آکادمی علوم جهان سوم و پیگیری موضوع تا مرحله تحقق آن نیز از کوششهای ایشان است. طرح و پیگیری و تأسیس مرکز تحصیلات تکمیلی در علوم پایه زنجان از سال ۱۳۶۹ (دانشگاهی که تنها به آموزش علوم پایه در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا می پردازد) از ابتکارات دکتر نبوتی است.

وی تا به حال بیش از سی و پنج طرح تحقیقاتی را به تصویب رسانیده که کار سی طرح آن پایان یافته است و بقیه در دست اجرا می باشد. به قلم ایشان تاکنون بیش از پنجاه مقاله تخصصی در مجله های خارجی به چاپ رسیده است. همچنین دو کتاب را از زبان انگلیسی به زبان فارسی برگردانده که مشخصات آنها چنین است:

الف - تحول ستارگان، ترجمه دکتر یوسف نبوتی، انتشارات دنا، تهران، سال ۱۳۶۳.

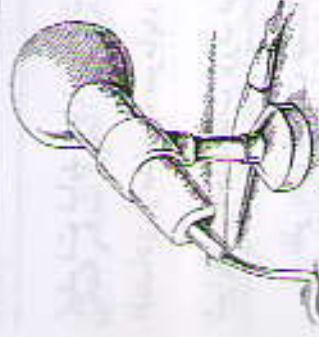
ب - فیزیک گرما، ترجمه دکتر یوسف نبوتی و محمدرضا حیدری خواجه پور، انتشارات نشر دانشگاهی، تهران، سال ۱۳۷۶.

دکتر نبوتی در خلال امور آموزشی و پژوهشی، در مجامع متعدد و مختلفی در داخل و خارج از کشور عضویت داشته است. از جمله، عضویت در جامعه منجمین آمریکا (۱۳۴۸ تاکنون)، عضویت در اتحادیه بین المللی نجوم (۱۳۵۰ تاکنون)، عضویت در آکادمی علوم جهان سوم (۱۳۶۶ تاکنون) عضویت در فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸ تاکنون) عضویت در انجمن فیزیک ایران (۱۳۵۰ تاکنون)، عضویت در هیأت مشاوران مجله علوم و تکنولوژی ایران و عضویت در شورای علمی مرکز

روستاهای تبریز مشغول بود. از سال ۱۳۳۵ به مدت دو سال در سازمان نقشه برداری ایران که بنا بر تأسیس شده بود فعالیت کرد. در ۱۳۳۷ برای ادامه تحصیل در دوره کارشناسی ارشد، راهی کشور کانادا و از دانشگاه تورنتو کانادا مدرک فوق لیسانس «فیزیک» با گرایش «ژئوفیزیک» را در سال ۱۳۳۹ گرفت. دکتر نبوتی دست از تحصیل و تحقیق برنداشت و جهت گذراندن دوره دکترای تخصصی به کانادا رفت و از دانشگاه شیکاگو در سال ۱۳۴۲ به اخذ دانشنامه دکترای تخصصی در رشته (نجوم و ژئوفیزیک) اائل آمد. سابقه فعالیت های آموزشی و پژوهشی دکتر نبوتی در دانشگاه شیراز به سال ۱۳۴۱ می رسد که در بخش فیزیک دانشکده علوم دانشگاه شیراز، با مرتبه دانشباری شروع به فعالیت کرد. وی در سال ۱۳۵۰ به مقام استادی بخش فیزیک دانشگاه شیراز دست یافت و اکنون استاد پایه ۲۱ بخش می باشد. دکتر نبوتی در دانشگاه های بزرگی همچون دانشگاه نیوکاسل انگلستان، پستولانیای آمریکا، استودام هلند و شیکاگو و نورت ایسترن آمریکا سابقه فعالیت های آموزشی و تحقیقاتی دارد. استاد و تأسیس رصدخانه ابوریحان بیرونی (۵۵-۱۳۵۱) و از قوه به فعل درآوردن تحقیقات نجومی و در ایران از ابتکارات و مساعی دکتر نبوتی است. پیش از چهل مقاله پژوهشی به نام این رصدخانه مقالات بین المللی چاپ شده که قریب به سی مقاله آن به قلم ایشان می باشد. تأسیس رشته فیزیک طبع کارشناسی ارشد شیراز در سال ۱۳۴۵ به همت سه نفر از استادان بخش فیزیک و در رأس آنها دکتر نبوتی انجام گرفته است. تأسیس و پیگیری و تدویم دکترای فیزیک دانشگاه شیراز نیز از سال ۱۳۶۷ به نام این مساعی نامبرده است.

دکتر نبوتی تاکنون راهنمایی و هدایت بیش از سی پایان نامه کارشناسی ارشد و هفت پایان نامه دکتر به عهده داشته است و طیف وسیعی از دروس مربوط به این دوره ها را تدریس کرده است. تدریس





با سلام و سپاس از فرصتی که در اختیارگردانندگان

فصلنامه گذاشته‌اید لطفاً به چند سؤال ما پاسخ بفرمایید.

**حضر تعالی به عنوان یک شخصیت علمی، فرهنگی که پرورش یافته این مرزوم و هستی به نسبت به بافت و ساختار فرهنگی، اجتماعی گذشته استان آشنایی دارید و پس از مدت مدیدی دوباره به استان تشریف آورده‌اید، در مقایسه گذشته با حال چه تحولات و تغییرات فرهنگی در استان صورت گرفته است؟**

این استان و مردم آن جدا از بقیه استانها و مردمان نیستند و شاخصه به هنجار یا ناپهنجاری نمی‌توان به آنها نسبت داد. زنجانیان هم مثل بقیه مردم این آب و خاک سازه فرهنگی عمیقی و تاریخی دارند. در گذشته محلی از اعراب را اشغال می‌کرده‌اند. تا شصت هفتاد سال پیش مثل بقیه کشور و شاید هم مثل بسیاری از کشورهای همجوار با علم روز، دانشگاهی جدید نآشنا بوده‌اند. بتدریج پیش‌تر آمده و به روز شده‌اند. در دستیابی به آگاهی‌های اجتماعی و اقتصادی، علمی، تکنولوژیکی و به طور کلی هر تحول دیگر در هست گماشته‌اند و به درجه‌ای از پیشرفت و معرفت رسیده‌اند. به نظر بنده سهم‌شان در این تلاش کمتر یا بیشتر از سهم بقیه نبوده است. ممکن است بعضی‌ها زنجان و استان را مثلاً اصفهان و تبریز مقایسه کنند و بوم‌نمای شواهد عینی نتیجه بگیرند که شهر و استان‌ها

بهمن افشار فیزیک نظری (ترست ایتالیا) و عضویت در شورای عالی کتابخانه منطقه‌ای علوم و تکنولوژی شیراز و... قابل ذکر است. همچنین ایشان مسئولیت‌هایی از قبیل:

ریاست بخش فیزیک دانشگاه شیراز در دوره (۵۲-۱۳۵۲ و ۵۹-۱۳۵۷) برای قریب به پنج سال، عضویت هیئت مدیره و ریاست انجمن فیزیک ایران ۶۹-۱۳۶۳، دبیر کل دفتر منطقه‌ای شبکه سازمان‌های علمی جهان سوم (۱۳۷۰ تاکنون) را بر عهده داشته است. دریافت مدال درجه یک پژوهشی وزارت علوم و فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۷۳، سمت محقق ارشد استیووی نجوم و استروفیزیک دانشگاه آستردام، سمت محقق مدعو بخش فیزیک نوریت استون بوستون آمریکا و عضو وابسته مرکز بین‌المللی فیزیک نظری و... بخشی از افتخارات علمی دکتر نبوتی محسوب می‌شوند.

دکتر نبوتی دارای سه فرزند (دانشجوی دوره دکترای تخصصی ژئوفیزیک دانشگاه مک کیل، فارغ‌التحصیل دانشگاه علوم پزشکی شیراز و دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و فنون مازندران هستند) می‌باشد.





تأثیر گسترش مراکز علمی، فرهنگی و مراکز دانشگاهی را در تحولات فرهنگی استان چگونه می‌دانید؟

از خصوصیات آموزشهای دانشگاهی این است که از محسوسات صحبت می‌کند، بر رابطه علت و معلول تأکید می‌گذارد، احکام نهایی خود را با میزان تطابق آنها با مشاهدات ارزیابی می‌کند. نه تنها از جزئیت‌گیرانند بلکه در هر حکمی تشکیک و تردید را مروج می‌دانند. در دانشگاه‌های مربوط به عالم محسوسات دانشمندان بزرگ وجود دارند و مدام بوجود می‌آیند. ولی هیچکدام به درجه تقدس ارتقا نمی‌یابند. قابل نقد می‌مانند و احتمال ابطال نظرانشان وجود دارد. آموزشهایی با این خصوصیات تفکر تحلیلی را ارتقا می‌دهد و جامعه را برای پیشرفتهای فیزیکی و دنیائی آماده می‌کند و توان می‌بخشد. وارد این بحث که آموزشهای اخلاقیات را هم غنا می‌بخشند یا برعکس نمی‌شوم. همین قدر براین باورم که شجاعت و شهامت و تهور و صفائی از این قبیل در شرایط استعدا و بی‌نیازی بیشتر مجال عرض پیدا می‌کنند تا در مقام نیاز و ناآگاهی.

علل مهاجرت بسیاری از شخصیتهای علمی و فرهنگی برجسته استان به تهران و سایر نقاط کشور را در چه می‌دانید و راههای جذب چنین نیروهایی کدام‌اند؟

در محیطهای کوچک با امکانات محدود می‌توان یادگرفت ولی نمی‌توان یادگرفته‌ها را در همان شرایط بکار برد. محیطهای کوچک ساده هستند و تفاضا برای ظرایف پیچیدگیها ندارند. بنابراین طبیعی است فردی که برای یادگرفته‌ها و تخصص‌اش بازار نمی‌بیند به دنبال عرضه آن در شهر و کشور دیگری باشد. روزگار تا بوده چنین بوده است

پیشرفت شاید و باید را نداشته است. ولی باید توجه داشتند که شکوفائی شهری، اقتصادی و مدنی به سرمایه، نیروی انسانی، ماهر و کار جمعی مداوم و پیگیر نیاز دارد. این شرایط در اجتماعات بزرگ فراهم‌تر از اجتماعات کوچک است. به نظر بنده قسمت عمده دست‌آوردهای مردم ایران ناشی از جبر زمان و پیشرفتهای کل دنیا بوده است. جهان متحول بوده و ما نمی‌توانسته‌ایم در سکون باشیم. دلیل برای اثبات نظرم این است که جوامعی را می‌توان سراغ گرفت که از یکصد سال پیش هم‌ردیف ما بوده‌اند. ولی برائز سیاستهای خاص خود الان از ما پیشی گرفته‌اند. از این جوامع در معروف و جنوب آسیا زیاد می‌توان سراغ گرفت. از طرف دیگر کوشش و تلاش مردمان را نباید دست کم بگیریم. عالماً و عامداً سعی کرده‌ایم که با دنیای دانش و تکنولوژی همراه شویم و توفیقاتی هم داشته‌ایم. مثلاً در خدمات پزشکی و درمانی کمتر از دیگران داریم. در بعضی خدمات مهندسی خودکفا هستیم. در بعضی از رشته‌های علوم و معرفت افرادی داریم که حرف متخصصین و متبحرین دنیا را می‌فهمند. میانی آموزش دبستانی و اهرستانی و دانشگاهی مان طوری هست که دانش‌آموختگانمان را در سطحی عرضه کنیم که اگر به درد خودمان نمی‌خورند به درد جوامعی که آماده‌ترند بخورند. دلیل برای این نظر محترم این است که در میان کشورهای همسایه‌مان جوامعی سراغ داریم که در یکصد سال پیش هم‌ردیف ما بوده‌اند و در حال حاضر به درجه کمائی که ما نایل شده‌ایم نرسیده‌اند. به این شعور عمومی و تلاشی که چند نسل گذشته کرده است باید ارج نهاد و روی آن حساب سرمایه‌گذاری کرد و برآن افزود.



دانشمندان و فقیهان دانای خود چه کار کرده است، چه میزان سرمایه‌گذاری کرده، تا چه اندازه به نکته ظریفی که در بالا اشاره کردم وقوف و اشراف داشته است و دارد.

با توجه به ساختار کنونی فرهنگ استان، برای مسئولان استان جهت نیل به توسعه فرهنگی چه رهنمودهایی ارائه می‌فرمائید.

ناظران و ناآگاهان فراموش نکنند که برای مسئولان رهنمود داشته باشم و نسخه مدیریت بهیچم، نظرم را در بالا گفتم و بار دیگر خلاصه می‌کنم. توسعه از هرگونه که باشد نیاز به نیروی انسانی، سرمایه و بازار تقاضا دارد. نیروی انسانی نیازهای بشری متعارف دارد و آوردن آنها را طلب خواهد کرد. در غیر اینصورت مهاجرت می‌کند. سرمایه به دنبال فرصتهای سودآوری و امنیت است و در هرکجا که باید به آنجا منتقل می‌شود. بالاتر از همه مسئله بازار تقاضا برای شکوفایی فرهنگی است. جامعه‌ای که در تب و تاب کشمکشها و بحث و جدلهای فرهنگی نیست و کمبودهایی در خود نمی‌بیند و هرآنچه را از اخلاق و سنت و عادات و رسوم دارد بی‌عیب می‌بیند و بعضاً تقدیس می‌کند بازار پرفروشی برای عرضه منابع نخبگان خود نخواهد داشت.

یکی از بحث‌های عمده در جامعه، سنت‌گرایی و مدرنیسم می‌باشد به نظر حضرت‌عالی این دو پدیده در امتداد هم هستند یا در مقابل هم؟

مدرنیسم را در استفاده از تکنولوژی و دانش، نظام فکری و اجتماعی و اخلاق جهانی روز می‌بینم. سنت‌گرایی را هم تقلید به آداب و رسوم و عادات و اخلاق خاص هر اجتماع تعبیر می‌کنم. خرید تکنولوژی آسان است و در این کار مهارت طولانی داریم. یاد گرفتن و

در سالهای پیش از تجدیدگرایی کشور، طلابی که در مدارس و حجره‌های مساجد همان صرف و نحو و مبانی فقهی و معارف دینی را یاد می‌گرفتند برای تکمیل و عرضه آن لطف و کربلا و قم مهاجرت نمی‌کردند و اکثراً هم ماندگار نمی‌شدند. چه شده است و این شهر و استان چه رخ داده است که از فرزندان امروز آن انتظار داشته باشیم این سنت را برای راکتار بگذارند و در همین استان بمانند.

در برنامه‌ریزیهای اجتماعی به یک نکته ظریف هم باید توجه شود. اینکه بشر خدا دیده، نقاط ضعف و قوت دارد. اکثر آنها از لحاظ تواناییهای جسمی و فکری و خصوصیات ذهنی و روانی و اخلاقی و اجتماعی و فردی متوسط هستند. قهرمانها و مولوها و نایبها در هر اجتماعی و در هر زمان و مکانی نادرند همانطوری که مجتهدین، کدو

ها، جانبیان بالنظر هم در همه جا و همه زمان کم پیدا می‌شوند. بنابراین عمده برنامه‌ریزیهای اجتماعی و رکن مدیریت‌های شهری و استانی و کشوری باید برای استفاده بهینه از استعدادها و تواناییها و تقاضاهای آدمهای متوسط باشد. باید بد که یک صنعتگر خوب یک پزشک ماهر یا یک شاعر و ادیب و هنرمند با ذوق یا یک دانشمند یا فقیه متبحر یا یک قاضی دانا و متقی، ولی همه با خصوصیات انسانی متوسط، به تقاضاهایی دارند و برای عرضه استعداد و تواناییهای خود به چه نیازمندند. و اگر اجتماع لازم می‌بیند چنین افرادی را داشته باشد باید آن شرایط را بوجود آورد و آن نیازها برآورده سازد. حالا با این مقدمه مبسوط در جواب سؤال شما، سؤال می‌کنم این شهر و استان برای نگهداری صنعتگران ماهر، پزشکان متبحر و ادیبان و هنرمندان با ذوق و





## کشت سیر به عنوان محصول دوم در زنجان

□ دکتر جعفر محمدی \*

### مقدمه:

کشاورزان (سبزیکاران) منطقه زنجان به علت محدودیت آب و هوایی، متأسفانه از زمین های خود بهره برداری خوبی نکرده و به تولید یک نوع محصول در سال اکتفا کرده اند. با توجه به آزمایشهایی که انجام شده و تجربه کافی بدست آمده، توصیه می شود از زمین های خود برای بیش از یک محصول استفاده کنند. البته پذیرش این نظر در ابتدا

\* عضو هیئت علمی گروه باغبانی - دانشکده کشاورزی دانشگاه زنجان، تاکنون کتب تألیفی و ترجمه شده بسیاری از ایشان منتشر گردیده است.

تولید تکنولوژی رحمت و مروت دارد و در این زمینه معجزه های نشان نداده ایم. اخلاق و تفکر جهانی با اخلاق و تفکر اجتماعی جوامع ما در مواردی همآهنگ بوده و مورد قبول واقع شده اند و در مورد فراوانی هم رویارو قرار گرفته اند. اکثر جوامع جهان سومی نسبت به این رویاروییها حساس اند و راه را به بحث علمی می بندند. نظر خودم را سر بسته می گویم. بسیاری از آداب و سنن را که تا مرحله تقدیس بالا برده ایم ارزشمند می دانم ولی به گذشته تعلق دارند و باید مانند اشیاء موزه ای تلقی شوند. شرط همگامی علمی و صنعتی با دنیا هم آمنگی فرهنگی و فکری است و مؤخره و مقدمه لازم و ملزوم هم اند.

استاد از اینکه فرصتی در اختیار فصلنامه گذاشتید سپاسگزاریم و توفیق روزافزون شما را خواستاریم.



در این گیاه می شود آلبسین نام دارد و از مجموعه ترکیبات آلی گورگردی تشکیل شده است. جدول ۱- املاح معدنی و ویتامین های موجود در سیر (میلی گرم در ۱۰۰ گرم وزن تر)

کلسیم	فسفر	آهن	سدیم	پتاسیم	ویتامین A	ویتامین B <sub>1</sub>	ویتامین B <sub>2</sub>	ویتامین C
۱۵	۰/۷	۰/۱۱	۲۰	۵۴۰	۰	۰/۲۰	۰/۱۱	۰/۷
۱۵	۱۹۵	۱/۷	۱۰	۵۴۰	۰	۰/۲۰	۰/۱۱	۰/۷

از بین این مواد، ترکیبات، سنتی و اتوسلی دارای اهمیت بیشتر هستند.

سیر به علت دارا بودن املاح ید و سیلیس در تنظیم گردش خون مؤثر است و به علت دارا بودن آنتی بیوتیک برای درمان بیماری های باکتریایی از دیرزمان توصیه می شده است. تاریخچه تجویز سیر به زمان بطراط (۳۷۰ تا ۴۶۰ قبل از میلاد مسیح) برمی گردد. او سیر را بیش از هر چیزی به عنوان داروی پاک کننده دستگاه گوارش مکرراً توصیه می کرده است. سیر به عنوان دارویی که انسان را در برابر طاعون محافظت می کند، در سال ۱۶۶۵ در لندن از اعتبار فراوان برخوردار بوده و توسط پزشکان به مردم توصیه می شد.

در کتاب سبزیها و میوه های شفابخش آورده است: در طاعون سال ۱۷۲۶ (مارسی)، واقع در سواحل جنوب فرانسه چهار نفر دزد که با استفاده از سیر و سرکه در برابر طاعون، مصونیت یافته بودند، با خیال راحت به غارت اموال طاعون زدگان می پرداختند.<sup>(۲)</sup> پس از مدتی سارقین دستگیر و به مرگ محکوم شدند، ولی، آنان در ازاء فاش ساختن اسرار سیر و سرکه، برای مأمورین اعدام، از مرگ حتمی رهایی یافتند.

تشکیل است، ولی به کشاورزان عزیز باید اطمینان داد که در این راه مشکلی نخواهند داشت.

محصولی که در این مقاله معرفی خواهد شد؛ سیر می باشد. نخست کشت سیر در بهار است که نیازی به عملیات زیاد و حتی آب زیاد ندارد و ضمناً کشت سیر در زمانی از سال صورت می گیرد که کشاورز زمین خود را رها می کند، زیرا کشت سیر در پاییز انجام و در اواخر بهار برداشت می شود و لذا می توان پس از برداشت یا کمی قبل از آن اقدام به کشت محصول دوم نمود. البته امکان کشت محصول در فواصل محصولات که باز زمین حاصل می شود وجود دارد که انشاء... در مقالات دیگر به آنها اشاره خواهد شد. در این مقاله فقط به کشت سیر به عنوان محصول دوم پرداخته می شود.

### اهمیت اقتصادی و غذایی و دارویی سیر:

سبزی گیاهی است دائمی و مقاوم به سرما، ولی از آن به منظور تولید محصول به صورت کساله استفاده می شود. سبزی یکی از محصولات باغی ارزآور و اقتصادی است. با توجه به ارزش غذایی و دارویی که دارد، برای تهیه فراوری های مختلف مثل بودر سیر، ترشی، ترنس و... استفاده می شود.

حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد مواد متشکله سیر را آب تشکیل می دهد، لذا مقدار مواد خشک آن نسبت به سایر سبزیها بیشتر است. سیر حاوی حدود ۳۰ درصد کربوهیدرات، ۱۰ درصد چربی و ۷ درصد پروتئین است. مقدار کمی املاح معدنی و ویتامین های مختلف در این گیاه موجود است (جدول شماره ۱). ماده آلی که باعث ایجاد طعم مخصوص



درجه‌ای از سیر در طبقات‌های گسترده‌ای بر علیه بیماری‌های قارچی استفاده می‌شود. از خواص دیگر سیر می‌توان به خاصیت ضدلخته شدن خون اشاره کرد. عصاره سیر مانع تجمع پلاکت‌ها می‌شود.

سیر مانع مستلزم کلسترول در کبد شده و تری‌گلیسرید پلاسمای را کاهش داده و از تولید آنیدهای چرب می‌کاهد. سیر محافظت خوبی برای جلوگیری از مصرف بیش از حد آنتی‌بیوتیک می‌باشد. از خواص درمانی سیر می‌توان به درمان سردرد و میگرن، مسامحت از سنگه مغزی، کاهش فشار خون، کاهش چربی خون، تقویت قلب، کاهش قند خون، درمان آب آوردن شکم، دفع سنگهای مجاری ادرار و صفراوی، درمان گاستریت (ورم معده)، صفراوری، درمان اسهال خونی، رفع کننده اقباس ادرار، خلط‌آوری، ضد تومور، داروهای های پوستی، ممکن درد و الیام زخم، ضد التهاب، رفع گزیدگی و پیشگیری و درمان سرطان اشاره کرد.

با توجه به اهمیت غذایی و درمانی سیر، سطح زیرکشت آن و مقدار عملکرد آن هر ساله در واحد سطح افزوده می‌شود (جدول ۲).

آسیا از لحاظ تولید سیر در جهان با تولید بیش از ۸۲٪ از کل تولید محصول جهان، مقام اول را دارد. چین در قاره آسیا ۶۳٪ از تولید محصول سیر دنیا را برعهده دارد. تولید سیر در چین بیش از تولید بهار خشک است. براساس مصرف سرانه جمهوری کره بیشترین مصرف را دارد.

رومان، یونانی‌ها، سیر را به عنوان نوشدارو مصرف می‌کردند. در نوشته‌های چینی‌ها آمده است که طبیب‌های چینی از سیر برای درمان استفراغ استفاده می‌کردند.

سیر در انگلستان به عنوان غذای اشتهاآور، مقوی، اکسپکتورانت، تب‌بر، عرق‌آور، ضد انگل و... توصیه می‌شود.

در شوروی سابق و برخی از کشورهای اروپایی، بچه‌ها را از اوایل پائیز به خوردن سیر عادت می‌دادند و در طول زمستان آنها را در مقابل سرماخوردگی، زکام، سرفه و مشکلات روماتیسمی مقاوم می‌کردند.

نقش سیر در بیماری‌های قلبی نیز زیاد است. سیر در کاهش حملات قلبی بسیار مفید می‌باشد. سیر ایجاد کننده تعادل در غذاها بوده و از بین رفته رسوبات زیان‌آور چربی می‌باشد. میزان کلسترول کسانی که سیر می‌خورند ۲۵٪ کمتر از افرادی است که سیر نمی‌خورند. این میزان کاهش در مقدار کلسترول باعث کاهش ۵۰٪ خطر حمله قلبی است. امروزه انواع ترکیبات سیر از طریق داروخانه‌ها، فروشگاه‌های مواد غذایی در دسترس مردم قرار دارد. از سیر درمانی برای پیشگیری بیماری‌های قلبی و عروقی استفاده می‌شود. رسول اکرم (ص) در مورد سیر می‌فرماید:

«سیر بخورید، زیرا در آن شفا ۷۰ بیماری وجود دارد، وقتی سیر خوردید به مسجد یزد یک نشوید».

رفیق نمودن عصاره سیر به میزان  $\frac{1}{125000}$  باعث جلوگیری از رشد انواع باکتری‌های اسهال‌کوک، استرپتوکوک، آمیب دیسانتری می‌شود.



### خصوصیات گیاه شناسی سیر:

سیر مانند پیاز خوراکی گیاهی است که لپه و از خانواده سوسنی با نام علمی *Allium sativum* سیر دارای پیازی است که از چند پیاز کوچک به نام سیرچه تشکیل شده است. روی مجموعه سیرچه‌ها را یک سیر یا پوست نازک و خشکی که بعداً از بین می‌رود و سیرچه‌ها را آزاد می‌کند پوشانیده است.

در آب و هوای سرد و معتدل گیاه سیر تولید گلدهنده مانند گیاه پیاز می‌کند، ولی گاهی به غیر از بذل، پیازهای کوچکی بنام پیازچه‌های هوایی تولید می‌کند که برای تکثیر سیر از آنها می‌توان استفاده کرد، ولی تکثیر سیر همیشه از طریق سیرچه‌ها صورت می‌گیرد.

از نظر گیاهشناسی سیر دارای انواع زیادی نیست، ولی از نظر باغبانی و سبزیکاری چهار نوع سیر تشخیص داده می‌شود:

#### ۱- سیر سفید (معمولی)

این سیر از تعداد زیادی سیرچه تشکیل شده است، همانطوری که از اسم آن معلوم است، رنگ پوست سیر کاملاً سفید است. این نوع در بازارهای کشورهای بیش از انواع دیگر خرید و فروش می‌شود.

#### ۲- سیر صورتی

پوست روی این نوع سیر صورتی است. مقاومت سیر صورتی به سرما و رطوبت زیادتر از مقاومت سیر سفید است و محصول آن نیز زودتر از سیر سفید می‌باشد.

### جدول ۲- تولید سیر جهان (فانو، ۱۹۹۴)

عملکرد تن / هکتار	تولید کل تن / هکتار $\times 1000$	سطح زیر کشت هکتار $\times 1000$	ناردها و کشورهای جهان
۹/۷	۷۹۱۴	۸۱۳	جهان
۱۵/۵	۳۲۶	۲۱	آفریقا
۱۳/۱	۲۹۹	۲۳	آمریکای شمالی و مرکزی
۵/۸	۲۰۳	۳۵	آمریکای جنوبی
۱۰/۶	۶۵۲۶	۶۱۷	آسیا
			کشورهای عمده تولیدکننده
۱۳/۴	۴۹۸۶#	۳۲۷#	چین
۱۱/۱	۴۷۶#	۴۳#	جمهوری کره
۴/۲	۳۷۰#	۸۹#	هندوستان
۳۱/۹	۲۵۵#	۸	مصر
۱۹/۱	۲۲۴#	۱۲#	ایالات متحده آمریکا
۶/۵	۱۹۹	۳۱#	اسپانیا
۶/۱	۱۵۳#	۲۵	اندونزی
۵/۳	۹۲	۱۷	برزیل
۸/۱	۹۲	۱۱#	ترکیه

\* آمار تخمینی



بنابراین برای موفقیت در تولید سبزی، خاک‌ها بایستی دارای خصوصیات زیر باشند:

۱- مرطوب نبودن زیاد خاک، زیرا سبزی در زمین‌های مرطوب (پیار) خیلی زود

می‌پوسد.

۲- غنی بودن زمین از حیث مواد آلی و ازتی

### تهیه زمین برای برداشت

سطح مزرعه را ابتدا با گاوآهن (در سطوح بزرگ) و با بیل (در سطوح کوچک) شخم زده

و با توجه به نوع زمین آنرا یک یا دوبار دیسک می‌زنند تا زمین زیرکشت سبزی نرم می‌گردد.

سپس آنرا با عنایت به طرز کاشت و نحوه آبیاری پشته‌بندی و یا کرت‌بندی می‌نمایند.

اضافه کردن مواد آلی مثل کود دامی کاملاً پوسیده و کود سبز قبل از شخم انجام می‌شود.

کودهای پتاسه، فسفره و قسمتی از کود از ته نیز قبل از شخم بزمین داده می‌شود.

چون روش کشت خطی با آبیاری نشئی بهترین روش کشت سبزی است، بهتر است

مزرعه را به صورت جوی و پشته درآورده و آنرا آماده برای کاشت نمایند.

عرض جوی و پشته‌ها با توجه به نوع خاک (نشئی و رسی بودن) فرق می‌کند. در

خاکهای نشئی و سست عرض جوی و پشته را در حدود ۲۰ تا ۲۵ سانتیمتر درمی‌آورند.

زیرا نفوذ آب در جهت افقی در این زمین‌ها خیلی کم است.

در زمین‌های لیمونی یا لیمونی سنگین (رسی) آب به سهولت در جهت افقی تا فاصله

نسبتاً زیادی به طور افقی نفوذ می‌کند، لذا می‌توان عرض پشته‌ها را بیشتر گرفت و حتی

### ۳- سبزی قرمز

پوست روی این نوع کاملاً رنگ قرمز دارد. پیاز و سبزیچه‌های این نوع درشت‌تر از دو

نوع سبزی بالا می‌باشد.

### ۴- سبزی اسپانیایی (روکامبول)

نام علمی این سبزی Allium Ophioscordon می‌باشد. این سبزی بیشتر در نواحی گرمسیر

می‌روید و اصل آن از مصر است. در انتهای ساقه‌هایی آن که به صورت مارپیچی است

تعدادی پیازچه ظاهر می‌شود که می‌توان از آنها برای ازدیاد این نوع سبزی استفاده کرد.

آب و هوای مورد نیاز سبزی

### ۱- آب و هوا

گیاه سبزی به حرارت‌های پایین حتی به برخی از حرارت‌های یخبندان خیلی مقاوم است.

سبزی در محلهایی با ارتفاع ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متر به خوبی به عمل می‌آید. وطوب و بارندگی

روی رشد گیاه سبزی و پیاز آن تأثیر منفی دارد.

### ۲- خاک

سبزی در خاک‌های حاصلخیز، بازه‌کشی خوب و لومی دارای رشد خوبی است، معمولاً

اراضی شنی کنار رودخانه‌ها (خاک‌های لومی) بهترین زمین برای کاشت این محصول

می‌باشد. خاک‌های خیلی سنگین و رسی باعث پدشکلی پیازها شده و برداشت محصول را

با مشکل روبرو می‌سازد. بنابراین سبزی در انواعی از خاک‌ها از لیمونی سنگین تا شنی سبک

قابل کشت می‌باشد.



کشت کرده و روی آنها را می پوشانند.

### زمان کاشت سیر

موقع کاشت سیر در نواحی با زمستان‌های معتدل، در پاییز است، در اینصورت محصول در اواخر خرداد قابل برداشت است. اگر زمستان خیلی سرد باشد، باید کشت سیر به اواخر زمستان یعنی از اواسط بهمن ماه هرچه زودتر سیرچه را بکارند. در این حالت، محصول سیر در اواخر تیر یا اوایل مرداد برداشت می‌شود.

### مقدار سیرچه مورد نیاز برای کاشت:

مقدار سیرچه مورد نیاز در هکتار ۹۰۰ تا ۱۲۰۰ کیلوگرم می‌باشد، ولی به طور میانگین ۱ تن می‌باشد.

### عوامل مؤثر در عملکرد محصول:

چندین عامل در عملکرد محصول سیر مؤثر است که بایستی در قبل از کاشت و بعد از آن مورد توجه قرار گیرد:

#### ۱- عمق کاشت

در موقع کاشت سیرچه‌ها، باید دقت کرد که عمق کاشت زیاد نباشد، زیرا اگر سیرچه‌ها عمیق‌تر کاشته شوند، محصول کمتری تولید خواهند کرد. بنابراین عملکرد محصول سیر بستگی به دقت در کاشت سیرچه دارد.

چون سیر در سطوح کم و کوچک با دست کاشته می‌شود، لذا بایستی دقت کرد عمق کاشت سیرچه‌ها بیش از حد مجاز نباشد. برای این منظور سیرچه‌ها را بین سه انگشت

روی یک پشته عرض ۲ یا ۳ ردیف سیر کشت نمود. در بعضی از کشورها عرض پشته را ۳۰ تا ۴۰ سانتیمتر می‌گیرند.

### کشت سیر

سیر را در هر جایی که پیاز به عمل می‌آید می‌توان کاشت. گیاه سیر به شرایط روز بلند پاسخ خوبی می‌دهند و در تحت چنین شرایطی، سیر (پیان) بدون توجه به اندازه گیاه تولید می‌شود. علاوه بر این اگر حرارت خاک از ۲۰ درجه سانتیگراد تجاوز کند، تولید سیرهای معمولی می‌نماید.

زمان کاشت سیر در پاییز است، ولی با توجه به گرمسیری و معتدله بودن محل می‌توان کم‌ت آن را تا اواخر زمستان (۶ هفته قبل از اتمام دوره یخندان در بهار) انجام داد.

تکثیر سیر توسط سیرچه‌ها انجام می‌شود. برای این منظور سیرچه‌ها را از سیر (پیاز مسر) جدا می‌نمایند، هرچقدر اندازه سیرچه‌ها بزرگتر باشد، به همان اندازه محصول تولیدی بیشتر خواهد بود (در این مورد با همکاری دانشگاه زنجان و مرکز تحقیقات کشاورزی زنجان - خیرآباد آزمایشی در حال انجام است). باید یادآوری نمود سیرچه‌ها فقط بایستی کمی قبل از کشت از سیر جدا شوند، زیرا جدا کردن زودتر و نگهداری آن باعث کاهش عملکرد محصول می‌شود. سیرچه‌های داخلی توصیه نمی‌شوند. پس از جدا کردن سیرچه‌ها، آنها را در روی پشته‌های کود داده شده و آماده شده می‌کارند، نحوه کاشت بدین ترتیب است که سیرچه‌ها را در روی خطوط کاشت با توجه به زمان کاشت در حاله‌هایی که فاصله ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتر ایجاد می‌شوند در عمق‌های ۳ تا ۱۰ سانتیمتر



#### ۴- طول روز:

روزهای بلند و حرارت‌های بالا رشد پیاز را در سیر تسریع می‌نماید. در این گیاه به محض تولید پیاز در گیاه، رشد آن (رشد رویشی) متوقف می‌شود، لذا برای تولید حداکثر محصول، باید آنرا زمانی بکارند که گیاه بتواند در شرایط روزهای کوتاه و حرارت پایین رشد رویشی کافی بنماید. مقدار تولید پیاز در سیر بستگی زیادی به مقدار رشد رویشی این گیاه در قبل از شروع رشد پیازها دارد. بنابراین کاشت دیرتر این محصول باعث خواهد شد که گیاه نتواند باندازه کافی رشد رویشی نماید و باین جهت مقدار محصول آن نقصان خواهد یافت.

#### ۵- آب (آبیاری):

گیاه سیر به آب زیاد نیاز دارد. اگر خاک سیرکاری شده بیش از حد خشک باشد، سیرهای تولیدی کوچک خواهند بود. در خاک‌های متراکم و فشرده سیرها شکل‌های نامنظمی پیدا خواهند کرد.

#### ۶- آفات و بیماریها:

##### الف - مگس سیر (Hylemia antiqua)

یکی از آفات سیر می‌باشد. لارو این مگس در مزارع سیر و پیاز زندگی کرده و از ساقه، برگ و مخصوصاً از میرچه‌ها تغذیه می‌کند. زمستان‌گذرانی این مگس در درون خاک است و در آنجا به صورت شفیره زمستان‌گذرانی کرده و پس از مساعد شدن هوا پرواز می‌کند. این مگس بر روی گیاه سیر تخم‌گذاری کرده و با ایجاد دالان‌هایی خود را به مرکز

میانه و سبابه و شست گرفته و در خاک نرم آماده شده فرو می‌کنند.

عمق کاشت بایستی با توجه به نوع خاک از ۳ تا ۵ سانتیمتر بیشتر نباشد، بنابراین عمق کاشت بستگی به بافت خاک دارد، هر چه سبک‌تر باشد و یا زودتر کشت شود که وقوع سرما و یخبندان در بین باشد، عمیق‌تر کاشته می‌شود، باین جهت در این خاک و خاکهای سبک‌تر عمق از ۵ تا ۱۰ سانتیمتر متفاوت است. در اراضی نسبتاً سفت و رسی، عمق کاشت بایستی از ۳ تا ۳/۵ سانتیمتر تجاوز کند، زیرا سفتی خاک مانع رشد پیاز سیر می‌شود و رطوبت زیاد این نوع خاک‌ها باعث پوسیدن آن می‌گردد.

#### ۲- فاصله کشت

فاصله بین بوته‌ها و خطوط کاشت با توجه به عملیات تهیه زمین و عملیات داشت (وجین، سله شکنی) با وسایل دامی و یا مکانیزه روی عملکرد محصول اثر می‌گذارد. فاصله ردیف‌ها از ۲۵ تا ۷۵ سانتیمتر تفاوت می‌کند. فاصله بوته‌ها در روی خطوط معمولاً از ۱۰ تا ۱۲ سانتیمتر بیشتر نیست.

#### ۳- وجین و سله شکنی:

موضوعی که یادآوری آن در این قسمت مفید به نظر می‌رسد، اینست که ریشه سیر مانند ریشه پیاز خوراکی سطحی بوده و امکان دارد از خراش دادن عمیق، سطح خاک ریشه‌ها صدمه ببیند، باین جهت توصیه می‌شود وجین و سله‌شکنی در این محصول سطحی باشد.



تولید کنندگان سبزه سیمی می کنند. آن را در زمین فوری کشت نمایند. زیرا محصولی است که زمین را خیلی ضعیف می کند و هر دو یا چند سال یک بار آنرا در یک قطعه جدید کشت می کنند. به طور کلی نیازهای غذایی سبزه شبیه پیاز می باشد.

فسفر و پتاس در افزایش و بهبود محصول و خاصیت انباری سبزه دارای تأثیر زیادی است. ولی ازت زیاد باعث کاهش خاصیت انباری می شود. با توجه به منابع موجود و آزمایشات صورت گرفته، معمولاً مقدار ۱۲۰ - ۱۰۰ کیلوگرم پتاس خالص، ۶۰ - ۴۰ کیلوگرم اسید فسفریک خالص در پاییز در موقع آماده کردن زمین و یا در قبل از کاشت بزمین می دهند.

بهتر است ازت مورد نیاز را در بهار و در سه مرحله بشرح ذیل به زمین عرضه کرد.

- ۱- یک قسمت از کود ازته را کمی بعد از سبز شدن
- ۲- قسمت های دوم و سوم را به فاصله ۶ - ۴ هفته بعد از قسمت اول به زمین داد. در کل نایستی مقدار ازت از ۵۰ - ۳۰ کیلوگرم تجاوز کند.

#### برداشت محصول:

اگر فاکتورهای مذکور در بالا به طور درست انجام شود، محصول با توجه به نوع آن در فاصله ۱۸۰ - ۹۰ روز قابل برداشت است. از علائم رسیدن سبزه می توان به زردی، قهوه ای شدن و خشک شدن برگهای آن اشاره کرد. البته برای خوش طعم کردن غذاها می توان قبل از بلوغ گیاه برگهای آنرا چیده و استفاده نمود.

پس از رسیدن، با بیل سبزه را به همراه قسمت هوایی از زمین خارج کرده و چند روزی

سبزه رسیده و از داخل آن تغذیه می کند، با حمله این آفت، رنگ برگهای سبزه از سبزی به زردی تغییر می کند.

#### راه مبارزه:

- ۱- جمع آوری بوته های آلوده و سوزاندن آنها
- ۲- رعایت تناوب زراعی
- ۳- استفاده از سبزه های غیر آلوده برای کاشت
- ب- زنگ سبزه (*Puccinia allii*)

این بیماری از بیماریهای عمده محصول سبزه می باشد که باعث وارد شدن خسارت زیاد همه ساله به این محصول می شود. آثار بیماری روی محصول به صورت لکه های کوچک، کروی و یا بیضی شکل و به قطر حداکثر تا ۵ میلی متر در روی برگها می باشد. این لکه ها به رنگ نارنجی تیره بوده و تعداد آنها زیاد است. فعالیت عامل بیماری در ماههای گرم و مرطوب تابستان شدید بوده و اسهول آن در روی گیاه سبزه زمستان گذرانی می کند.

#### مبارزه:

- ۱- استفاده از سبزه های سالم برای کاشت
- ۲- سمپاشی با سموم زنب و مانب به فاصله هر ۲ هفته یکبار در صورت بروز بیماری

#### ۷- کدو

سبزه یکی از محصولات است که به مواد غذایی زیادی نیاز دارد، به این جهت همیشه



## منابع مورد استفاده:

### الف - منابع خارجی

- 1- H.C. Thompson, 1983 Vegetable crops, TaTa MC Graw - Hill Publishing Company LTD New Delhi. PP: 388 - 375
- 2- R.P.Rice, L.W.Rice, H.D.Tindall, 1994 \* Fruit and Vegetable Production in Warm Climates " Macmillan Press. PP: 303 - 304
- 3- Walter E. Splittstoesser, 1990 " Veyetable Growing it Hndbook, organic, and Traditional Methods \* Van Nostrand Reinhold, New york, PP: 306-309.

### ب - منابع فارسی

- ۴- هادی الفتی، ۱۳۷۴ و تاریخ کشاورزی و دامپروری در ایران، جلد اول، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، صفحات ۲۷۷-۲۷۹
- ۵- غلامعلی پیوست، ۱۳۷۷، سبزیکاری، شرکت چاپ و نشر ابن‌رستم رشت صفحات ۱۹۹-۱۹۴
- ۶- عبدالکریم کاشی، ۱۳۶۹، جزوه سبزیکاری خصوصی قسمت دوم، از انتشارات دانشگاه کشاورزی - دانشگاه تهران، صفحات ۶۴-۶۱
- ۷- جعفر محمدی، ۱۳۷۶، سبزیکاری خصوصی، جزوه درسی، دانشگاه زنجان صفحات: ۱۵۴-۱۳۲
- ۸- جعفر محمدی ۱۳۶۲، باغبانی خصوصی ۲، نشریه درسی شماره ۵، دانشگاه زنجان، صفحات ۲۰۰-۱۹۳

در مزرعه جلوی آفتاب قرار داده و می‌گذارند تا خشک شود. البته خشک کردن پیازها و قسمت هوایی در جای دیگر که برای بسته‌بندی استفاده می‌شود نیز امکان پذیر است.

پس از خشک شدن سبزه‌ها به صورت بالا، آنها را نگهداری می‌کنند:

- ۱- آنها را در دستجات ۵۰ تا ۱۰۰ تایی بهم بافته و در محل خشکی نگاه می‌دارند.
- ۲- یا چاقو پس از خشک شدن قسمتهای هوایی و ریشه، آنها را از سبزه جدا می‌کنند.

شپس با رعایت کامل اصول بهداشتی، سبزه‌ها را در جعبه‌های چوبی، کارتن، کیسه‌های نخ طبیعی و یا گونی بسته‌بندی می‌کنند، حداکثر وزن بسته‌ها نبایستی از ۳۰ کیلوگرم تجاوز کند. روی جعبه‌ها و بسته‌ها بایستی ویژگیهای سبزه مثل محل تولید، تاریخ برداشت و غیره

نوشته شود.

- ۳- ارسال برای کارخانه جهت تهیه ترشی، پودر و حتی قرص







مقول که در منطق و حکمت بدی طولی داشته است.<sup>(۱)</sup> برخی از علمای متأخر وی را ابهری سمرقندی دانسته‌اند.<sup>(۲)</sup> لیکن علت این خلط بدان سبب است که اثیرالدین ابهری ساگرد امام فخر رازی (۵۴۴-۶۰۶ ه. ق) بوده است در آن زمان فخر رازی در سمرقند ساکن بوده و سمرقند در آن زمان دارالعلم مشهوری بوده است. و اثیرالدین ابهری هم در سمرقند از محضر وی تلمذ می‌کرده در نتیجه نام «سمرقند» برنام وی اضافه شده است. حال آنکه اکثر علمای دینی هم که از شهرهای مختلف به نجف اشرف رفته و در آنجا درس خوانده‌اند صفت نسبی «نجفی» به آخر اسم آنان اضافه گردیده است. علت انتساب به ابهری به سمرقندی به احتمال قوی همین مسأله بوده است. در «ایرانی‌کاه آمده است که اثیرالدین ابهری در موصل متولد شده و در همانجا به تحصیل پرداخته است. همچنین در جلد ۹ دانشنامه ایران و اسلام که زیر نظر دکتر احسان یار شاطر در تهران چاپ شده است، پس از توصیف ابهر و شرح حال چند تن از رجال علمی و سیاسی و دینی در خصوص مولد اثیرالدین ابهری خطی صورت گرفته است. در این خصوص می‌توان گفت: تحصیل اثیرالدین ابهری در موصل به جهت شاگردی وی نزد کمال‌الدین بن یونس حاصل است.<sup>(۳)</sup> اما اینکه در موصل زاده شده باشد در هیچ یک از منابع قدیم بدان اشاره نشده است و از همه مهمتر تصریح خود اثیرالدین مبنی بر اینکه وی از دیار خویش برای استفاده از محضر شیخ کمال‌الدین بن یونس راهی موصل شده است احتمال ولادت او را

۱- مدرس تبریزی، ریحانة الادب، ج ۱، ص ۷۴.  
۲- بغدادی، صفاء ایرانی‌کار، ک. دائره المعارف بزرگ اسلامی ج ۶.  
۳- مکرور و قیات الاعیان، ابن خلکان، ج ۵، ص ۳۱۳.

در موصل یکسره نفی می‌کند.<sup>(۱)</sup>

مرحوم محمدتقی رضوی مشهور به مدرس رضوی در کتاب اصول و آثار خواجه نصیر طوسی آورده است: «که اثیرالدین ابهری منقل بن عمر از مشاهیر حکمای اسلام و از شاگردان بزرگ فخر رازی است که پس از بروز فتنه تاتار به شام رفت و چندی در خدمت محی‌الدین بن محمد بن سعید بن ندی متوفی ۶۵۱ ه. ق در دمشق بسر برد».<sup>(۲)</sup>

لازم به توضیح است که منبع و مأخذ مرحوم مدرس رضوی کتاب «الوفای بالوفیات» ج ۱ چاپ استانبول بوده است.<sup>(۳)</sup>

بنابراین اثیرالدین منقل بن عمر بن منقل از مردم ابهر (بن قزوین و زنجان) بوده و در سال ۵۸۰ ه. ق در ابهر متولد شده و چون شهر سمرقند دارالعلم بوده است رهسپار سمرقند شده و در محضر امام فخر رازی (۵۴۴-۶۰۶ ه. ق) درس خوانده است و چون حمله چنگیز به ماوراءالنهر در ۶۱۶ بوده و قتل و غارت بخارا هم در همان سال صورت گرفته و حمله چنگیز به سمرقند در ۶۱۷ صورت گرفته است که پس از حملات چنگیزخان به ماوراءالنهر، ابهری نیز بین سالهای ۶۱۵-۶۱۷ از سمرقند گریخته و مدتی در دمشق و موصل و زمانی هم در روم (ترکیه) با تدریس و تصنیف کتاب زندگی کرده است و هنگامی که او در موصل بوده مقارن سالهای ۶۳۵ ه. ق. با اینکه خود استادی ماهر در علوم متداول

۱- مکرور، همانجا، ج ۶، دائره المعارف بزرگ اسلامی.  
۲- مدرس رضوی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۱۸۳. چاپ ۱۳۵۴.  
۳- متن دست نوشته مرحوم عبدالدین زنجانى.  
۴- مدرس گیلانی، فلسفه مابعدالطبیعه، ص ۱۱۸.



دانشمندان و عارفان سده هفتم هجری بود، پناه برد و از این پس اوقات خود را به تدریس و تعلیم و تألیف می‌گذراند.<sup>(۱)</sup>

اثیرالدین ابهری معاصر خواجه نصیرالدین طوسی بود و این دو دانشمند در زمینه مسائل علمی و فلسفی با یکدیگر مکاتباتی داشته‌اند. متن یکی از مکاتبات ایشان که به زبان فارسی است برجای مانده است. نسخه این نامه جزو کتب اهدائی استاد مشکوة به دانشگاه تهران دیده شده و از روی آن نسخه نقل گردیده است.

نامه خواجه نصیر طوسی به اثیرالدین ابهری:

رسالة کتبه نصیرالدین محمد الطوسی الی الامام العلامه اثیرالدین ابهری رحمهما الله تعالی و فیها عدة مسائل

هر چند که روزگار بیدادیهاست

بهر زحمت امید و غم و وصل و فراق

جناب همایون و ذات میمون مخدوم معظم ملک العلماء العالم اثیرالمکه و الدین

قطب الاسلام والمسلمین قدوة العلماء و المحققین نخبة الافاضل المتأخرین ادام الله علوه و قرون بالسمامین عشیه و غدوه که مقصد آمال افاضل و مطلع انوار فضائل است همیشه به

کرامات ذوالجلال و کمالات لایزال محفوف و موصوف یاد و دست تصرف زمان و عنان تغلب حدثان از کشف شرف و ساخت باراحتش مردود و مصروف بحق الحق و صاحبیه دعای گوی مخلص محمد طوسی خدمت و دعای رساند که هر چند دولت مشاهده

۱- ر. ک. دائرةالمعارف بزرگ، ج ۶، به نقل از ابن خلکان

آن زمان مخصوصاً منطق، فلسفه و نجوم بوده، در نزد کمال‌الدین بن یونس موصلی (۵۵۱-۶۳۹) کتاب مجسطی اقلیدس را می‌خوانده است و در این مورد ابن خلکان که از شاگردان اثیرالدین ابهری است می‌نویسد: «اثیرالدین ابهری با آن همه جلالت قدر و تقنی، علوم هنگامی که مردم از کتابهای او استفاده می‌کردند، خود در خدمت کمال‌الدین، مجسطی می‌آموخت».<sup>(۱)</sup>

باید دانست که کمال‌الدین بن یونس موصلی در تمام علوم متداول آن زمان تبحر داشته و در باره او گفته‌اند که در هر علم مثل یک متخصص در آن علم سخن می‌گفت و در علم ریاضی بی‌ظنیر بود و خواجه نصیر طوسی هم در نزد او ریاضی می‌آموخته است.

در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی آمده است: اثیرالدین از شاگردان مشهور امام فخر رازی است (ابن عیری، ۲۵۴) و تحصیل او نزد امام فخر (رازی) باید در یکی از نواحی خوارزم ماورالنهر (در بار سلاطین غور، غزنه، هرات بوده باشد) زیرا مجالس درس وی در آن نواحی مخصوصاً در هرات تشکیل می‌شد، بنابراین اثیرالدین به خراسان نیز سفر کرده بوده است. از استادان اثیرالدین ابهری یکی همان کمال‌الدین بن ابوالفتح موسی بن یونس موصلی (۵۵۱-۶۳۹ هـ) است که اثیرالدین پس از بروز فتنه مغول و آشفتگی اوضاع مانند بسیاری از دانشمندان دیگر در پی یافتن مأمنی مناسبت به سفر پرداخت، ابتدا به شام رفت و مدتی در اربل، و دمشق بسر برد و در دمشق پیوسته با اهل علم در ارتباط بود و سپس از شام به بلاد روم (آسیای صغیر - ترکیه فعلی) که محیطی نسبتاً آرام و پناهگاه

۱- مدرس گیلانی، فلسفه، مابعدالطبیعه ص ۱۱۸



طلعت همایون در وقتی یافته است که اقتضای اختیای حظی از آن جناب فیاض نکرده اما از آن وقت باز همیشه به نیل آن سعادت منحن و متعشش بوده و از اخبار سیاره و سوانح عزائم مخدومی معظمی دام معالیه و اقترت بالسعادة ایامه و لیاله منفحص و منشش بوده و به اشارت بشاره تزیین خطه عراق به مقام مبارک شنیده به مصداق این شعر شوق نصاحف پذیرفته:

اری الشوق تزداد يوماً فیوماً

ایزد جل و علا یافت این مراد بر خیرترین وصفی و محبوبترین هیئتی کرامت کند و ما دلگ علی الله بعزیز و چون ایام شریفه ادها الله مستغرق افاده اسرار حکمی و افاضه انوار علمی است این دعا که فاتحه استعما و فتح باب مکاتبه و انبساط خواهد بود انشاء الله تعالی نخواست که از استفاده و استفاده خالی باشد پس بنابر ولوقی که بر مکارم اخلاق عالیه حاصل است دو سه موضوع از جمله مواضع که در خاطر از آن خار خاری بود اختیار کرد تا آن را وسیله اقتباس اشراقات ضمیمه منیر مخدومی معظمی لاذلت شرقاً لانیوار سازد اگر بیان حال و ایضاح حل این بر وجهی که رای شریف بر آن قرار گرفته انعام فرماید از این فرط کرم و وفور لطف غریب نباشد و نیز اگر آن را به فرصت تحقیق سفر معرب مقرون گرداند یعنی از نوادر فوائد و غرائب نکتی که سانح شده باشد مانند اصول رصدی محدث اگر اتفاق افتاده باشد یا نکته بکر که برخاطر نیز فائض شده دعاگوی مخلص در آنچه او را اهل شمرده مباسطت فرمایند ایزد سبحانه و تعالی انفاص عزیز مخدومی را همیشه مصادر علوم حقیقی و مراد اسرار غیبی را دارد بحق الحق مذکور اینست.

اقامت برهان بر تئیر منادی وضع آن کافی باشد قناعت کرده اند و متأخران وجهی که تعرض بیان هیئت حاکمه کرده اند از عهده تخلص آن چنانکه رای متیر و اسلام باشند بیرون نیامده اند تا آنکه احوال عروض خصوصاً عرض زهره و عطارد همین حکم دارد خللها که بر تئیر ابن الهیثم و آنچه در اختصاص بطلمیوس مذکور است هم پوشیده نباشد و اگر رای همایون را به انادت یان نکت تفصیل فرماید از آن وفور لطف عجب نباشد.

زحمت از حد گذشت هم مکارم اخلاق عالیه عذرخواه تواند بود ولدعاء کما معنی<sup>(۱)</sup>

به عقیده برخی از محققان معاصر، اثیرالدین نیز مانند بسیاری از ریاضی دانان زمان خود در رصدخانه مراغه که به همت خواجه نصیرالدین طوسی برپا شده بود فعالیت داشته است. اثیرالدین علاوه بر تألیف تدریس نیز می کرد و از شاگردان معروف او یکی نجم الدین کاتبی قزوینی (۶۰۱-۶۷۵ هـ) است که خود از ریاضی دانان و صاحب نظران معروف در هیات و نجوم و ساختن آلات رصدی شمرده می شده است.<sup>(۲)</sup>

کاتبی قزوینی در کتاب حکمت العین، بارها از اثیرالدین به احترام یاد می کند و متعطرش نظریات فلسفی او می شود.<sup>(۳)</sup>

شاگرد دیگر اثیرالدین، عمادالدین زکریا بن محمود قزوینی (۶۰۰-۶۸۲ هـ) مؤلف کتابهای: آثار البلاد و اخبار العباد و عجایب المخلوقات است، که ظاهراً در دمشق از محضر استاد بهره برده است.

- ۱- محمد مدرسی (زنجانی) سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه نصیر طوسی، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۳
- ۲- دائرة المعارف بزرگ
- ۳- دائرة المعارف بزرگ



و از شاگردان دیگر وی می‌توان این خلكان را نام برد که به تصریح خود در حدود سالهای ۶۳۵-۶۳۶ هجری که اثیرالدین از موصل به اربل آمده بود نزد او به فرا گرفتن فن اختلاف مشغول بوده است.<sup>(۱)</sup>

همچنین جمال‌الدین احمد بن علی فزونی نیز یکی از شاگردان اثیرالدین است که به سبب خدمت در نزد اثیرالدین و ارتباط با او به (اثیری) معروف شده است.<sup>(۲)</sup>

اثیرالدین ابهری علوم ریاضی را مانند این سینا در آثار خود حکمت نظری نامیده و آن را به چهار قسم اصلی تقسیم کرده است: مثل، علم هندسه، علم حساب، علم موسیقی، علم هیات، اثیرالدین ابهری طبع شعر نیز داشته است و به گفته مؤلف عرفات العاشقین دیوانی دو سه هزار بیت داشته است.<sup>(۳)</sup>

حمداله مستوفی و والد داغستانی یک ریاضی از اشعار او را آورده‌اند و علاوه بر آن مدریس گیلانی در ترجمه کتاب هدایة الحکمة اثیرالدین ابهری پنج ریاضی ذکر کرده است که ذیل نقل می‌گردد:

مسکین دل من چون محرم راز نیافت      و اندر قفس جهان هم آواز نیافت  
اندر سر زلف ماهرونی گم شد      تاریکی شبی بود و کشتن باز نیافت

\*\*\*

ساد می‌دار که از سات نمی‌آید یاد      ای امید من و عهد تو سراسر همه یاد

۱- وفیات الاعیان، ابن خلكان ج ۵، ص ۳۱۳

۲- مکرر، ابن فوطی

۳- دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶

نویسنه‌ای که وصال برساند به تو خود      راستی نیک رسانید که چشمش مرصاد

\*\*\*

ناکسی مدد نفس بد آموز کنم      خلقی ز وجود خود غم اندوز کنم

من بعد بر آنم که به قوسی چو فلک      روزی به شب آرم و شبی روز کنم

\*\*\*

هم کار زغم به جان رسیده است      هم کارد به استخوان رسیده است

آهی که جهان بهم برآرد      از دل به سر زبان رسیده است

\*\*\*

در مگذر باد چراغی که تو راست      تو رسم که بهمیرد از فراغی که تو راست

(۱)

سوی جگر سوخته عالم بگرفت      مگر نشیدی زهی دماغی که تو راست

\*\*\*

دریای سال وفات اثیرالدین ابهری اختلاف است. برخی وفات او را ۶۶۰ هجری دانسته‌اند

(اقبال، ۵۰۰) حاجی خلیفه گاه وفات وی را در ۶۶۳ هجری ذکر می‌کند. و گاه از حدود سال ۷۰۰

هجری می‌گوید. (۲/۹۳۳ و ۱۶۱۶-۲۰۶/۱۷۵۰) و جای دیگر فوت او را بعد از

۶۶۰ هجری نویند (۲/۹۵۳) اما بطور قطع سال ۷۰۰ هجری نادرست زیرا کاتبی فزونی (متوفی

۷۵۶ ق) در کتاب حکمة العین از استاد خود اثیرالدین با عبارت «برود الله مضمجعه» یاد

می‌کند. (۲۴۵)

۱- دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶



به هر حال وفات اثیرالدین را در عهد حلاکو خان مغول میان سالهای ۶۶۰ تا ۷۰۰ ق دانسته‌اند و ظاهراً سال ۶۶۳ هـ ق قولی است که بسیاری برآیند.<sup>(۱)</sup>

چونجی زیدان نیز مرگ اثیرالدین را در ۶۶۳ هـ ق نوشته است.<sup>(۲)</sup> مدرّس گیلانی در کتاب مابعد الطبیعه فوت او را در ۶۶۶ هـ ق در مواخه ضبط کرده است.<sup>(۳)</sup>

اثیرالدین علاوه بر حکمت، در ریاضیات نیز به استادی شهرت یافته بود بطوری که او را در علم هندسه بی همتا می‌شمردند. (قزوینی، ۴۶۳)

حکایت شده است که الملك الکامل ابوی چند مسأله دشوار ریاضی را که دانشمندان طبرک در حل آن عاجز مانده بودند، برای اثیرالدین ابهری فرستاد و از او درخواست راهنمایی نمود اگر چه گزارش شده که اثیرالدین نیز بعثت دشواری و غامض بودن مسائل از استادش کمال الدین بن یونس (۵۵۱-۶۳۹ هـ) کمک خواست اما این خود نکته‌ایست که متن نهایی پاسخ از سوی اثیرالدین ابهری تهیه و ارسال شد.<sup>(۴)</sup>

آثار ریاضی اثیرالدین از دیدگاه ریاضی دانان معاصر وی و نیز دانشمندان دورانهای بعد، مهم شمرده شده است. بویژه در سده‌های اخیر، پژوهشگران تاریخ ریاضیات از او و آثارش بسیار سخن گفته و در بررسی آنها کوشیده‌اند. به طوری که رساله اصلاح اصول

۱- دایرة المعارف بزرگ، ج ۶

۲- ریحانة الادب

۳- همان مأخذ، ردیف ۱۴

۴- دایرة المعارف بزرگ اسلامی، به نقل از قزوینی

۵- همانجا

اقلیدس و کوشش اثیرالدین ابهری برای اثبات اصل پنجم اقلیدس که به نام اصل توازی شهرت یافته، در تاریخ ریاضیات جایگاه ویژه‌ای دارد.<sup>(۱)</sup> و آن چنین است:

هرگاه خطی دو خط دیگر را قطع کند، به طوریکه دو زاویه که مجموع آنها از دو قائمه کمتر باشد به وجود آمده، آن دو خط یکدیگر را در جهتی که آن دو زاویه به وجود آمده‌اند، قطع خواهند کرد.

پس از اقلیدس بسیاری از ریاضی دانان به دنبال این احساس که اصل یاد شده قابل اثبات است، در صدد اقامه برهان بر آن برآمدند، اما در حقیقت همه آنان در روند و استدلال از فرضی استفاده کرده‌اند که با اصل توازی هم‌ارز بوده است.

برهان مفصلی که در کتاب اصلاح اصول اقلیدس بر اصل توازی بیان گردید با برهان دیگری که برای اثبات همین اصل در برخی منابع به اثیرالدین ابهری نسبت داده شده به کلی متفاوت است.<sup>(۲)</sup>

### آثار اثیرالدین ابهری:

۱- ایساغوجی Issagochi فرقیوس یا پورفیر Porphyre از فلاسفه مشهور و از مردم صور لبنان است. که در سال ۷۳۳ هـ متولد شده است. وی صاحب رساله معروف به ایساغوجی است که به نام شاگردش به نام ایساغوجی نوشته است، که مقدمه‌ای است بر منطق ارسطو که در آن کلیات خمس که از ابواب نه گانه منطق است گفتگو کرده است. اثیرالدین ابهری

۱- همان مأخذ

۲- مکتوبه همان مأخذ، ص ۵۸۷



نیز رساله‌ای در منطق ارسطو به روش مستخران نوشته و همه باب‌های منطق را برآن گنجانیده است، اما چون فصل اول آن عنوان: «ایساغوجی» دارد از باب اطلاق نام جزء بأكمل به ایساغوجی شهرت یافته است. به عبارتی دیگر اثیرالدین ابهری در آن رساله «ایساغوجی» را که به معنی کلیات خمس است و از بابهای نه‌گانه منطق است برتمام رساله نام داده است.<sup>(۱)</sup>

و گاه است که صاحب ترجمه را بهمین کتاب او نسبت داده و اثیرالدین ایساغوجی<sup>(۲)</sup> گویند.

رساله ایساغوجی از زمان خود مؤلف (اثیرالدین ابهری) تاکنون مورد توجه بوده و از جمله کتبی بوده است که در مدارس علوم قدیمه تدریس می‌شده است و از آنجا که این رساله در عین اختصار فهم آن مشکل می‌نمود از آن جهت فضلا و دانشمندان برآن شرح‌ها نوشته‌اند و گاهی برآن شروح، دانشمندان دیگر حواشی متعددی نوشته‌اند:

الف - شرح شمس الدین محمد بن حمزه فناری (۷۵۱-۸۳۴ ه.ق.)

حکیم عارف محمد بن حمزه بن محمد رومی حنفی ملقب به شمس الدین و معروف به فناری یکی از اکابر علمای عثمانی در قرن نهم ه.ق است، وی در معانی و بیان و هیأت و سایر علوم متداول مزید عصر خود بود که در سال ۸۳۴ ه.ق وفات کرده است.

فناری شرحی دقیق و لطیف بر ایساغوجی ابهری نوشته است.<sup>(۳)</sup>

۱- مکرره کریم نیرومند، عرفا و حکمای استان زنجان

۲- ریحانة الادب، ج ۱، ص ۷۴

۳- کریم نیرومند، عرفا و حکمای استان زنجان، ص ۳۱۵

زیاداً به حواشی متعددی که برشرح فناری نوشته شده اشاره می‌شود.

۱- الفرائد البرهانیة فی تحقیق القوائد الفناریة، از برهان‌الدین بن کمال‌الدین بن حمید  
۲- القوائد الفناریة که احمد بن عبدالله الرومی الحنفی متخلص به شوقی (متوفی ۱۲۲۴ ه.) که به نام «حاشیه الشوقی علی اسفندیاری» در استانبول چاپ شده است.<sup>(۱)</sup>

۳- حاشیه برشرح فناری: علی بن وحید بن عبدالله ادره (متوفی ۱۲۲۰ ه.ق.)

۴- حاشیه برشرح فناری: محمد بن ولّی بن رسول از میری (متوفی ۱۱۶۵ ه.ق.)

۵- الدرر الناجی علی ایساغوجی حاشیه بر شرح فناری: عمر بن صالح فیض توفادی

رومی حنفی (متوفی ۱۲۶۵ ه.ق.)<sup>(۲)</sup>

ب - شرح زین الدین زکریا بن محمد انصاری

شیخ زین الدین زکریا بن محمد بن زکریای انصاری القاهری (۸۲۴-۹۲۶ ه.ق.) که ملقب به شیخ الاسلام و مکتبی به ابویحیی که از اکابر و علمای شافعیه است که صاحب تصانیف

زیاد از جمله «المطلع» در شرح ایساغوجی اثیرالدین ابهری است که دو تن از علمای

شافعی مصر بر آن شرح حاشیه نوشته‌اند مثل: شیخ احمد بن عبدالفتاح بن یوسف المولوی

ازهری (متوفی ۱۱۸۱ ه.ق.) و جمال‌الدین حنفی یوسف بن سالم بن مصری (متوفی

۱۱۷۸ ه.)

ج - شرح شریف: شریف نورالدین علی بن ابراهیم شیرازی که خود شاگرد میرشریف

۱- همانجا

۲- همان



۱- حاشیه فخرالدین سماکی

سیدامیر فخرالدین سماکی در ۹۲۸ هـ ق بر شرح میدی حاشیه‌ای نوشته است<sup>(۱)</sup>

که نسخه‌ای از این حاشیه در کتابخانه آستان قدس و دانشگاه تهران موجود است.

۲- حاشیه قاضی نورالله شوشتری

قاضی نورالدین نورالله توری حسینی مرعشی شوشتری مؤلف مجالس المؤمنین که از

دانشمندان شیعی است که به سال ۱۰۱۹ هـ ق وفات یافته است.

۳- حاشیه فاضل هندی

محمد بن حسن بن محمد اصفهانی ملقب به بهاءالدین که از افاضل و علمای اواخر دولت صفوی است که در سال ۱۱۳۵ هـ ق در اصفهان وفات کرده است.<sup>(۲)</sup>

لازم به توضیح است که کریم نیرومند (محقق) نام ده تن را در این مورد ذکر کرده است.<sup>(۳)</sup>

ب- شرح هدایه صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی معروف به ملاصدرا و صدرالمتألهین است. (۱۵۵ هـ ق) که به تقاضای شاگردانش شرحی بر هدایه الحکمه ابوالدین ابهری نوشته است.

شرح صدرالمتألهین شیرازی مفصل‌تر از شرح میدی است و بارها با حواشی و تعلیقات دانشمندان چاپ سنگی شده است که بخش منطق هدایه را محمدتقی دانش

۱- نیرومند، مأخذ پیشین

۲- ر. ک. ج ۳، ریحانة الادب، ص ۱۸۳

۳- ذکر نموده شد

بهرجانی (استاد خواجه حافظ شیرازی) متوفی (۸۶۲) بوده است.

د- شرح قزوینی: حکیم شاه محمد بن مبارک قزوینی، متوفی (۹۶۶ هـ ق)

ه- شرح فارسی عمادالدین یحیی بن علی الفارسی که نسخه‌ای از شرح وی در کتابخانه آستان قدس موجود است.<sup>(۱)</sup>

لازم به توضیح است که کریم نیرومند محقق ارجمند در کتاب خود - عرفا و حکمای

آستان زنجان - نام بیست و هشت تن از شارحان ايساغوجی، ابوالدین ابهری را آورده است.<sup>(۲)</sup>

۲- هدایه الحکمه، در سه بخش، منطق، طبیعی، و الهی این کتاب یکی از معتبرترین کتابهای درسی برای طالبان حکمت از زمان ابوالدین تا عصر حاضر بوده است بطوری که برخیش فلسفی این کتاب شروح و حواشی متعددی نوشته شده است. که معروف‌ترین آنها شروح زیر است:

الف - شرح قاضی کمال‌الدین میرحسین بن معین‌الدین میدی - مقتول ۹۰۹ هـ ق که بارها همراه با حواشی تنی چند از فضلا در هند و استانبول و تهران به طبع رسیده<sup>(۳)</sup>

میددی این شرح را در سال ۸۸۰ هـ ق نوشته است. ذیلاً نام چند تن از دانشمندان که بر این شرح «شرح میرحسین میدی» حاشیه نوشته‌اند ذکر می‌گردد.

۱- فهرست فصل منطق، ص ۳۹ به نقل از کریم نیرومند

۲- همان مأخذ

۳- حاشی خلیفه ج ۲، صص ۲۰۲۸-۲۰۲۹ همچنین کریم نیرومند، همان مأخذ صص ۳۰۲-۳۱۱

۴- دایرةالمعارف بزرگ



پژوه همراه با رساله فی علم المنطق ابهری با استفاده از نسخه خطی آستان قدس تصحیح کرده و با عنوان: «دو رساله در منطق» در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران منتشر ساخته است.<sup>(۱)</sup>

به جهت اهمیت شرح ملاصدرا بر هدایة الحکمة ابهری، علماء متعددی بر شرح ملاصدرا حاشیه نوشته‌اند، از جمله حاشیه سید دلدار علی بن سید محمد معین نقوی لکنهوی هندی از اکابر و فحول علمای اسلامی هند است. وی نخستین کسی است که فواصد دین و ارکان شریعت را در خطه هند استوار داشته است.<sup>(۲)</sup>

همچنین حاشیه سید میرزا ابوالحسن جلوه (متوفی ۱۳۱۴ هـ.ق) که در سال ۱۳۱۳ ش به چاپ رسیده است.<sup>(۳)</sup>

محقق ارجمند، کریم نیرومند در کتاب ارزشمند خود «عرفا و حکمای استان زنجان» نام چهار تن از شارحان و حاشیه‌نویسان بر هدایة الحکمة ابهری را بطور متقن و مستند ضبط کرده است.

۳- تنزیل الافکار فی تعدیل الاسوار: ابهری این کتاب را در منطق طبیعی و الهی نوشته و نظریات خود را در باره قوانین منطقیه و حکمییه ذکر نموده است. خواجه نصیرالدین طوسی این کتاب را نقد کرده و آنرا تعدیل المعیار فی نقد تنزیل الافکار نامیده است. که هم اکنون نسخهای از آن در کتابخانه ملی و ملک موجود است.

۱- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی

۲- ریحانة الادب، ج ۴، ص ۲۳۰

۳- مأخذ ردیف ۳۱

همچنین شرح و نقد این کتاب در سال ۱۳۵۳ هـ.ش در مجموعه منطق و مساحت الفاظ به کوشش عبدالله نورانی به چاپ رسیده است.<sup>(۱)</sup>

زنده... در منابع و مأخذ که دسترس است ظاهراً سه کتاب به عنوان ذکر شده را به ابهری ابهری نسبت داده شده است.

الف - زبدة الاصول ب - زبدة الکشف ج - زبدة الاسرار<sup>(۲)</sup>

ابهری ابهری در پایان بخش منطق هدایة الحکمة از زبدة الاسرار خود نام می‌برد. زبدة الاسرار که مانند هدایة الحکمة مجموعه‌ای در منطق طبیعی و الهی است بوسیله

ابن عربی از عربی به سریانی ترجمه شده است.<sup>(۳)</sup>

- منتهی الافکار فی...: در منطق طبیعی و الهی است.

- خلاصة الافکار و نقاوة الاسرار: در منطق

- دقایق الافکار: در منطق

- عرفان الحق و برهان الصديق: در منطق و طبیعی و الهی است.<sup>(۴)</sup>

- اشارات: در برابر اشارات ابن سینا نوشته شده است.

۱- مأخذ ردیف ۳۲

۲- زاهدی، ۶

۳- بغدادی، ۲/۲۹۶

۴- مدرس، ۱۹۷

۵- دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، همچنین حواشی عرفا و حکمای استان زنجان، ص ۳۲۵

۶- حمداله مستوفی، مدرس، حاجی خلیفه، به نقل از دائرةالمعارف بزرگ اسلامی



(۱)

مختصر فی العلم الهیة باشد.

- سه رساله در هیئت و نجوم: که بمنزله مقدمه‌ای است بر زیج او که رساله اول شامل ۱۷ فصل، در اصلاحات، اجسام، افلاک و حرکات افلاک، دوائر، اختلاف حرکات افلاک و... رساله دوم در ۱۴ فصل در علم اسطرلاب است و رساله سوم در علم حساب است که شامل ۱۵ فصل است. (۲)

- غایة الإدراک فی درایة الافلاک (۳) این کتاب در برخی از منابع با نامهای گوناگون ذکر

شده است:

درایات الاقلاک (۴) درایة الافلاک (۵)

نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (۶) هم چنین

گزیده‌هایی از این کتاب در کتابخانه‌های معتبر نظیر برلین موجود می‌باشد. (۷)

- اصلاح اصول اقلیدس: در ۱۳ مقاله است قرانی، زندگی نامه .. ۱۲۱. فارسی نامه

(۸)

۱- اعلام زرکلی

۲- کریم نیرومند، همان مأخذ.

۳- ر. ک. ج. ۲ هدایةالمعارفین

۴- اعلام زرکلی

۵- ایرانیکا

۶- فهرست هدایای کتب مرحوم محمدتقی دانش پژوه

۷- دایرةالمعارف بزرگ

۸- همان مأخذ، ردیف ۵۰، فهرست کتابخانه سپهسالار

باید دانست که همه کتابهای فوق الذکر به عربی است.

- رساله فی علم المنطق: که رساله مختصری است به زبان فارسی که مرحوم محمدتقی

دانش پژوه این رساله را همراه بخش منطق هدایه در مجله دانشکده ادبیات تهران با عنوان

«دو رساله در منطق» چاپ کرده است. (۱)

- المحصول: این کتاب در برابر کتاب «التحصیل» بهمنیار شاگرد این سینا نوشته شده

(۲)

الشرالدین ابهری ظاهراً استخراجی از این کتاب کرده و آنرا «المحصل» نامیده است.

- کلمات عشر یا رساله مبدأ و معاد: رساله مختصری است به زبان فارسی که

محمدباقر سبزواری این رساله را در ۱۳۴۰. پیش در مجموع چهارده رساله منتشر ساخته

(۳)

- کشف: این کتاب نیز در منطق است که در منابع قدیم و جدید با نامهای گوناگون یاد

شده است. نظیر: کشف الحقایق، جامع الدقایق فی کشف الحقایق، کشف الحقایق فی

(۴)

تحریر الدقایق.

- المجسطی: که رساله مختصری در هیات است و شاید این رساله همان رساله

۱- همان مأخذ

۲- همان مأخذ، ردیف ۴۰

۳- همانجا

۴- همان



- تهذیب النکت: در فن جدل است: اصل این کتاب به نام النکت فی علم الجدل از

ابو اسحاق ابراهیم بن علی شیرازی (متوفی ۴۷۶ هـ ق) است که اثیرالدین ابهری آن را شرح و تهذیب کرده است.<sup>(۱)</sup>

- رساله المسائل: شامل ۱۸ مسأله که در میان متکلمان و حکما مورد اختلاف است و

نسخه خطی این اثر نیز در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می شود.<sup>(۲)</sup>

- المغنی فی العلم الجدل: این رساله نیز بحث مختصری است در باب جدل و آداب

بحث و مناظره<sup>(۳)</sup> و از آثار دیگر اثیرالدین ابهری می توان رساله اسطرلاب یا رساله فی معرفة الاسطرلاب الزیج المفقن و الزیج الملخص، بیان مجمل مشکلات الزیج، رساله الزهراء فی ابطال بعض المقدمات الحدیثه، و بالآخره دیوان اشعار او که فعلاً در دسترس نبوده و بعثت پراکندگی، برخی از اشعار او در تذکره ها ضبط گردیده است.

برای حسن ختام این مقاله مطلبی از مؤلف هفت اقلیم امین احمد رازی نقل می کنیم  
«اثیرالدین فاضلی بود از رشک حدث طبعش فلک اثیر چون گندم بر تابه تپیدی و عطارد از شرم گفنه های او جلیباب خجالت به سر کشیدی. بیت:

از شرم خط اوست نه از تابش خورشید هر روز عطارد چو قمر سایه نشین است

کتاب کشف در حکمت و محصول و اشارات و زبدة و هدایة از تصانیف اوست و گاهی که بواسطه کثرت مطالعه او را ملالتی پدید آمدی جهت تربط دفاع از تضمین اشعار مبادرت می جست این نوع لکلی از بحر خاطر به روزگار آوردی.<sup>(۴)</sup>

۱- دکتر ذبیح الله صفاء ج ۳، بخش اول ص ۲۴۷

۲- دائرة المعارف بزرگ اسلامی

۳- حاجی خلیفه، ۲/ ۱۷۵۰

۴- کریم نیرومند، همان مأخذ، به نقل از هفت اقلیم امین احمد رازی

نسخه خطی این رساله نیز در کتابخانه های: تهران، استانبول و بورساز موجود است.<sup>(۱)</sup>

کمال الدین فارسی در باره یکی از مسائل این کتاب رساله دارد که نسخه ای از آن با عنوان رساله علی تحریر الیه ری فی المسألة الشهيرة من کتاب الاقلیدس. در کتابخانه احمدیه تونس موجود است.<sup>(۲)</sup>

- الزیج الشامل: در آغاز این رساله گفته می شود که این زیج بر پایه اندازه گیریها و آزمایشهای مکرر ابوالوفا بوزجانی و یارانش تدوین شده است و نسخه ای از این رساله در کتابخانه پاریس نگهداری می شود.<sup>(۳)</sup>

- الزیج الاختیاری یا الزیج الاثیری: نسخه ای از این کتاب در رامپور و خلاصه ای از آن در وایکان نگهداری می شود.<sup>(۴)</sup>

- شریک الاقطار: در ریاضی است که مشتمل بر چند مقاله است که مقاله پنجم، شبه جلد اصم را بازگو کرده است.<sup>(۵)</sup>

- رساله فی بوکار القطوع: این رساله هم شامل اندیشه های است که اثیرالدین ابهری طی آموزش در نزد کمال الدین بن یونس بدانها دست یافته بوده است.<sup>(۶)</sup>

۱- همانجا

۲- دائرة المعارف بزرگ

۳- حاجی خلیفه، ۲/ ۹۶۸-۹۶۹

۴- دائرة المعارف بزرگ

۵- کریم نیرومند، همان مأخذ

۶- همان مأخذ ۵۶



- نسخه خطی این رساله نیز در کتابخانه‌های: تهران، استانبول و بورساز موجود است.<sup>(۱)</sup>
- کمال‌الدین فارسی در باره یکی از مسائل این کتاب رساله دارد که نسخه‌ای از آن با عنوان رساله علی تحریر ابهری فی المسألة الشهيرة من کتاب الاقلیدس. در کتابخانه احمدیه تونس موجود است.<sup>(۲)</sup>
- **الزیج الشامل:** در آغاز این رساله گفته می‌شود که این زیج برپایه اندازه‌گیریها و آزمایشهای مکرر ابوالوفا بوزجانی و یارانش تدوین شده است و نسخه‌ای از این رساله در کتابخانه پاریس نگهداری می‌شود.<sup>(۳)</sup>
- **الزیج الاختیاری یا الزیج الاثیری:** نسخه‌ای از این کتاب در رابهور و خلاصه‌ای از آن در واتیکان نگهداری می‌شود.<sup>(۴)</sup>
- **شریک الاقطار:** در ریاضی است که مشتمل بر چند مقاله است که مقالة پنجم، شبه جدر اصم را بازگو کرده است.<sup>(۵)</sup>
- **رسالة فی برکار القطوع:** این رساله هم شامل اندیشه‌هایی است که اثیرالدین ابهری طی آموزش در نزد کمال‌الدین بن یونس بدانها دست یافته بوده است.<sup>(۶)</sup>

- همانجا
- ۱- دائرة المعارف بزرگ
- ۲- حاجی خلیفه ۹۶۸/۲-۹۶۹
- ۳- دائرة المعارف بزرگ
- ۴- کریم نیرومند، همان مأخذ
- ۵- همان مأخذ ۵۶

- **تهذیب النکت:** در فن جدل است: اصل این کتاب به نام النکت فی علم الجدل از ابواسحاق ابراهیم بن علی شیرازی (متوفی ۴۷۶ هـ) است که اثیرالدین ابهری آن را شرح و تهذیب کرده است.<sup>(۱)</sup>
- **رسالة المسائل:** شامل ۱۸ مسأله که در میان متکلمان و حکما مورد اختلاف است و نسخه خطی این اثر نیز در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.<sup>(۲)</sup>
- **المغنی فی العلم الجدل:** این رساله نیز بحث مختصری است در باب جدل و آداب بحث و مناظره<sup>(۳)</sup> و از آثار دیگر اثیرالدین ابهری می‌توان رساله اسطرلاب یا رساله فی معرفة الاسطرلاب الزیج المقتن و الزیج المخلص، بیان مجمل مشکلات الزیج، رساله الزهرا فی ابطال بعض المقدمات الحدیثه، و بالاخره دیوان اشعار او که فعلاً در دسترس نبوده و بعثت پراکندگی، برخی از اشعار او در تذکره‌ها ضبط گردیده است.
- برای ختام این مقاله مطلبی از مؤلف هفت اقلیم امین احمد رازی نقل می‌کنیم: «اثیرالدین فاضلی بود از رشک حدث طبعش فلک اثیر چون گندم بر تابه تپیدی و عطارد از شرم گفته‌های او جلیباب خجالت به سرکشیدی. بیت:
- از شرم خط اوست نه از تابش خورشید هر روز عطارد چو قمر سایه نشین است
- کتاب کشف در حکمت و محصول و اشارات و هدایه از تصانیف اوست و گاهی که بواسطه کثرت مطالعه او را ملالتی پدید آمدی جهت ترطیب دفاع از تضمین اشعار مبارثت می‌جسته این نوع لکلی از بحر خاطر به روزگار آوردی».<sup>(۴)</sup>

- ۱- دکتر ذبیح‌الله صفاج ۳، بخش اول ص ۲۴۷
- ۲- دائرة المعارف بزرگ اسلامی
- ۳- حاجی خلیفه، ۱۷۵۰/۲
- ۴- کریم نیرومند، همان مأخذ، به نقل از هفت اقلیم امین احمد رازی











چه به گمنی طبیب از خود مبارار چراغ از بهر تازیکی نگه دار  
 گاه دیده می شود که بیت های آشنایی از شاعران برجسته با تغییراتی به صورت  
 عامیانه تر درآمده و سینه به سینه نقل می شود. به این دو نمونه از سعدی دقت کنیم:  
 درویش و غنی بنده این خاک درند و آنان که غنی ترند محتاج ترند  
 شخص با ذوقی با برداشتن مصرع معقول سعدی و آوردن مصرع محسوس دیگری،  
 مثل را به این شکل درآورده است:  
 از تنگی چشم فیل معلوم شد آنان که غنی ترند محتاج ترند  
 و نیز در این مورد:  
 علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد دریغ سود ندارد چو رفت کار از دست  
 بجز عوض کردن جای مصرع ها، مفهوم نیز با بیانی دیگرگونه آراسته شده است:  
 بلا ندیده دعا را شروع باید کرد علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد  
 البته ناگفته نماند که ممکن است برخی از این تغییرات به دست خود شاعر صورت  
 گرفته باشد که در این هنگام باید آن را نسخه بدل یا اختلاف نسخه به شمار آورد.  
 \* \* \*

پس از این دیباچه نه چندان کوتاه، شاید کسی پرسد که دانستن نام سراینده فلان مثل  
 چه گوهی از کار می گشاید یا به قول عامه به چه درد می خورد. در پاسخ باید گفت که به  
 هزار و یک دلیل این کار سودمند است و در اینجا تنها به چند مورد از فواید آن اشاره  
 می شود.

نوشته‌یسی به کمال زیبایی نزدیک شده است اما نامی از سراینده اثر در میان نیست. این  
 در حالی است که به جای یکی از عبارات های شکسته نفاثه، «الحقیر، الفقیر، الضعیف»  
 کمترین و... می توان نام شاعر بیچاره را آورد و از مصداقه شدن اثر وی جلوگیری کرد. برای  
 مثال معمولاً بیت های زیر را بدون نام سراینده گانشان نقل می کنند:  
 زلیخا مرد از حسرت که یوسف گشت زندانی چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی  
 امسبار از بسود آدمی به خیر کسان مرا به خیر تو امید نیست شو مرمیان  
 باغ رخ تو بهر تملنا گاه جان گل بود به سبزه نیز آراسته شد  
 در درگاه وصلش همه جوابی وصالند تیار که را خواهد و میافش به که باشد  
 مسد نامه نوشتم و جوابی نوشتی این هم که جوابی ننویسند جوابی است  
 برای مثال معلوم نیست که آیا حقیقتاً مثل:  
 گر حکم شود که مست گیرند در شهر هر آنچه هست گیرند  
 از این بیت وصال شیرازی (ف ۱۲۶۲ ق) گرفته شده است و یا عکس این کار رخ داده  
 است:  
 گر شهنشه شهر مست گیرد در کوی تو هر که هست گیرد  
 نیز این دو بیت سعدی:  
 چو به بودی طبیب از خود مبارار که بیماری تیزان بودن دگر بار  
 مننه سرورشنایی دل به یکبار چراغ از بهر تازیکی نگه دار<sup>(۲)</sup>  
 به شکل یک بیت و با اختلافاتی به جهان امثال و حکم راه یافته است:



نخست اینکه از نظر سبک‌شناسی نظم، می‌توان پی برد که میزان موفقیت سراینده در بیان سهل و مستقیم و نزدیک شدن به زبان محاوره و آرایه چکیده‌ای از تجربیات بشر تا چه اندازه است. چراکه میدانیم یکی از معیارهای سنجش شاعر، به حافظه سپرده شدن آوازش است. **دو دیگر** اینکه بسامد مثل در آثار آن سخنور و نیز بسامد شاعرانی این چنین در هر یک از دوره‌های گوناگون چندر است. **سه دیگر** - همانگونه که در پیش نیز اشاره شد - اینکه آیا شاعر خود ابداع‌گر آن مثل یا عبارت است یا نه؟ مانند برخی عبارتهای سعدی. یا اینکه آن مثل یا همان عبارت یا حد اکثر وزنی متفاوت، پیش از آن وجود داشته و شاعر تنها به تدوین دوباره یا چند باره آن پرداخته است.

برای نمونه مفهوم «نیاز صاحب سخن به مستمع» بارها به نظم کشیده شده است. پس از خواندن شواهد زیر، خواننده علاقه‌مند خود به داوری در باره چگونگی کاربرد آن عبارت در قالب مثل - با توجه به دوره سروده شدن - خواهد پرداخت.

سخن از مستمع نیکو گردد / کهنه از روزگار نو گردد

(سنایی - ۵۴۵ ق.)

سخن را نپوشنده باید نخست / گهر بسی خریدار ناپد درست

(نظامی - ۶۰۰ ق.)

عطار در دل و جان اسرار دارد از تو / چون مستمع نیاید پس چون کند روایت

(عطار ۶۱۸ - ق.)

مستمع چون نشسته و جوینده شد

واعظ از مرده بود گوینده شد

(مولانا - ۷۲۷ ق.)

مستمع چون تازه آید بی ملال

صدریان گردد به گفتن گنگ و لال

(مولانا - ۷۲۷ ق.)

فهم سخن گو نکند مستمع

قوت طبع از متکلم مجوی

(سعدی - ۹۱۰ ق.)

سخن از مستمعین فدا پذیرد صائب

قطره در گوش صدف گوهر شهوار شود

(صائب ۸۷۰ ق.)

مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد

خنجره خابوش بلبل را به گفتار آورد<sup>(۲)</sup>

(صائب ۸۷۰ ق.)

❖

برای جلوگیری از اطباب، با آوردن نمونه‌هایی از امثال مشهور و سرایندگان گمنام

نیمه گمنامشان، این گفتار را به پایان می‌دهم.<sup>(۲)</sup>

گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من

آنچه البته به جایی نرسد فریاد است

یغمای جندقی (۱۲۷۰ ق.)

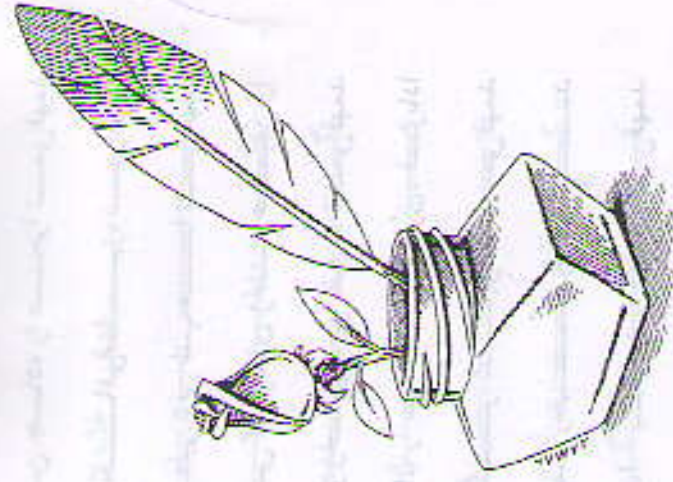
ساز آغاز و ز انجام جهان بی خیریم

اول و آخر این کهنه کتاب افتاده است

کلیم همدانی (۱۰۶۱ ق.)

چو رسمی به طور مینا ازی مگو و بگذر / که نیرزد این تمنا به جواب آن ترانس





چند سروده از

هادی وحیدی

## زخم

برای ده ختری با کفش های کتانی،

ای روح طوفانی تو را دریا نمی فهمد

زخم عمیقیت را کسی اینجا نمی فهمد

در فصل - تو حکایت های سبزی هست

سبزینه نهایت را کسی نمی فهمد

را کسی که می رفتی به بن بست عجیبی خورد

رضی الدین تیشابوری (۱۵۹۸ق)

تفاوت از زمین تا آسمان است

نیازی صفوی اصفهانی (۱۸۷ق)

سودا چنین خوش است که یکجا کند کسی

فصاحب کاشانی (حدود ۱۱۶۵ ق)

تا ریشه در آب است امید شعری هست

عرفی (۹۹۹ ق)

که هر چیزی به جای خویش نیکوست

شیخ محمود شبستری (۷۲۰ ق)

کاین هنوز از نایب سحر است

انوری (۵۸۳ ق)

همی نوشت ها:

۱- دزد نگرفته سلطان است و پس از گرفتاری گریان است (جامع التمثیل)

۲- گلایات سعدی (تصحیح دکتر مظاهر معین) ص ۸۵۸

۳- در برخی نسخه ها چنین است:

مستمع صاحب سخن را بر سر ذوق آورد

غسجه ننگ گفته بلبل را به فریاد آورد



### دری به خانه‌ی خورشید

به سیر آینه بودن شتاب با او بود  
 شکوه روشنی آفتاب با او بود  
 نگفته بود کسی پاسخی به پرسش عشق  
 هزار مرتبه اما جواب با او بود  
 چه انقلاب بزرگی به کربلا کردند  
 که ذات جباری آن انقلاب با او بود  
 کمر چوبست بگیرد چکاد فردا را  
 به اوج عطفه بال عقاب با او بود  
 برای آن که شود پرده پرده پاره ظلام  
 شبانه دشمنای سرخ شهاب با او بود  
 به راه شیری عشق و سپیده‌پوش افق  
 سهیل بخت و امید رباب با او بود  
 شبنمی که هیچ ستاره نداشت سوسولی  
 فروغ آینه‌ی ماهتاب با او بود  
 حریم حرمت گل را عفاف نور گرفت  
 که آیه‌های عقیق حجاب با او بود

آن سورترازی این جهاد را صحرای نمی فهمد  
 ای درسیاهی ها پیگاهی سبزه، نورانی  
 خورشید را قسطی ترین شب ها نمی فهمد  
 در من تداعی کرده ای زخم عجبی را  
 زخمی که جز زخمی ترین عینا نمی فهمد  
 بسایت طوفان را به فریاد آوری، فریاد  
 درد سترگت را دگر نجوا نمی فهمد  
 گفتند می فهمند زخم مت راه نداشتند  
 زخم تو را - ای زن! - به جز سارا نمی فهمد  
 درد تو صدها قرن پاییده است، می دانم  
 درد تو را امروز بکا فردا نمی فهمد



زم‌جوج‌های خطر بیم در دلتش هرگز  
 نبوده، چون خلف بوتاب با او بود  
 اگر چه نشستگی‌اش می‌گذاخت دریا را  
 حضور سبزترین روح آب با او بود  
 هزار نیبزه اگر برترتش فرود آمد  
 به راه عشق - چه اندوه! - تاب با او بود  
 سکوت ساری شب گر چه دیر پایی داشت  
 شکست فله‌ای سنگین خواب با او بود  
 دزدی به خانه‌ی خورشیدی حضور گشود  
 که آفتاب‌ترین انتخاب با او بود  
 چه عاشقانه سرلیزه خواند سوره‌ی کهن  
 که زم‌ز روش‌شن ام الکتاب با او بود  
 حقیقت ازلی، رم‌ز راز لم یزلی  
 رم‌وز علم حضور و غیاب با او بود  
 برای آن که زم‌سین را پر از ستاره کند  
 به سلسیر آب‌نه بودن تاب با او بود

### شب

گر چه در امروز، به چشم سبز باران بسته است  
 خای امای دل به فردای بهاران بسته است  
 سبز می ماند درخت بهار، آری، سبزش  
 ریشه‌ی سبزینه‌ها برخون یاران بسته است



نازبانه می زند شب روش‌شنا را و آفتاب  
 بیعت از خوف خطر با سایه‌ساران بسته است  
 هیچ نوفان برنیاشوند سکوت آب را  
 آرزوی موج بر باد کناران بسته است  
 ای عقابان! مال‌ها طمی شد ولی امروز هم  
 ریسمان مرگنان بر لاشه خواران بسته است  
 شد صحرای دره و پاشید از هم کوه‌ها  
 صخره‌ها انباشته، راه سواران بسته است



گرگی و میش آمد ولی تا صبح ره کوتاه نیست  
 پای رهوار شما شب زنده‌داران بسته است



پرواز همزمان

در لحظه‌های خرد

در گریه خنده‌ای

در خنده گریه‌ای

گاهی به شکل ابر

گاهی پونده‌ای

دو خال بی قرار

در چشم سوگوار

گل خوی نازدار

زیباتر از تو کیست

خوشتر از بهار

آیدا

دیب که تمام تو، بر دفرم نشست

بوی تن گلیت، از خاطرم گذشت

دمپایان هنوز بر آستانه بود

احساس چابک - هر سو روانه بود

با من عروست - تنها نشسته بود

چند سروده از علیرضا سلطان

غزل

نمی‌برد دگر آری مرا هزارای کنی

نه کاروان و نه طوفان نه بوی هم‌نفسی

غروب تلخ، نمک می‌زند به زخم هم‌نوز

ملا طراوت باران و او هم‌نفسی

کجا؟ کجا؟ که نمی‌دانم این چه وسوسه‌ایست

که سروده صبر به سوهان صبح با موسی

بهار، ریشه در این خاک پست می‌خشد

به اشک چشم غزل گر به داد من نرسی

به سرزمین طلا و عسل، سفر اینک

به سحر چشم غریبی به بوی تیر می

نگاه گرم تو آبیخت با نهایت من

به نام عشق نوشتم که هم‌سفر برسی،

برای دخترم (آیدا)

دو چال فندقی

بر گونه‌های ترد



## بخشی از مثنوی

روزگاری مثنوی آزاد بود  
 باغ سبزه معنوی آباد بود  
 شاعران شوقی شقایق داشتند  
 عزم دریای حقایق داشتند  
 شب به کوی میکده سر می زدند  
 خانه مهناب را در می زدند  
 از ستاره، خانه ها می ساختند  
 قصه های تازه می پرداختند  
 عشق مفهومی عمیق و ساده داشت  
 عاشق آنجا قیامی تازه داشت  
 مثنوی از تمام عرفان می سرود  
 آن روی صدف چهرگی ها می نمود  
 می شد آنرا محکم و مردانه خواند  
 با بگوشت ساکت پروانه خواند  
 مثنوی امروز طرحی ساده نیست  
 قیض و بسط روح یک تازه نیست  
 مثنوی، امروز شرح دردها است  
 دست زد بر مرسته نامردها است...

چشمان خوشگلش - غمگین و خسته بود  
 می خواند قصه ای از عشق بی صدا  
 آید، بهار من - گل خنده خنده  
 می نویسم، ستاره را امشب  
 ماهتاب دواره را امشب  
 بغض های گلو گرفته تو  
 راز و رمز شراره را امشب  
 می نویسم که عشق پیوند است  
 جمله های دواره را امشب  
 یک طرف خروج خون و خوابه  
 سوزی دیگر کناره را امشب  
 آه، دریا و خوف طوفانش  
 تا کجا نخفته پاره را امشب



## چند شعر از عاصم اسدی

(۱)

تا که کسی به سایه سپه پوشمان نکرد  
این نعل را پیاده، کس از دوشمان نکرد  
آن لاشخور که سایه شومش بلند باد  
چترش در این کویر فراموشمان نکرد  
دریا هزار جور شد و خلیکد و هرز رفت  
دریائمان، دوراره هم آغوشمان نکرد  
ساحل شدیم و مد تمام شرابها  
چون جان رسید بر لب و مدهوشمان نکرد  
کو؟ کی؟ کجاست اسب و سواری که بگذرد؟  
از این جهنمی که سیاهوشمان نکرد  
تردمت را به مگر فراتر نشانه کن!  
تا با کلاه نموده خروگوشمان نکرد

(۲)

خیال نازکی روزی، به هم می یافت ما را هم  
شعر دبیل، سخت مهیم سخت زیادهام  
غم از معماری دلنگ آدم پرده برمی داشت  
نبود و آرزویش بود... تا گل کرد حوا هم  
رسیدم با تو تا عین البقیی که غزل می دید  
اگر می بود و می دیدات غزل می گفت نهام...

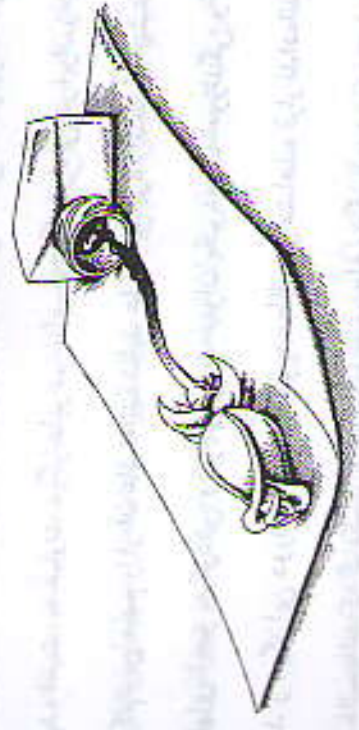
□

من از عاشق شدن در کوچای بن بست می آم  
صبر و ساکت و سنگین، خراب و خرد، نهام  
نه تنها من که بنت پای تو آواز می کرد  
تمام کویچه های تنگ و تودرتوی دلها هم  
الا! زیباترین مغروق عالم! چشم گریه تما  
قربیبی یک ته هم عشق و هم مغروق و دریاه  
امیدت کیست؟ جان همدار از گور خویش را همدار  
که طاعون می نژود، از نفس های مسیحا هم  
چه پایان غم انگیزی که مثل ساعی فرمز  
برای چند روزی عید می خواهند ما را هم  
به شایه های عالم ناهای علوهم نوشت نمبت  
نهنگ مانده در گل! گریه کن اسرور و فیرا هم

## غزل

سرشت ساحلی ام خاکی است و دریایی  
دوگانه زیستتم، در هوای رویایی  
به سوی فطرتم از باد و باده راهی نیست  
شروع غمزه ام، ابتدای تنهایی  
مرانه موج نه طوفان شکست طاق سکوت  
چنین که چنبره زد آسمان هر جای  
سکوت سبز تو، آواز بود و فرصت من  
به کوچه باغ نگاهت حضور سودایی  
به لحظه لحظه دریا سروده ای دارم  
به باد فطره باران عروج زیبایی  
تمام بطن دلم پر زمه سه شربین  
ز رفت و آمد موج، این سرورش فردایی





## نیم نگاهی به موضوعات شعر کودکان و نوجوانان

«پس از پیروزی انقلاب اسلامی»

مسعود آقایی

در ادبیات کلاسیک زبان فارسی آثاری می توان یافت که صرفاً برای گروه سنی کودکان نوجوانان تألیف شده اند و در جهت تعلیم و تربیت این گروه سنی مورد استفاده می گرفته اند. حتی آثاری چون کلیله و دمنه، مرزبان نامه و... به دلیل ویژگی خاص نثری استفاده از زبان حیوانات برای بیان مقاصد تربیتی - از طرف این گروه مورد استقبال

کارشناس ارشد ادبیات فارسی، دبیر شاهر در آموزش و پرورش زنجان.

(۳) چنگ

من نماندم و خورشید، گر دمید و فردا شد  
 بویکن و بیوس از من! صبح اگر گلی باشد  
 پیش از آنکه طوفانی، باخیز شود بشتاب  
 در خیر اگر گفتند: غنچه ای شکوفا شد  
 بهشت این شب قطعی یک فلق نبود آری!  
 با حساب ساعت ها روز و شب میخراشد  
 حاصل جیونی بود این که گاه می بینی  
 چتر بید مسجونی سابهان لیلان شد

□ زبانیان پیش میباشند، و مینمایند  
 زبانه من و تو نیز می خیزد از خواب  
 دست خونی اش را باز برده در گریانش  
 ما هنوز می جویم؛ کویدی که بیهوش شد؟!  
 روی سبز صبحانه، کو شراب کینه؟ کو؟  
 روز نو شد و روزی نو گشته بقیه شد  
 نظمی مسیح این بار دیر بسته شد، هشتاد را  
 هر طرف بیودایی نخل خشک صحرا شد  
 سرنویدی دیگر جان پناه اضحی نیست  
 عاقبت مسیح ماهر چنین بهو را شد.

بهشتی است که زبانه من و تو نیز می خیزد از خواب  
 دست خونی اش را باز برده در گریانش  
 ما هنوز می جویم؛ کویدی که بیهوش شد؟!  
 روی سبز صبحانه، کو شراب کینه؟ کو؟  
 روز نو شد و روزی نو گشته بقیه شد  
 نظمی مسیح این بار دیر بسته شد، هشتاد را  
 هر طرف بیودایی نخل خشک صحرا شد  
 سرنویدی دیگر جان پناه اضحی نیست  
 عاقبت مسیح ماهر چنین بهو را شد.



شخصیت کودک و نوجوان مورد عنایت قرار گیرد. چرا که مربیان نیز تشخیص داده بودند که اگر جامعه‌ای قصد اصلاح دارد و چشم امید - به پیشرفت‌های آینده دوخته است، باید نسل نوجوانش را به خوبی تربیت نماید. زیرا مقررات جامعه و مسؤولیت‌های سنگین اداره آن بالاخره در دست کسانی قرار خواهد گرفت که امروز این دوران را پشت سر می‌گذارند.

همچنین متوجه شده بودند که اگر به دنبال جامعه‌ای هستند که خصایص انسانیت در آن جامه عمل به خود ببوشد، باید اساس تربیت سالم را در جامعه پی‌ریزی نمایند. تربیتی که به کلیت رفتار انسان توجه داشته باشد و بهره‌مندی از زندگی سالم را هدف عمده خود تلقی کند.<sup>(۱)</sup>

این تربیت سالم در صورتی می‌توانست به وجود آید که فرد موضوع تربیت - کودک و نوجوان - توسط مربی درست و دقیق شناخته شود و نیازها و رغبت‌هایش آشکار گردد تا مربی بتواند در رفتار فرد تغییر شکل - تربیت - به وجود آورد.

از جمله وسایل و امکانات تربیت سالم می‌توان به ادبیات کودکان و نوجوانان اشاره کرد. این شاخه از ادبیات در دهه‌های اخیر مورد عنایت خاص مربیان و روان‌شناسان قرار گرفته است و آثار سودمند آن در تربیت و پرورش شخصیت و روحیات کودکان و نوجوانان انکارناپذیر است.

شده‌اند، ولی عمر ادبیات کودکان و نوجوانان به معنای انحصار آن در ایران هنوز به یک صد سال نرسیده است. به عبارت دیگر علیرغم غنای فرهنگی و ادبی در ایران زمین، کودکان و نوجوانان کم‌ترین سهم را از آن داشته‌اند. شاید علت این بوده است که بیشتر مربیان ما تا همین سالهای اخیر به کودکی و نوجوانی به عنوان یک دوران آموزندگی و نقش‌پذیری لگن‌سنه‌اند و هرگز این دوران را مستقلاً مورد مطالعه و مشاهده قرار نداده‌اند، بلکه آن را مانند بلی دانسته‌اند که کودک یا نوجوان را به مرحله بزرگسالی پیوند می‌دهد. برای آنها همیشه آینده کودکان مهم و مطرح بوده است و این که این آینده با طی شدن چه گذشته‌ای و صرف چه نیرویی و تحمل چه رنج بیهوده‌ای به دست آید، اهمیت چندانی نداشته است.

«وجود این طرز تفکر در مربیان سبب می‌شد که ایشان هرگز کوششی علمی در راه شناخت واقعی شخصیت کودک و نوجوان در ایران انجام ندهند و نیز سبب می‌شد آن چه که به ظاهر برای کودک و نوجوان به وجود می‌آمد، هیچ نجانسی با روحیات و طرز تفکر کودکان و نوجوانان نداشته باشد.»<sup>(۱)</sup>

اما پیشرفت علوم به خصوص روان‌شناسی کودک و نوجوان به دنیای کودکان و نوجوانان و به رسمیت شناختن رغبت‌ها و نیازها و علاقه به شکوفا نمودن استعدادهای نهفته در وجود آنان، سبب شد که این دوران به عنوان دوره‌های مهم و اساسی رشد و بالندگی



خور فهم کودک یا نوجوان او را به سوی کمال و سعادت هدایت کند.<sup>(۱)</sup> این که مجموعه آثار تهیه شده برای کودک و نوجوان باید ارزش هنری داشته باشند یعنی از زیبایی خاصی که مورد علاقه این گروه سنی می‌باشد برخوردار باشند و نیز به زبان و شیوه‌ای سخن بگویند که در آن سطح آگاهی‌ها و نیازهای کودکان لحاظ شده باشد و هدفی بالاتر و والا تر از سرگرم نمودن کودکان را پیش چشم قرار داده باشند که همانا رساندن آنان به کمال و سعادت دنیوی و اخروی است، در این تعریف مد نظر قرار گرفته است که دلیل امتیاز آن بر سایر تعریف‌هاست.

بی‌شک شکل گرفتن چنین ادبیاتی یا ویژگی‌های یاد شده می‌تواند در تربیت نسل نوجوان نقش مؤثری ایفا نماید، در سایه تعلیمات چنین ادبیاتی، نوجوانان، مردان مسئولیت‌پذیر آینده خواهند بود و در مسیر جامعه به سوی پیشرفت همه‌جانبه، بار خاظر نه که بار شاطر خواهند بود.

از شاخه‌های متعدد ادبیات کودکان و نوجوانان، به شعر، که از محبوبیت بیشتری برخوردار است می‌پردازیم. چرا که شعر یار دیرینه بشر در لحظات غم و شادی و تنهایی است. قدمت شعر به اندازهٔ زبان است و به اندازهٔ زبان نیز عالم‌گیر می‌باشد.

مردم هر دوره و سرزمینی به سرودن شعر پرداخته‌اند. نیز مشتاقانه به شعر گوش جان سپرده‌اند و آن را در خاطر خویش جاودانه کرده‌اند. خواندن و حفظ نمودن شعر لذت‌بخش و مسرت‌انگیز بوده و اوقات بی‌کاری بشر را نیز پر می‌کرده است. «شعر در

۱- ادبیات کودکان و نوجوانان - ویژه مراکز تربیت معلم - ص ۱۳

## «ادبیات کودکان و نوجوانان»:

برای این که با این شاخه از ادبیات بیشتر آشنا شویم و ویژگی‌ها و اهدافش را بهتر بشناسیم لازم است تعریف مناسبی از آن ارائه دهیم. با مراجعه به منابع موجود، تعاریف مختلفی از ادبیات کودک و نوجوان به چشم می‌خورد که توسط کارشناسان امر به عمل آمده است. این تعاریف اگر چه گاه به ظاهر با هم متفاوتند ولی به حقیقت واحدی اشاره دارند و آن این است که ادبیات کودک و نوجوان عبارت از مواد تربیتی و آموزشی است که توسط بزرگسالان - متخصصان - برای استفاده گروه سنی کودک و نوجوان تهیه می‌شود و هدفش رشد و اعتلای همه جانبه کودک است و چون برای کودک تهیه می‌شود زبان و شیوهٔ خاص خود را دارد. چرا که وقتی سر و کار با کودک باشد باید به زبان کودک به گفتگو پرداخت. برای جلوگیری از اطالة کلام به دو نمونه از تعاریف ذکر شده اشاره می‌شود:

«مجموعه آثار و نوشته‌های ساده و روان و قابل فهم که بدون آموزش مستقیم سطح دانش فرهنگی و اجتماعی کودکان را بالا می‌برد و ذوق و استعداد آنها را پرورش می‌دهد، ادبیات کودک خوانده می‌شود».<sup>(۱)</sup> آقای مصطفی رحماندوست شاعر خوب کودکان و نوجوانان براساس تجربیات چندین ساله کار در حیطه شعر کودک تعریف زیر را از آن ارائه نموده است که از سایر تعاریف بهتر و کاملتر به نظر می‌رسد: «ادبیات کودکان و نوجوانان حاصل تلاش هنرمندانه‌ای است که در قالب کلام عرضه شود و با زبان و شیوه‌ای مناسب و در

۱- سخن درباره ادبیات کودکان و نوجوانان - محمود حکیمی



بایدی و مضامین ویژه شعر کودک.

(۱) در تعریف شعر کودک می توان گفت: «شعر کودک جزئی از جهان کودک است.» و کلامی است موزون و زیبا چه از حیث ترکیب اصوات و کلمات و چه از حیث مضمون (در مورد اشعار بی معنی، زیبایی ترکیب اصوات و کلمات کافی است) اما در مورد اشعار دیگر باید هر دو عامل زیبایی در آنها وجود داشته باشد. شعر کودک برپایه موسیقی اصوات و کلمات بنا می شود و وسیله ای است برای بازی، حرکت و آواز او.<sup>(۲)</sup>

عناصر متعارف شعر را به پنج بخش تقسیم کرده اند: «عاطفه، زبان، تخیل، آهنگ و شکل.»<sup>(۳)</sup> نه تنها کاربرد این عناصر در شعر کودک باید متناسب با نیازها و توانایی های کودکان و نوجوانان باشد بلکه شعر کودک و نوجوان علاوه بر این عناصر به لحاظ اینکه عمدتاً هدف های آموزشی و تربیتی را برعهده دارد از ویژگی های برخوردار است که در شعر بزرگسالان مطرح نیست. محدودیت کاربرد واژگان، زبان آموزی، رعایت صورت سالم جمله ها و عبارات ها و در نهایت، سادگی و رسایی مفاهیم، استفاده از مضامین شادی آور و ریتم های تند، توجه به میزان توانایی و آگاهی و نیازهای کودکان در گروه های سنی مختلف از آن جمله می باشند.<sup>(۴)</sup>

۱- شعر کودک در ایران - محمود کیانوش - ص ۵

۲- ستن سخزالی مرحوم عباس یمینی شریف - نقل از کتاب ۱۷ مقاله درباره ادبیات کودکان - شورای

کتاب کودک - ص ۷۷

۳- ادوار شعر فارسی - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - نقل از قلمرو ادبیات کودکان شماره ۷ ص ۹۹

۴- پیشین، شماره ۷ ص ۹۶

حیات انسان ها از اهمیت والایی برخوردار بوده، ارزش منحصر به فردی نیز داشته است. به طوری که انسان با آن احساس بهبود و التیام و بدون آن احساس فقر معنوی می کرده است.<sup>(۱)</sup>

تعریف شعر را در اثر فخریم شمس قیس رازی - المعجم - چنین می خوانیم: «بدان که شعر در اصل لغت دانش است و ادراک معانی به حدس صائب و استدلال راست و از روی اصطلاح سخنی است اندیشیده، مرتب معنوی، موزون، متکرر، متساوی، حروف آخر آن به یکدیگر مانده.»<sup>(۲)</sup>

اگر چه تعاریف متعدد دیگری از سوی دانشمندان و ادیبان ارائه شده اما باید پذیرفت، تعریف بدیده ای که با سرشت انسان عجین شده و با تاز و بود جاننش پیوسته، بسیار مشکل است. ذکر این نکته نیز لازم است که در همه تعاریف ذکر شده، خیال انگیز - بودن و برانگیختن عواطف و احساسات از عناصر اصلی شعر محسوب شده است. به طوری که خواندن آن در آدمی ایجاد انفعال نماید. در مورد وزن نیز اگر چه نظرات گوناگونی ارائه شده اما باید آنرا نیز از عناصر اصلی شعر به شمار آورد.

براین اساس شعر کودک نیز تعریف دقیق و شخصی نمی تواند داشته باشد. آنچه که مشخص است این است که شعر کودک قبل از هر چیز باید شعر باشد و عناصر و خصوصیات اصلی شعر را در خود داشته باشد، نظیر: وزن، خیال انگیزی، بعضی آرایه های

۱- از مقاله، شعر چیست؟ - ترجمه فاطمه راکمی - سروده جنگ دوازدهم ص ۷۸

۲- در معرفت شعر - گزیده المعجم فی معاییر اشعار المعجم - به انتخاب و توضیح دکتر سیروس



در تحلیل موضوعی شعر کودکان - گروههای سنی الف، ب و ج براساس تقسیم‌بندی

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از میان مجموعه‌های منتشر شده پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سویی ناشران مختلف موضوعات زیر قابل توجه هستند.

#### ۱- مضامین دینی و اخلاقی:

در باره مضامین دینی باید گفت اگر چه کودک تا پایان آموزش‌های دبستان از نظر شرعی به سن تکلیف نمی‌رسد اما براساس تعلیمات دینی، مسلمانان موظفند که کودکان را در سنین ابتدایی با تعالیم دین اسلام، خصوصاً نماز که ستون دین ماست و روزه آشنا نمایند و آنها را برای پذیرش و عمل به آنها آماده سازند.

وقتی اذان مغرب / پیچید در خیابان / در من شگفت باغی / باغی به نام قرآن / رفتم وضو گرفتم / در حوض توی مسجد / شد سینه‌ام پراز گل / از رنگ و بوی مسجد /... (مثل یاس - جعفر ابراهیمی)

افطار می‌کنم / با شادی و غرور / با لطف مادرم / با لقمه‌های نور / افطار می‌کنم / با خنده پدر / با روزه‌ات قبول / با آفرین پسر /... (نسیم دختر باد - افشین اعلاء)

مضامین اخلاقی عبارتند از: مضامینی همچون علاقمندی و عشق‌ورزی به پدر، مادر، پدر بزرگ، مادر بزرگ...

من مادرم را دوست دارم / من مادرم را قدر جنگل، کوه، دریا / من مادرم را قدر دنیا دوست دارم / من مادرم را بیش از اینها دوست دارم /... (پولک ماه - اسداله شعبانی)

علاوه بر وزن و آهنگ و خیال و سادگی زبان، «موضوع و مضمون شعر نیز باید مربوط به دنیای کودک باشند و مفاهیم شعر از تار و پود آشنای آنها گرفته شود. برای این که شعر بتواند خواننده را جلب کند باید زیربنای قابل درکی برای او داشته باشد تا او بتواند بر روی آن زیربنای خانه‌ای در خور تخیل خود بسازد.»<sup>(۱)</sup> در صورت نبود چنین زیربنایی، شعر هر قدر هم عالی باشد و مفاهیم والایی در برداشته باشد مورد استقبال کودک و یا نوجوان واقع نخواهد شد.

مضمون عبارت است از آنچه که از کلام و عبارت مفهوم شود یا نکته‌ای لطیف و باریک که در شعر گنجانیده شود.<sup>(۲)</sup> به عبارت دیگر مضمون عبارت از همان پیام و مقصودی است که شاعر در شعر خویش می‌گنجانند و هدف اصلی او آموزش همان پیام به کودک است، در این رهگذر مضامین شعر کودک متفاوت از مضامین شعر بزرگسالان خواهد بود. چرا که نیازهای متفاوت و میزان اطلاعات و تجربیات، آموزش‌های متفاوتی را نیز ایجاد خواهد نمود. پس مضامین شعر کودک باید از دنیای ویژه او گرفته شوند و مضامینی، وضعی، تعریفی، نشاط‌انگیز و بازی‌گونه باشند. غیر از این‌ها عواطف لطیف نیز در حیطه زندگی کودک نقش اساسی دارند و می‌توانند مضمون اشعار کودک قرار گیرند، اگر مضامین شعر کودک سنجیده و دقیق انتخاب شود، پرورنده روح کودک و گستره ذهن او خواهد بود و او را در مسیر زندگی طبیعی نگاهبان و حافظ خواهد شد.

۱- گذری در ادبیات کودکان - ص ۸۹

۲- فرهنگ فارسی دکتر محمدمعین - چاپ هشتم - ج ۳



با صدای فوق‌وقتی تو / می‌شوم از خواب بیدار / می‌رسد خورشید روشن / می‌رود ماه از سرکار / قطره‌های نور خورشید / می‌چکد بر باغ دلها / هر کسی دنبال کاری / می‌رود اینجا و آنجا /...

### ۳- حضور مظاهر طبیعت در شعر کودک:

از آنجایی که کودک متعلق به جهان پاکی هاست و روح پاک و لطیفی نیز دارد، احساساتش در برابر پدیده‌های لطیف طبیعت به سرعت تحریک می‌گردد. او شدیداً علاقمند به طبیعت و مظاهر گونه‌گون آن است.

خورشید، خورشید / شب در کجایی؟ / در زیر دریا / یا در هوایی؟ ... (خورشیدی اینجا، خورشیدی آنجا - جعفر ابراهیمی)

ای ستاره، ای ستاره / با تو زیبا می‌شود شب / نازه و خوشبو و روشن / باغ گلها می‌شود شب /...

ابر با تار باران / دارد آهنگ نازه / می‌زند کوجه‌ها را / آسمان رنگ نازه / ... (آب مثل سلام - جعفر ابراهیمی)

باز باران می‌چکد / دانه دانه نوری حوض / زیر باران شاہرک / می‌پرد از روی حوض / ... (چتری از گلبرگها - افسانه شعبان‌نژاد)

جدا از مضامین ذکر شده، در برخی موارد آموزش‌های مختلف موضوع شعر کودک را به خود اختصاص می‌دهند. شعر آموزشی تعلیمات و امور و نهنی‌های خشک و بی‌روح را به

### ۲- مضامین اجتماعی:

تنوع در استفاده از این موضوعات در میان اشعار کودکان بیشتر از سایر موضوع‌ها به چشم می‌خورد. در این حیطه موضوعاتی همچون توجه به انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، رحلت امام (ره)، عدالت طلبی، علاقه به برابری اجتماعی، علاقه به صلح و صفاء وطن دوستی، اتحاد، دوستی با کتاب، آموزش امیدواری، بیزاری از زلادگی شهری و علاقمندی به زندگی ساده و با صفای روستایی، کار و تلاش، آموزش سهر خیزی و بیزاری از فقر وجود دارند که هر موضوع با شاهد مثالهایی از مجموعه‌های گوناگون ذکر گردیده است.

دوباره باز می‌کنم / کتاب انقلاب را / در آن نگاه می‌کنم / دوباره آفتاب را /... (خورشیدی اینجا، خورشیدی آنجا - جعفر ابراهیمی)

... عید می‌آمد دوباره / با صدای شاد باران / ناگهان یک روز افتاد / موشکی در کوجه ما / کرد در یک لحظه ویران خانه همسایه‌مان را / ... (عصا و اسب چوبی / اسدالله شعبانی)

... تو چه خوبی، خوبی / باشکوهی ای خاک / شادی من از توست / از تو ای خاک پاک / دوست دارم من / ای وطن ای ایران / سربلند و آزاد / سبز و پاینده بمان / (یک تکه بال صوری - صفورا نیری)

... این اتفاق ساکت و بزرگ / چون قفس شده برای من / کن رها مرا از این قفس / ای رفیق با وفای من / پس مرا ببر از این اتاق / سوی شهر خوب آفتاب / با نسیم و شعر و قصه‌ات / ای رفیق خوب من، کتاب



قدرت فهم مسایل و ریزه کاریهای ادبی و هنری در نوجوانان بیش از کودکان است. قالب‌های شعری این گروه نیز بسیار متنوع‌تر از گروه پیشین می‌باشد. دلیل این امر این است که نوجوانان در آینده نزدیک با شعر رسمی بزرگسالان روبرو خواهند شد. پس باید آمادگی درک و پذیرش شعر رسمی در آنان ایجاد شود. اما در مورد مضامین و موضوعات باید گفت که تقریباً تمامی موضوعاتی که در شعر کودک وجود دارد در میان مجموعه‌های شعر نوجوانان نیز به چشم می‌خورد لکن نمونه‌های شعری، پخته‌تر، زیباتر و شاعرانه‌تر است و دلایل این امر پیشتر ذکر شد.

#### ۱- مضامین دینی و مذهبی:

ستایش خداوند، اعتقاد و علاقه به پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع)، اعتقاد به قیامت و ظهور موعود، و عشق به قرآن و نماز و روزه و دعا در این حیطه مورد بررسی قرار می‌گیرند. کنجکاوی نوجوانان به دریافتن بعضی مسایل دینی، مذهبی و فلسفی سبب می‌شود که آنها علاقمند به مطالعه یا شنیدن و یا آموختن این تعلیمات باشند. خداوند: ای خدای ای خدای پاک و بزرگ / ای خدای ای خدای بی‌همتا / ای خداوند آسمان و زمین / ای خداوند دره و دریا / از تو دارد توان چنبیدن / پروبال پرندگان قشنگ /...

پیامبر (ص): ... او آنکه یک شب ماه را / با چشمهای خود شکافت / پرواز کرد و مثل

نور / سوی خدای خود شناخت /... (ساده مثل آسمان - محمدکاظم مزینانی)

موعود (ع): بال در بال پرستوهای خوب / می‌رسد آخر سوار سبزپوش / جامه‌ای از

پروزی لطیف به کودک گوشزد می‌نماید. این روش آموزش روش غیرمستقیم - تأثیر سلاسی پرورشیه کودک دارد. کتاب‌های آموزش آقبا آموزش شغل‌های مختلف و آموزش دانش‌اناسی در این مقوله می‌گنجد که از اشاره به تک تک آنها خودداری می‌شود.

دانشنامه منظوم نیز که از اشکال شعر کودک است، از سوی شاعران مورد توجه قرار گرفته است. طالب داستانهای منظوم منتشره یا آفریده ذهن خلاق و کاوشگر شاعر است و خود با توجه به شناختی که از کودک دارد و نیازها و رغبت‌هایش را می‌داند، به سرودن این مجموعه می‌پردازد و مفاهیم و آموخته‌های موجود در ذهن خویش را به کودک منتقل می‌نماید. و با این قصه‌ها برگرفته از قصص قرآنی و یا ستون کلاسیک فارسی است و شاعر را با زیبایی به نظم کشیده است و از این راه کودک را علاوه بر آشنا نمودن با مسایل دینی و دینی و اخلاقی با پیشینه فرهنگی و ادبی سرزمینش نیز آشنا می‌نماید. کتاب‌های گنجی بود سرورده مصطفی رحماندوست نمونه نوع اول و کلاغ نشسته سرورده معلم ابراهیمی نمونه دوم داستانهای منظوم می‌باشد.

مثل، طنز، چیستان و وصف نیز در برخی موارد در میان اشعار کودکان به چشم می‌خورد که در پرورش ذوق و گسترش پهنه اطلاعات کودک تأثیر زیادی دارند.

#### تحلیل موضوعی شعر نوجوانان

در این بخش به بررسی موضوعات شعر نوجوانان - گروه‌های سنی: هر دو - پرداخته می‌شود.

شعر نوجوانان برخلاف شعر کودکان از آرایه‌های مختلف ادبی بهره می‌گیرد. چرا که



مادر: ... این کسی که من چنین / می‌سناییش که هست ۹/ با چه کسی برابر است ۹/ او  
 خداست یوزمین / مادر است، مادر است، مادر است / (بچه‌های جهان -  
 محمود کیوانوش)  
 معلم: آموزگار مهربانم / ای مهر تو مهر خدایی / ای آنکه در جانم نهاده / مهر امید و  
 روشنائی...

(باغ سبز شعرها - جعفر ابراهیمی)

پدر بزرگ: قصه‌ای بلند بود / قامت پدر بزرگ / قصه‌ای عمیق و دلنشین / قصه‌ای پر از  
 بگو بخند بود / قصه‌ای صمیمی و نجیب / قصه‌ای قدیمی و عجیب / قصه‌ای که  
 لحظه لحظه‌اش / برای من / مثل خواب خوش / پر از خیال بود...  
 (کوچه درچه‌ها - بیوک ملکی)

### ۳- مضامین اجتماعی:

از آنجایی که حضور نوجوان در اجتماع و فعالیت‌های گونه‌گون آن بیشتر از حضور  
 کودک است، تأثیر محیط پیرامون بر وی او نیز بیشتر است. شخصیت نوجوان در مقابل با  
 مسایل اجتماعی است که شکل می‌گیرد و رشد می‌یابد.  
 انقلاب: سیل فریاد... اکبر / در تمام وطن گشت جاری / آسمان هم شنید این صدا را /  
 مرگ بادا به شاه فراری / ...

(باغ سبز شعرها - جعفر ابراهیمی)

عطر نرگس‌ها به تن / شالی از پروانه‌ها بر روی دوش / بیش پای او به رسم پیشوا / ابر  
 بارنگین کمان بل می‌زند / ...  
 قرآن: نو بهترین کلامی / تو بهترین کتابی / در آسمان دلها / تو مثل آفتابی / تمام  
 سوره‌ها بیت / تو بد رستگاری است / و باغ آیه‌ها بیت / پر از گل و فناری است / ... (ساز  
 شانه‌ها - اسدالله شعبانی)  
 نماز صبح زود است و خواب می‌چسبد / باید اما که باز برخیزم / از اذان پر شده است  
 کوچه‌ها / باید از خواب ناز برخیزم / باز مادر بزرگ بیدار است / بوی نان برشته  
 می‌آید...  
 روزه: ... سبزی می‌شد با پدر باغ دعا / نرم می‌خواند از کتابی آشنا / با فطر تازه مادر  
 می‌رسید / دستهایش داشت بوی ریّا...  
 (بوی کال یاس - جعفر ابراهیمی)

### ۲- مضامین اخلاقی:

عشق و رزی کودک به پدر و مادر و پدر بزرگ و مادر بزرگ، رفتاری غریزی از سوی وی  
 است اما علاقه نوجوان به پدر، مادر، پدر بزرگ، مادر بزرگ، معلم و... علاوه بر غریزه ریشه  
 در آگاهی او دارد. نوجوان پیوسته با دقت در رفتار و کردار این شخصیت‌ها، سعی می‌نماید  
 از هر جهت خودش را شبیه آنها سازد.  
 پدر: ... مخمل سبز می‌شود دل من / می‌شوم مثل دست بابا سبز / خانه بابوی دستهای  
 او / می‌شود مثل دشت و صحرا سبز...  
 (صدای سبز - حسین احمدی)



مصطفی رحماندوست) ...

و جبهه مدرسه است / کلامش ما آنجاست / شتاب کن برویم / که دیر خواهد شد / زندگی را بردار / امام می آید / و امتحان نهایی شروع خواهد شد /... (سوره - شماره ۱۵)

رحلت امام (ره):

گریه می‌کنم ز غصه مثل ابر / ناله می‌کنم ز درد مثل رعد / این هنوز روز بهت و حیرت است / وای ما دوی روزهای بعد / راستی چگونه باورم شود / پرکشیده از میان ما امامان /... (حرفهای ناتمام - سید سعید هاشمی)

بیزاری از فقر: در گوشه‌ای از شهر تهران / در خانه‌ای کوچک، اجاری / یک دخترک با اشکهای حرف می‌زد / او آرزو داشت / گنجشکها او را ببوسند / پروانه‌ها برپچک مویش بخوانند /... (پروانه و گل سر - اسدالله شعبانی)

نوع دوستی: کاش می‌شد مثل: باران می‌شدیم / مهربان و ناز و بی‌ادعا / نرم با آوازهای شاد خود / رقص می‌کردیم روی سبزه‌ها / کوجه‌ها و بامها بر می‌شدند / از صدای پایکوبیهایمان / سبزه می‌روید در هر باغچه / از طراوتهای جای پایمان /... (حسره‌های ناتمام)

یا... بلبل از راه رسید / خنده شاپرک دگل را دید / مثل آنها خندید / با خودش گفت / بهار / فصل خوشبختی خاک / فصل مهمانی قلب گلهاست / و چقدر / دوستی‌ها زیاست / (خنده آینه - ملیحه مهرپور)

همچنین کار و تلاش، امید به زندگی، دوست و اهمیت آن، علاقه به زندگی ساده

جمعه سیاه:

آن روز باران گلوله / بارید بر میدان ژاله / برپر شد از صدها گلوله / صدها گل زیبای لاله /... (باغ سبز شعرا)

روز دانش آموز:

مثل یک بید آسمان لرزید / ناگهان در هوای پاییزی / بچه‌ها روی خاک افتادند / همه چون برگ‌های پاییزی /... (یک سبد بوی بهار - افشین علاء)

شخصیت‌های انقلابی کشورمان نیز مورد علاقه نوجوانان می‌باشند.

شهید بهشتی:

از آن میان می‌گفت مردی / با گریه و آه و ناله / در کربلای سرخ ایران / روئیده هفتاد و دو لاله / فریاد می‌زد نوجوانی / با آنکه پرپر شد بهشتی / اما زخون سرخ و پاکش / ایران سراسر شد بهشتی /... (باغ سبز شعرا)

شهید دکتر شریعتی:

او که رفت عاشق بود / او که رفت تنها بود / راه را به ما آموخت / او معلم ما بود /... (یک سبد بوی بهار)

جنگ:

کاش من هم بزرگتر بودم / می‌گسستم زبای خود زنجیر / جنگ می‌کردم از سر ایمان / در کنار برادران دلیر / با تنگم که دوستش دارم / دشمنم را ز خانه می‌رادم /... (چشمه نور -



## ۲- مظاهر طبیعت در شعر جوانان:

شاید دلیل علاقه نوجوان با مظاهر طبیعی، داشتن طبیعت و نفس پاک و صاف و صادق همچون طبیعت است. درک زیبایی های طبیعت به خودشناسی و خداشناسی نوجوان کمک بسیاری می کند.

آسمان - آسمان ای روشن و تاریک / روز و شب بسیار زیبایی / شب به رنگ آبنوس اما / روزها هم رنگ دریا می ... (بچه های جهان - محمود کیانوش)

صبح - صبح نزدیک است / و نسیمی نرم، سرگردان میان خوشه های یاس / خانه تاریک است / پنجره باز است / شیر باز حوض / غرق آواز است / بچ گنجشکهای کز چنگ و وراج / در میان گوش سبز کاج ...

(خنده آینه - ملیحه مهرپور)

بهار - دوباره چلچله می آید / دوباره پنجره می خندد / و از کنار درختان / سکوت هوا صد رفت ... (شیشه آواز - افسانه شعبان نژاد)

باران - بار زد باران پاییز / ساز زیبایی برایم / گوش خواباندم برایش / خواند لالایی برایم ... (آواز پوپک - جعفر ابراهیمی)

کوه - هرگز ندیده ام / زیباتر از تو کوه / ایقدر سرفراز / ایقدر باشکوه / گاهی نهان لوری / در آشیان ابر / گاهی برآوردی / سر از میان ابر ... (بچه های جهان - محمود

روستایی، بهزاری از مهاجرت روستاییان به شهر، کتاب و مثل ها و افسانه های کهن ملل و محلی نیز هر کدام به مناسبت در اشعار نوجوانان موضوع شعری واقع شده اند و شاعر در آن به هدایت و راهنمایی نوجوانان پرداخته است.

در مواردی اسطوره های کهن نیز در اشعار ویژه نوجوانان وارد شده اند، برای نمونه در مثال زیر به خنیاگری ستاره زهره اشاره شده است که در شعر شاعران بزرگ دیگر نیز به آن پرداخته شده است. حافظ فرماید: «زهره در رقص آمد و برپت زنان می گشت نوش و شیب است و ماه با فروغ نقره رنگ / به آسمان تیره رنگ می زند / ستاره ستاره ها که زهره است» برای ماهتاب چنگ می زند ...

... / ستاره ستاره های آسمان / خدای شعر و مهربانی و سرود / تمام شب به چنگ نور پنجه زد / چو آفتاب صبح آمد، او غنود ... (آواز پوپک - جعفر ابراهیمی)

علاقه به شعر و شاعری نیز در میان نوجوانان علاقه ای است که ریشه در عواطف و احساسات ظریف و لطیف آنها دارد. بیشتر آنها به سرودن شعر علاقه دارند ولی انگارند که می توانند راز دل خویش را در قالب شعر بیان کنند و خود را در دریای خاطرات خویش غوطه ور نمایند.

با منی همیشه با منی / مثل مهر و مثل ماه / در دلم همیشه روشنی / شعری چراغ راه من / پناه من / یا تو می شود جوانه زد / مثل لاله از زمین دمید / یا تو می شود پرده شد / در هوای تازه بال و پر کشید ...

(ساز شاخه ها - اسدالله شعبانی)



## پس نوشت ها:

- ۱- ادبیات کودکان، دکتر علی اکبر شعاری نژاد - انتشارات اطلاعات - چاپ شانزدهم - ۱۳۷۲
- ۲- ادبیات کودکان و نوجوانان - ویژه مراکز تربیت معلم - تألیف مصطفی رحماندوست - شرکت چاپ و نشر ایران - ۱۳۶۹
- ۳- ادبیات کودکان - ویژه دانشسرای مقدماتی - گردآورندگان، میرمحمد طاهری - عبدالعلی کارنگ
- ۴- ادبیات و بازناب آن - نوشته و بیام جی گریس - ترجمه بهروز عزیزدفتری - نشر چشمه - ۱۳۷۲
- ۵- درباره ادبیات کودکان و نوجوانان و مسایل تربیتی - زیر نظر محمود حکیمی - مؤسسه انجام کتاب جلد اول، تابستان ۱۳۵۹
- ۶- سبکی در باره ادبیات کودکان و نوجوانان - محمود حکیمی - دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ

۴۴۱

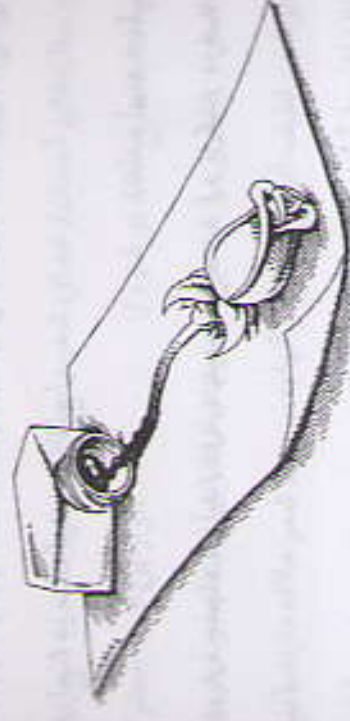
- ۷- رویش شنبه - ویژه نامه اولین و دومین سمینار بررسی ادبیات کودکان و نوجوانان شماره های ۱ و ۲ از انتشارات کانون پرورش فکری
- ۸- سوره - جنگهای پنجم، ششم، دوازدهم، پانزدهم و بیست و پنجم
- ۹- شعر کودک در ایران - محمود کیانوش - انتشارات آگاه - تهران ۱۳۵۲
- ۱۰- کودکان و ادبیات رسمی ایران - صدیقه عاشمی نسب - انتشارات سروش چاپ اول ۱۳۷۱
- ۱۱- گذری در ادبیات کودکان - لیلی ایمن داهی - سروران خسارلو (میرهادی)، مهدخت دوله آبادی - انتشارات شورای کتاب کودک - ۱۳۵۲

- ۱۲- نکاتی در باره ادبیات کودکان و نوجوانان -
- ۱۳- مقاله در باره ادبیات کودکان و نوجوانان - تنظیم کننده معصومه سهراب (مافی) - شورای کتاب کودک ۱۳۷۲
- ۱۴- گلچین - چهاردهای معاصر ادبیات کودکان و نوجوانان - کتاب اول - به کوشش حسین حداد - انتشارات قدیانی چاپ اول ۱۳۷۱
- ۱۵- صور خیال در شعر فارسی - دکتر محمدرضا شهبازی کدکنی - مؤسسه انتشارات آگاه چاپ

۱۳۶۸

## کتابشناسی

مضامین ذکر شده در این مقاله به صورت خلاصه و انتخابی بیان گردیدند. در کار تحلیل از شعر کودکان و نوجوانان علاوه بر اینکه نزدیک به چهل منبع معتبر پژوهش ادبیات کودکان و نوجوانان مورد مذاکره قرار گرفت در حدود هشتاد مجموعه شعر نیز مورد بررسی واقع شد و نتیجه این بررسی بصورت پایان نامه تحصیلی نیز فراهم آمد. در هر حال این رشته نیاز به تحقیق و تفحص فراوان دارد و متخصصان راست تا در جهت پویایی این رشته تلاش لازم را بنمایند.







حضرت بولس در شکم ماهی اثر مریم قاسم اندرود

### هنرمیلله کارى در زرنجان

کریم واحدپور - حسینعلی یوسفی

این تردید هر منطقه یا استانی با هنری خاص که آن نیز ناشی از مقتضیات و شرایط مکانی، اقلیمی و زمانی هر منطقه می باشد، شناخته می شود. فی المثل خاتمکاری و قلمزنی با نام اصفهان عجب شده است به همین نحو قالی کرمان، فرش تبریز و ... هنر به عنوان یکی از شاخه های اصلی ترین عامل به شمار می رود اما امروزه به دلیل تطورات و تحولاتی که عارض می شود نیاز صنفی کثرتی می یابد و در مقابل هنرهای آن نمود بیشتری پیدا می کند.

- ۱۶- فنون بلاغت و صناعات ادبی - جلال الدین همایی - مؤسسه نشر هما - چاپ چهارم ۱۳۴۷
- ۱۷- نگاهی تازه به بدیع - دکتر سیروس شمیسا - انتشارات فردوس - چاپ چهارم ۱۳۷۱
- ۱۸- زیباییشناسی سخن پارسی - معانی و بیان - میرجلال الدین کزازی - نشر مرکز
- ۱۹- در باره ادبیات و نقد ادبی - دکتر خسرو فرشیدورد - انتشارات امیرکبیر جلد دوم
- ۲۰- در معرفت شعر - گزیده المصمم - به انتخاب و توضیح دکتر سیروس شمیسا - انتشارات سخن - تهران ۱۳۷۲
- ۲۱- بررسی وزن شعر عامیانه - تقی وحیدیان کامیار - مؤسسه انتشارات آگاه تهران ۱۳۵۷
- ۲۲- آشنایی با نقد ادبی - دکتر عبدالحسین زرین کوب - انتشارات سخن - چاپ سوم تابستان ۱۳۷۲
- ۲۳- مجموعه های شعری - حدود ۸۰ مجموعه - که از ذکر نامشان خودداری می گردد.



تواند است، و ملیله زنجان از این قاعده مستثنی نمی باشد.

در کتاب تاریخی که اشاراتی در باره زنجان دارند، از میان صنایع شهر زنجان بیش از هر چیز از صنعت فلزکاری آن سخن گفته اند، از آنجا که ملیله کاری نیز یکی از شعبات فلزکاری است، می توان مسیر حرکت آن را در بطن فلزکاری منطقه جستجو کرد، با توجه به رونق شهر زنجان در دوره هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان (علی الخصوص دره های زنجان رود و فولادون) که وجود آتشکده عظیم تخت سلیمان در غرب، عبادتگاه بهستان در جنوب و آتشکده ساسانی در طارم مؤید این مطلب است به احتمال قوی فلزکاری نیز که از صنایع پیشرفته هر یک از این تمدنهاست در این منطقه وجود داشته است.

بطور مشخص از دوره سلجوقیان است که عده ای هنرمند فلزکار به این ناحیه مهاجرت می کنند، چنانکه در کتاب «هفت هزار سال هنر فلزکاری ایران» می خوانیم، سازندگان آثار نفیس دوره سلجوقی، طبق نامهای مندرج بر روی بعضی از آنها، هنرمندان خراسانی هستند که در شرق و شمال شرقی ایران توطن اختیار کرده بودند عده ای از آنان به علت جنگهای خونین و زد و خوردهای محلی در عصر شاهان و امیران این دوران جلای وطن کرده در سایر شهرها مانند بروجرد، زنجان، همدان و تبریز و بویژه موصل اقامت گزیدند. با حمله مغول به ایران ضربه سهمگینی برپیکر بعضی از هنرها در ایران وارد شد، در این میان هنر فلزکاری خراسان که در زمان سلجوقیان به اوج رونق خود رسیده بود از میان رفت، هنرمندان در تمام رشته ها برای نجات خویش از دست این دژخیمان به سوی غرب رفتند، در نتیجه در غرب هنر نازهای از تلقیق سبک خراسانی یا سبک هنرمندانی که

قاعده زنجان نیز از این امر مستثنی نیست که نوامای هنرمانی چون جاقو سازی، ملیله کاری، فرش بافی، چاروق و گیوه دوزی و مسگری می باشد که بی شک نمونه ای از این آثار میراثی و کلسونهای شخصی و موزه های معشیر داخلی و خارجی می باشد.

آگاه شدیم که اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان بر آنست که فصلنامه ای فرهنگی و هنری به طبع برساند، ما نیز این عمل را به فال نیک گرفتیم و بر آن شدیم تا قسمتی از این فصلنامه به هنرهای این خطه اختصاص یابد.

در گام نخست بر آنیم خود خوانندگان گرامی را با هنر ملیله کاری زنجان آشنا کنیم و انشاء... در آینده به معرفی سایر رشته های هنری زنجان خواهیم پرداخت.

### تاریخچه ملیله کاری در زنجان

در باره تاریخچه ملیله در زنجان اطلاعات جامعی در دست نیست و در میان مورخان و سیاستمدانی که از این منطقه عبور کرده اند، تعداد اندک شمار وجود دارند که مطالبی آنهم بسیار مختصر در باره صنایع شهر اظهار داشته اند، آنهم برای آگاهی از چگونگی مسیر این صنعت ظریفه در زنجان کافی نبوده است و تنها خیراز وجود چنین صنعتی در آن منطقه تاریخی می نماید.

آثار باقیمانده ملیله ای نیز (چه در موزه ها و چه در کلکسیونهای شخصی) بسیار کم بوده و اکثر متعلق به دو سده اخیر می باشند. اما با توجه به کار ملیله زنجان که از اسلوب خاصی (چه در زمینه طرح و چه اجرا) برخوردار است، می توان یقین داشت که این هنر در زنجان بسیار ریشه دار و عمیق بوده و قدمتی طولانی دارد، چرا که کمال هر چیز نتیجه تجربه است



احمد، زرگر، مرحوم حاج عباس و حاج علی اکبر بیات، مرحوم حاج رمضانعلی برداختی، مرحوم محسن کامران حقیقی، مرحوم حاج غلامحسین کامران حقیقی، مرحوم حاج ابوالقاسم کلامی، مرحوم موسی کاظمیان مقدم، که اینان همگی حلقه اتصال میان دیروز و امروز این هنر می باشند.

افرادی چون حاج صمد همای، حاج ابوالفضل ثبوتی، حاج قربانعلی برداختی، حاج حامد کامران حقیقی، حاج هادی کلامی، حاج ولی الله کامران حقیقی، برخی دیگر از هنرمندان این رشته هستند که در حال حاضر بدلیل کهنولت سن و وضعیت بنیادین قادر به فعالیت نمی باشند.

در حال حاضر قریب به یکصد و پنجاه هنرمند در زمینه ملیله کاری فعالیت می کنند که تعداد این هنر را در نزد استاد منصور کاظمیان مقدم فرا گرفته اند.

وی از معدود افرادی است که این هنر را به فراموشی راه نیاورد. او در سال ۱۳۵۵ به منظور حفظ و بقای این هنر با همکاری سازمان صنایع دستی زنجان واحد آموزش ملیله کاری را جهت آموزش جوانان علاقمند به ملیله کاری راه انداخت که این مرکز هم اکنون نیز به فعالیت خود ادامه می دهد.

هم اینک تعدادی از هنرمندان بصورت حرفه ای به این هنر ادامه می دهند و منشأ ابتکارات جدید و نیز ایجاد شور و اشتیاقی دوباره در بین هنرمندان علاقمند به این رشته شده اند. از آن جمله اند:

در بغداد و موصل می زیستند پدیدار شد. و کلیت نازهای موجود آمد و در عصر ایلخانانی و تیموری بیشتر به علت تشویق سران این دو خاندان ترقی و گسترش چشمگیری یافت و در مرز شاهکارهای جهانی قرار گرفت.

خود ریچاردز مستشرق اروپایی که در دوره صفویه از این منطقه و شهر زنجان عبور کرده، در سفرنامه خود می نویسد: در جاده تبریز شهر سلطانیه را با آن مسجد و گنبد مشهورش می توان از چند مایلی مشاهده کرد بعد از آن شهر زنجان است که شهر کوچه ها و ویرانی است نفوذ و ملیله کاری این شهر، برزق و برق است، این کار مورد پسند ایرانیان متعدد است که از نازک کاری زیاده از حد و صنایع مزین و آراسته طرفداری می کنند. این نوشته اولین سندی است که بطور معتبر از وجود ملیله کاری در شهر زنجان خبر می دهد در زمان قاجار که شهر زنجان به دلایل مختلف یکی از شهرهای معتبر کشور محسوب می شد صنایع شهری از جمله ملیله سازی آن از رونق برخوردار بوده.

### وضعیت فعلی هنر ملیله کاری در زنجان

این هنر غالباً سینه به سینه از پدر به فرزند منتقل شده است و این هنر وامداد هنرمندانی می باشد که با ایزاری بسیار ابتدائی به خلق آثاری ارزشمند مبادرت ورزیده و گاه پنهانی خود را در این مسیر از دست داده اند. بسیاری از اینان در حال حاضر در قید حیات نیستند. هنرمندانی چون مرحوم کربلایی حسینعلی، مرحوم مشهدی رحمان و رحیم برجخانی (که حدود یکصد سال پیش در این رشته فعال بودند) مرحوم کربلایی سار و اصغر طلالی، مرحوم مشهدی کاظم همای و مشهدی عبدالمناف همای، مرحوم حاج



۲- سارا کریمی متولد سال ۱۳۴۷ با تحصیلات کارشناسی فنی صنایع دستی:

وی پایان نامه تحصیلی خود را تحت عنوان ملیله زنجان به طبع رسانده و از بعد عملی نیز در این رشته فعال می باشد.

۳- کریم برات ابطحی متولد سال ۱۳۴۱ زنجان:

ایشان در زمینه ساخت کارهای متنوع با ملیله و بالا بردن کیفیت ساخت از لحاظ ظاهری، قرینه کاری با ابزار دقیق اندازه گیری فعالیت دارند. از جمله طراحی و ساخت کوبه چغریایی با مختصات کشورهای جهان و نیز تابلویی مزین به سوره حمد به هفت زبان زنده دنیا، با آمیزه ای از هنر منبت کاری و ملیله کاری.

ایشان نمونه هایی از آثار خود را در نمایشگاه های خارج از کشور از جمله کشورهای اسپانیا، مالزی، ژاپن، آلمان، سنگاپور، ترکیه، ظهوران عربستان و عمان به نمایش گذاشته و نمونه کارهایی نیز به نمایشگاه های دائر در امریکا، کانادا، کویت، امارات، متحد عربی و قطر ارسال کرده است.

اخیراً او در جهت گسترش بیشتر هنر ملیله کاری در نظر دارد که کارگاهی احداث کند و اعلامی این رشته بپردازد. گام مؤثری بردارد.

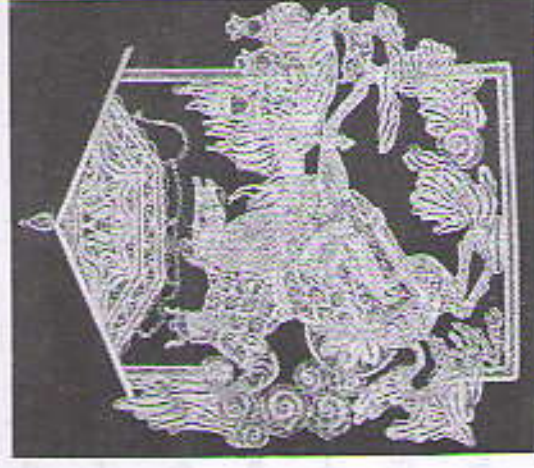
۲- مرتضی جزء صادقی متولد سال ۱۳۳۸.

ایشان نیز دارای سابقه طولانی در زمینه طراحی و ساخت مصنوعات ملیله با دقت ظرافت بسیار بالا می باشد. وی نیز به مدت ۱۸ سال به عنوان استادکار با سازمان صنایع



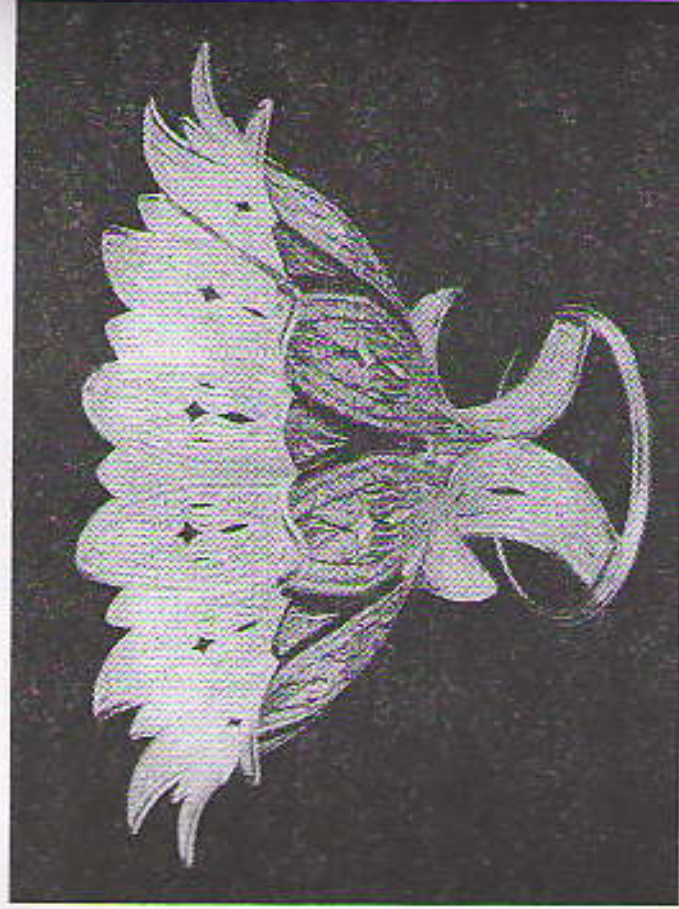
مریم قاسم اندرود در کارگاه ملیله کاری در حال ساخت تابلوی رستم در حال شکار

۱- مریم قاسمی اندرود، متولد ۱۳۴۸ با میزان تحصیلات کارشناسی صنایع دستی، ایشان ملیله کاری را از قالب سنتی که شامل ساخت، ظروف و اشیاء تجملی بوده است را خارج کرده و طرح های تجسمی را در قالب ملیله کاری ارائه نموده است.



رستم در حال شکار اثر مریم قاسم اندرود





کاسه نقره ای اثر کریم برات ابطعی



قلندران و قاشق نقره ای اثر سارا کریمی

دستی زنجان همکاری داشته و در نمایشگاههای متعددی از جمله اصفهان و نمایشگاه ایرانگردی و جهانگردی در محل دائمی نمایشگاهی بین المللی تهران و... شرکت فعال داشته است.

در پایان به صورت مختصر و مفید به مشکلات و موانع گسترش هرچه بیشتر مدار ملیله کاری در زنجان می پردازیم.

از جمله موانع و مشکلات عمده این رشته هنری فقدان نقدبینگی در میان هنرمندان می باشد، چراکه نقره بعنوان یک فلز گرانبها نیازمند سرمایه ای نسبتاً بالا می باشد که این امر نوعاً خارج از توان هنرمندان می باشد. دیگر اینکه تهیه ابزار کار نیز از طرفی مزید بر علت گردیده و عرصه را بر هنرمندان این رشته تنگ کرده است. مشکل دیگر نوسانات شدید قیمت نقره می باشد که گاه منجر به متصور شدن هنرمندان می شود. عدم همکاری سازمانهای متولی هنر و صنایع دستی با هنرمندان در زمینه ارائه تسهیلات، چون ابزار آلات و وام های بانکی، از مشکلات دیگر این رشته است.

لهذاست اینکه نوسانات موجود در بازار خرید و فروش مصنوعات نقره ای و نیز فقدان بسته مناسب جهت صادرات این کالا، گاهی از امنیت شغلی این رشته کاسته و بر مشکلات کار می افزاید.

در زیر نمونه هایی از مصنوعات نقره ای تولید هنرمندان ملیله کار زنجان را ملاطفه می فرمائید.



### معرفی طرح ها و پایان نامه های حمایت شده

#### در شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان

عنوان پایان نامه : مراسم زیارت امام زاده ها و اماکن مقدس زنجان

مجموعه : خانم سیده معصومه حسینی

استاد راهنما: آقای دکتر علی مهدی خانی

مقطع و رشته تحصیلی: کارشناسی ارشد، ادیان و عرفان

نام دانشگاه : دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

سال : ۱۳۷۷

#### چکیده پایان نامه:

این پایان نامه مشتمل بر ۱۲ فصل می باشد و هر فصل به اقتضای عنوانی که دارد، زیر



تصویری از محقق در حال کار بر روی پروژه



تصویری از محقق در حال کار بر روی پروژه



- ۱۱- در هر امامزاده‌ای بسته به اینکه وضع اقتصادی مردم چگونه باشد، تزییناتی در ساختمان ظاهری و داخل بناها انجام شده است.
- ۱۲- مردم هراندازه از امامزاده‌ای بیشتر کرامت می‌بینند به همان ترتیب آنجا را بیشتر زین کرده و هدایا و نذور تقدیم می‌دارند.
- ۱۳- در مناطق روستایی مردم احترام بیشتری را برای امامزاده قائل هستند تا در شهرها.
- ۱۴- متولیان امور امامزاده‌ها حتی در مناطق روستایی، افرادی هستند نسبتاً با سواد و اهل فضل و تقوی و مردم منطقه نیز ارزش بالایی به آنها می‌دهند.
- ۱۵- زنان در مراسم زیارت امامزاده‌ها نقش فراوان دارند.
- ۱۶- روزها و ایام زیارتی بیشتر اعیاد، ایام سوگواری و روزهای جمعه و پنجشنبه می‌باشد.
- ۱۷- در میان مردم عقیده‌ای هست مبنی بر طرد شدن از جانب امامزادگان در صورت عدم انجام قربانی و برعکس مورد لطف و عنایت آنان واقع شدن در صورتیکه نذور و هدایای مورد را به موقع ادا نمایند.
- ۱۸- برخی از منابع و مأخذی که در این پایان‌نامه مورد استفاده قرار گرفته است عبارتند از:
  - تذکره جامع الانساب فی قبور اولاد الاطهار راز و رمز نیایش - امامزادگان معبر ایران و رجال مدفونین کاشان - فتوح البلدان بلاذری - آثار الباقیه عن القرون الخالیة - تاریخ جامع ادهان - تاریخ زنجان - فرهنگ مردم اهر - لغتنامه دهخدا - فرهنگنامه زنجان، - مناقب الجنان - ترجمه تفسیر المیزان - مذهب و سیاست در جهان - البلدان یعقوبی - مجله میراث جاویدان

- ۱۹- فصل‌هایی را به خود اختصاص داده که از آن جمله به شرح ذیل می‌باشند.
  - آشنایی با استان زنجان، اوضاع جغرافیایی، تاریخی، وجه سهمیه زنجان، قبور و اهرامات و ...
  - مسیر اجمالی عرفان و تصوف در زنجان و عارفانی مانند شیخ شهابی، شهاب‌الدین ابوحفص عمر سهروردی و ...
  - شهرها و مناطق اطراف زنجان - اعتقادات و باورهای مردم همانند سنگهای مقدس، چشمه‌های مقدس و ...
  - مساجد زنجان و سلطانیه، خانقاه‌ها و کلیساها - معنای برخی اصطلاحات مانند امامزاده، ضریح، صندوق و ...
  - امامزادگان، علل آمدن ایشان به ایران، تشریف حضرت امام رضا(ع) به ایران و ...
  - شرح‌نامه برخی امامزادگان که تعدادشان به ۳۹ نفر می‌رسد و موقعیت جغرافیایی محل دفن آنان و برخی بقاع متبرکه.
  - حسینیه اعظم زنجان، تاریخچه، مراسم زیارت، علم‌ها، هدایا، نذورات، عزاداری، شهادت و قربانی
  - مراسم زیارت برخی امامزادگان به صورت تهیه گزارش و گفتگو با مردم، متولیان و افراد آگاه و مطلع در این زمینه
  - در انتها مقایسه اجمالی زیارت در اسلام و ادیان دیگر و نتیجه‌گیری از تحقیق به عمل آمده که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:



عنوان پایان نامه:

امکان سنجی توسعه گردشگری در استان زنجان

مجری:

خانم سیده کبری احمدی

استاد راهنما:

آقای دکتر محمدتقی رهنمایی

مقطع و رشته تحصیلی:

کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه ریزی شهری

نام دانشگاه:

دانشگاه تهران

سال:

تیرماه سال ۱۳۷۸

چکیده پایان نامه:

گردشگری (Tourism) به عنوان یکی از راهکارهای توسعه پادار است، که همچون موتور

تحصیلت استهلاکی نداشته و در صورت ایجاد امکانات و تأسیسات مورد نیاز گردشگران

می تواند، وزنه ای مؤثر در رشد و توسعه مناطق باشد.

استان زنجان به عنوان یکی از مناطق کشور که از نظر تولیدات اقتصادی مشکلات

فرمان دارد؛ دارای توانهای بالای گردشگری می باشد و می تواند از این پتانسیل استفاده

نموده و در راه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود گام بردارد. این استان به علت

برخوردار بودن از موقعیت مناسب جغرافیائی و ترانزیتی؛ طبیعی (رودخانه های مهمی چون

فرات و وزن و زنجان رود، ارتفاعات مناسب برای پیست اسکی، غارهای زیبا و...)؛ جاذبه های

بادهائی و تاریخی (گنبد سلطانی، رختشویخانه، قیدارنسی، سیراحمد زهرنوش و...)

بهره های اقتصادی (بازار، صنایع دستی و...)؛ استعداد پیوستن به قطبهای مهم توریستی

کشور را دارد.

این امر شناسائی استعدادها و توانهای بالقوه و بالفعل استان را از یکطرف و آشنائی با

محدودیتهای فعالیت فوق را از طرف دیگر ضروری می نماید. در همین راستا و برای نیل

به توسعه پایدار این پایان نامه تحت عنوان امکان سنجی توسعه گردشگری در استان زنجان

انتخاب گردیده است.

در این بررسی محورهای اساسی زیر مورد توجه قرار گرفته است:

در فصل اول؛ ابتدا به مفاهیم و کلیات پرداخته شده که در آن به طرح مسأله، اهمیت و

ضرورت آن، فرضیات تحقیق، روش و مراحل تحقیق اشاره شده است. در مبحث کلیات،

وضیعت جهانگردی در جهان بررسی گردیده، سپس از آن سیر تحولات گردشگری در

ایران، امکانات و محدودیتهای توسعه آن مورد ارزیابی قرار گرفته است.

چابگاه گردشگری در نظام برنامه ریزی کشور و همچنین چابگاه استان زنجان در نظام



قابل توجهی که در زمینه منابع گردشگری در سطح جهان دارد، سهم قابل توجهی از درآمد های جهانی گردشگری را بخود اختصاص دهد و از وابستگی بر درآمد های نفتی رهایی یابد.

برنامه ریزی استان در زمینه گردشگری از دیگر مباحث این فصل است. در فصل دوم؛ ویژگی های کلی استان، خصوصیات جغرافیائی و محیطی و پارامترهای مختلف آن، خصوصیات جمعیتی، خصوصیات اقتصادی آن با تأثیر عمیقی که برگردشگری دارد، ارزیابی شده اند. در فصل سوم؛ قابلیت های گردشگری استان در زمینه های طبیعی، پادمانی و تاریخی، فرهنگی و اقتصادی به طور مجزا بررسی شده اند. در فصل چهارم؛ تأسیسات و تجهیزات مورد نیاز گردشگران در سطح استان؛ وضعیت راههای ارتباطی استان و دسترسی ها، واحدهای اقامتی و پذیرائی، سازمان های اجرایی مسؤول در این زمینه و نحوه تبلیغات و اطلاع رسانی در زمینه توریسم استان پرداخته شده است. در فصل پنجم؛ کم و کیف جریان های توریستی در سطح استان با تأکید بر تعداد مسافران مقیم، فصول عمده فعالیت توریستی، مراکز عمده بازدید و در نهایت وضعیت اشتغال در بخش گردشگری استان مورد بررسی قرار گرفته اند. در فصل ششم؛ راهکارهای اجرایی توسعه بخش گردشگری استان و پیشنهادات ارائه گردیده اند.

امید است با اجرای پیشنهادات ارائه شده و کامل تر کردن آن توسط صاحب نظران در جهت گسترش گردشگری استان زنجان و در نهایت رشد و شکوفائی فعالیت گردشگری کشور گام های اساسی و اولیه برداشته شود و در نهایت ایران عزیز، با قابلیت و شایستگی



پژوهشگر در مقدمه با اشاره به اهمیت و قدرت رسانه‌های جمعی، به نقل از جامعه‌شناسان و اندیشمندان اجتماعی می‌نویسد: رسانه‌های جمعی به عنوان قوه چهارم در کنار قوای سه‌گانه جامعه (مقننه، اجرائیه و قضائیه) تلقی می‌شود و در میان رسانه‌های جمعی، سهم تلویزیون در سرعت بخشیدن به تغییرات در همه زمینه‌ها در انسجام با گستردگی ارتباطات اجتماعی، اشاعه فرهنگ، تغییر ایستارها، انتقال فرهنگ، اجتماعی کردن بخصوص جامعه‌پذیری کودکان و نوجوانان، تغییر با جهت‌دهی گرایشهای ذهنی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، اتصال دنیای خارج به داخل خانه‌ها با انتقال عقاید، افکار، مهارت‌ها و ارزشهای اجتماعی در قالب فیلمها، نمایشنامه‌ها، مجموعه‌های تلویزیونی و برنامه‌های گوناگون در کونه‌ترین زمان ممکن و با مؤثرترین شیوه‌ها بسیار زیاد است. کودکان و نوجوانان بیشترین علاقه و بالاترین تأثیرپذیری را از تلویزیون دارند. مطالعات انجام شده و تحقیق حاضر نشان می‌دهد، هر کودک و نوجوان ۶ تا ۱۱ ساله به طور میانگین در هر سال، معادل یک سال تحصیلی، آن هم با شدت و علاقه در مقابل تلویزیون زانو می‌زند و مبهوت تماشای آن می‌شود به طور متوسط هر کودک دبستانی بیش از چهار ساعت در روز تلویزیون تماشا می‌کند و این میزان در سراسر جهان تقریباً یکسان است و همه کودکان و نوجوانان جهان از شیفنگان تلویزیون بوده، دنیای خیالی خود را در آن می‌جویند.

به عقیده پژوهشگر، تلویزیون با استفاده از روشهای متعدد و پیچیده و به طور عموم به روش غیر مستقیم، مهارت‌های اجتماعی را به کودکان و نوجوانان آموزش می‌دهد؛ چراکه

عنوان: معرفی طرحها و پایان‌نامه‌های فرهنگی، هنری

طرح: کودک و نوجوان در برابر تلویزیون (شدت علاقه، میزان تماشا و

تأثیرپذیری بر روی کودکان و نوجوانان شهرستان اهر)

مجری: آقای اصغر مهاجری

سال: ۱۳۷۳

## چکیده‌ی تحقیق:

تحقیق مذکور براساس طرحی مدون و با تکیه بر نظریه‌های جامعه‌شناختی و استفاده از روشهای علمی و عمده کردن فرضیه‌های خاص روی ۵۰۰ کودک و نوجوان ۶ تا ۱۱ سال شهرستان اهر و خانواده‌های آنان، تهیه شده است.



تلویزیون افزوده و پس از آن کاسه می‌شود. همچنین میزان تماشا و شدت علاقه با سطح تحصیلات والدین، درآمد خانواده، شغل والدین، بعد خانوار، نوع تلویزیون (رنگی، سیاه‌سفید) وجود برنامه منظم در خانواده، تماشای دسته جمعی، امکانات تفریحی و سرگرم کننده... در ارتباط است. در مجموع فرزندان خانواده‌های قشر متوسط تماشای معتدلی را دارند. میزان تماشای تلویزیون با تأثیرپذیری مثبت دارای رابطه معکوس است بدین صورت که آنتهای که کمتر تلویزیون تماشا کرده‌اند، تأثیرپذیری مثبت بیشتری داشته‌اند.

محقق به مسئولان و دست‌اندرکاران و برنامه‌سازان تلویزیونی توصیه می‌کند قبل از شناخت نیازهای مخاطب به تولید برنامه مبادرت نکنند و به ظرافت، تأثیرپذیری شدید، احساسات و شدت علاقه کودک و نوجوان به تلویزیون و به دنیای ظریف آنان هرچه بیشتر توجه کنند و در ارضای نیازهای آنان از روش آزمایش خطا پرهیز کنند. ولی همچنین به خانواده‌ها توصیه می‌کند به سخنان کودک و نوجوان اهمیت دهند، در امور آنان دخالت مستقیم و خشن نکنند و با آنان مشاوری کنند. از همه مهم‌تر نیازهای تلویزیونی کودکان و نوجوانان را باید به‌طور جدی در نظر گرفت. این بلوغ زودرس همیشه مثبت و مناسب نیست بلکه در برخی موارد مخرب است. تماشای همه برنامه‌ها و فیلمهای تلویزیونی توسط کودکان و نوجوانان به آنها لازم نیست بلکه مضر هم هست. از این رو توصیه می‌شود، فرهنگ تماشای تلویزیون را در کودکان و نوجوانان درونی کرده، شبکه جداگانه‌ای برای کودک و نوجوان اختصاص یابد.

بهترین شبکه انتقال هنجار و ارزشهای اجتماعی روش غیرمستقیم است. همچنین تلویزیون می‌تواند با دورنگه داشتن کودکان و نوجوانان از تکالیف درسی، و تبدیل آنها به یادگیرنده طبرفعال، آموزش کلیشه‌ها، نشان دادن الگوهای تهاجمی و تصاویر غیرواقعی از جهان بر تکامل کودکان اثر منفی بگذارد.

بنابراین محقق، شهرستان ابهر به طور عمده دارای ساختار روستایی بوده، از این رو این شهرستان ویژگیهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... روستایی دارد که به طور قطع این مسئله بر مصرف و نوع مصرف کالاهای فرهنگی افراد و به تبعیت از آن بهره‌مندی از رسانه‌های جمعی و به طور خاص تلویزیون و نوع استفاده از آن نیز مؤثر است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد، هر کودک و نوجوان جامعه آماری مورد مطالعه به طور متوسط ۲۳۶ دقیقه در روز تلویزیون تماشا می‌کند و ۷۱/۴ درصد آنان در سطح زیاد و خیلی زیاد به تلویزیون علاقه‌مند هستند. ۵۲ درصد کودکان و نوجوانان در تماشای بیشتر و دلخواهشان آزادی دارند و والدین بخصوص مادران مخالف تماشای بیشتر آنان می‌شوند. در مجموع تضاد و اختلاف در بین اعضای خانواده موجب روی‌آوری کودک و نوجوان به تلویزیون است. مطلوبترین و محبوبترین برنامه کودک و نوجوان فیلمهای کارتونی است. بیشترین توفیق در جذب بیننده کودک و نوجوان به شبکه اول سیما با ۶۱/۷ درصد تعلق دارد. شبکه دوم با ۲۸/۱ درصد و شبکه استانی با ۱۹/۲ درصد در مراتب بعدی قرار دارند. براساس نتایج این تحقیق، میزان تماشای تلویزیون با سن کودک و نوجوان در ارتباط است ولی با جنس ارتباط چندانی ندارد. از ۹ تا ۹ سالگی بر شدت علاقه و میزان تماشای



تحصیلات و مرتبه شغلی و گرایش به تقدیر و صور مختلف بیگانگی و میزان آگاهی مورد بررسی قرار دهد. برای بیان نظری مسئله از دیدگاه روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی از قبیل «رابرت داله و وسیمین» و تئوری مبادله «جورج هومنز» استفاده شده است. اطلاعات لازمه توسط پرسشنامه جمع‌آوری و با استفاده از برنامه کامپیوتری SPSS داده‌ها تحلیل شده است. ابتداء توسط جداول توزیع فراوانی و نمودارها داده‌ها توصیف، سپس با استفاده از جداول مقاطع و آزمون آماری ۷۲ و ضریب همبستگی (ضریب توافقی C) رابطه دودو متغیرها مورد بررسی قرار گرفته و برای درک بیشتر رابطه بین متغیرها در مرحله نهایی با استفاده از رگرسیون چند متغیره ارتباط بین متغیرهای مذکور در تعامل با یکدیگر و در ارتباط با مشارکت به نحو عمیقتری مورد بررسی قرار گرفته و در مرحله نهایی رگرسیون، متغیرهای باقی مانده بصورت مدل علی رسم گردیده است.

عنوان: بررسی میزان مشارکت و برخی از عوامل مؤثر بر آن در شهر زنجان

مجری: آقای سید هادی علویون

سال: ۱۳۷۳

### چکیده تحقیق:

مشارکت پدیده‌ای است پیچیده که با متغیرهای فردی - اجتماعی و سیاسی مرتبط است این تحقیق در پی آن است تا این امر را بعنوان بخشی از رفتار اجتماعی انسان در مجموعه‌ای از زمینه‌ها و شرایط فردی - خانوادگی - اقتصادی اجتماعی مورد بررسی قرار دهد بدین ترتیب که:

۱- میزان گرایش به مشارکت را در افراد مورد مطالعه بسنجد.

۲- این میزان را در ارتباط با متغیرهای مختلف از قبیل نوع روابط خانوادگی - سطح



## شرایط پذیرش آثار

با سهاس از کلیه عزیزانی که با فصلنامه ی فرهنگ زنجان همکاری دارند مستدعی است

لگات زیر توجه فرمایید:

- مطالب ارسالی بر یک روی کاغذ در قطع A4 نوشته یا تایپ شود.
- مطالب دریافتی به هیچ عنوان بازگردانده نخواهد شد.
- فصلنامه در انتخاب و ویرایش مطالب آزاد است.
- چنانچه مطلب ارسالی ترجمه شده باشد ارسال متن به زبان اصلی نیز الزامی است.
- مطالب ارسالی باید قبلاً در هیچکدام از نشریات چاپ نشده باشد.
- آرا و عقاید نویسندگان الزاماً نظر مسئولان فصلنامه نیست.



